



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

فقرنگ کتب نامنا

تعمیر لایہ



مؤلفین:

■ سید محمود عباسی، نقیہ علی

■ محمد سعید علی، نور

محرر: طارق

مؤسسہ: عربیہ اسلامیہ، لاہور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگنامه ی اربعین امام حسین علیه السلام

نویسنده:

سید محمود هاشمی دهرخی

ناشر چاپی:

آشیانه برتر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	فرهنگنامه ی اربعین امام حسین علیه السلام
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	فهرست مطالب
۲۴	مقدمه
۲۶	«الف»
۲۶	آداب و رسوم عزاداری اربعین
۲۷	اربعین اول و اربعین دوم
۲۸	اربعین، جایگاهی ویژه برای امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ
۳۰	اربعین در سال های اخیر
۳۰	اربعین در فرهنگ اسلامی
۳۵	اربعین و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ
۳۷	اربعین و پیاده روی از دیدگاه علما
۳۷	حضرت آیت الله العظمی ملکی تبریزی (ره)
۳۸	حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت ظلّه
۳۹	حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره)
۴۰	حضرت آیت الله العظمی سیستانی دامت ظلّه
۴۴	استحباب زیارت اربعین
۴۴	اشاره
۴۴	الف. قول معصوم درباره زیارت اربعین
۴۵	ب. فعل معصوم درباره زیارت اربعین
۴۶	ج. تقریر معصوم درباره زیارت اربعین
۴۷	انفجارها و شهدای اربعین

۴۹	اولین حاضران در اربعین
۵۰	اولین زائر اربعین
۵۳	ام کلثوم سلام الله علیها در اربعین
۵۴	امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَام
۵۴	امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَام
۵۴	دوران امامت
۵۶	آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت
۵۷	تشویق به زیارت اربعین در اوج اختناق
۵۸	شهادت امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَام
۵۸	تخریب حرم امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَام
۵۹	امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اربعین
۶۱	امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام
۶۲	«ب»
۶۲	بزرگ ترین گردهمایی بشری
۶۳	بیستم صفر
۶۸	«پ»
۶۸	پیاده روی اربعین در دوران معاصر
۶۸	پیاده روی اربعین پیش از حکومت بعث
۶۹	پیاده روی اربعین در آغاز حکومت بعث
۷۰	پیاده روی اربعین در زمان صدام
۷۰	پیاده روی و زیارت
۷۲	پیاده روی در روز اربعین
۷۳	پیاده روی علمای بزرگ شیعه
۷۶	«ت»
۷۶	تحلیل سیاسی اربعین
۷۸	توصیفی از اربعین

۸۰	توصیف ادبی زیارت
۸۰	توصیه های مربوط به پیاده روی اربعین
۸۰	توصیه های مربوط به پیش از سفر
۸۱	توصیه های مربوط به مسیر پیاده روی
۸۴	توصیه های مربوط به زمان حضور در کربلا
۸۵	توصیه های اخلاقی
۸۶	توصیه های تبلیغاتی
۸۷	توصیه های امنیتی
۸۹	توصیه هایی برای بعد از سفر
۹۲	«ج»
۹۲	جابر بن عبدالله انصاری
۹۲	جابر بن عبدالله انصاری
۹۳	جابر، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۹۶	مقام علمی جابر
۹۸	جامعه شناسی اربعین
۱۰۰	«د»
۱۰۰	دیدگاهی متفاوت درباره زیارت جابر
۱۰۴	«ر»
۱۰۴	روضه اربعین
۱۰۵	رفع شبهه درباره زیارت اربعین
۱۰۶	رقیه بنت الحسین علیهما السلام
۱۰۷	روایت تشرف جابر
۱۱۱	رویداد های اربعین سال ۶۱ هجق
۱۱۴	«ز»
۱۱۴	زیارت
۱۱۵	زیارت در فرهنگ شیعی

۱۱۵ اشاره
۱۱۷ کارکرد تربیتی زیارت
۱۱۷ کارکرد اجتماعی و سیاسی زیارت
۱۱۸ زیارت نامه
۱۱۹ زیارت نامهٔ اربعین
۱۲۰ زیارت نامهٔ جابر
۱۲۷ زیارت نامهٔ صفوان
۱۳۳ زیارت وداع اربعین
۱۳۶ زینب بنت علی علیهما السلام
۱۳۹ زینب سلام الله علیها در اربعین
۱۴۱ «س»
۱۴۱ سکینه بنت الحسین علیهما السلام
۱۴۷ سید بن طاووس
۱۵۰ «ش»
۱۵۰ شرح زیارت اربعین
۱۵۰ فراز اول: سلام های توصیفی
۱۵۲ فراز دوم: گواهی بر عظمت و برتری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۵۳ فراز سوم: اهداف قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۵۳ فراز چهارم: قاتلان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۵۶ فراز پنجم: عبرت آموزی از سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام
۱۵۷ فراز ششم: تجدید بیعت با سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام
۱۵۹ فراز هفتم: اصالت خاندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۶۰ فراز هشتم: توصیف فرزندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۶۰ فراز نهم: اعتقادات شیعی
۱۶۰ فراز دهم: صلوات بر اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَام
۱۶۰ شعر اربعین

- ۱۶۰ اشاره
- ۱۶۱ آیت الله صافی گلپایگانی دامت ظلّه
- ۱۶۱ غلامرضا سازگار (میثم)
- ۱۶۳ محمد جواد غفور زاده
- ۱۶۵ سید حسن رستگار
- ۱۶۷ غلامرضا سازگار (میثم)
- ۱۷۱ شیخ طوسی
- ۱۷۳ شیخ مفید
- ۱۷۵ «ص»
- ۱۷۵ صفوان بن مهران
- ۱۷۷ «ع»
- ۱۷۷ عطیه عوفی
- ۱۷۷ عطیه عوفی
- ۱۷۷ تولد و خاندان
- ۱۷۸ مقام علمی
- ۱۷۹ آثار علمی
- ۱۸۰ از هجرت تا وفات
- ۱۸۱ عکس های قدیمی از اربعین
- ۱۸۴ علی بن الحسین عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۸۴ اشاره
- ۱۸۹ امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در کربلا
- ۱۸۹ امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در اربعین
- ۱۹۰ امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در مدینه
- ۱۹۱ عماد الدین طبری
- ۱۹۳ عمود
- ۱۹۳ «ف»

- ۱۹۳ فاطمه بنت الحسین سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا
- ۱۹۵ فاطمه بنت الحسین علیهما السلام
- ۱۹۷ فضیلت زیارت اربعین
- ۱۹۹ «ک»
- ۱۹۹ کتاب بشاره المصطفی
- ۲۰۰ کتاب تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام
- ۲۰۱ کتاب تهذیب الاحکام
- ۲۰۲ کتاب المزار
- ۲۰۳ کتاب مصباح الزائر
- ۲۰۴ کتاب های اربعین
- ۲۱۱ «م»
- ۲۱۱ مبدا پیدایش پیادی روی اربعین
- ۲۱۱ مخالفان اربعین
- ۲۱۳ مدت اقامت اهل بیت علیهم السلام در اربعین
- ۲۱۴ مرتضی مطهری
- ۲۱۴ مرد الرأس
- ۲۱۸ مسیر پیاده روی اربعین
- ۲۱۹ مقالات اربعین
- ۲۲۷ مقدس اردبیلی
- ۲۲۸ ملاقات اهل بیت علیهم السلام با جابر در اربعین
- ۲۲۹ موکب
- ۲۳۱ موقعیت موکب های ایرانی در مسیر پیاده روی اربعین
- ۲۳۲ مهمان نوازی مردم عراق در اربعین
- ۲۳۳ میرزا حسین نوری
- ۲۳۴ میرزای نوری، احیاگر سنت پیاده روی کربلا
- ۲۳۵ کتاب نامه

مشخصات کتاب

سرشناسه : هاشمی دهرسخی، سید محمود

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگنامه ی اربعین امام حسین علیه السلام/ سید محمود هاشمی دهرسخی، محمد جعفری پور؛ مجری طرح
موسسه ی فرهنگی قرآن و عترت « ندای کلام هادی».

مشخصات نشر : اصفهان: آشیانه برتر، 1395.

مشخصات ظاهری : 208 ص. : مصور، جدول؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک : 60000 ریال 2-76-7138-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه: ص. 201 - 208؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61 ق -- اربعین

شناسه افزوده : جعفری پور، محمد، 1361 -

شناسه افزوده : موسسه فرهنگی قرآن و عترت ندای کلام هادی

رده بندی کنگره : 4/P41/5/2هف4 1395

رده بندی دیویی : 297/9534

شماره کتابشناسی ملی : 4171664

ص: 1

اشاره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 2

فرهنگ نامۀ اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ

سید محمود ہاشمی دہسرخی

محمد جعفری پور

مجری طرح

موسسہ فرہنگی قرآن و عترت «ندای کلام ہادی»

ص: 3

مقدمه. 11

«الف» 13

آداب و رسوم عزاداری اربعین.. 13

اربعین اول و اربعین دوم. 14

اربعین، جایگاهی ویژه برای امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 15

اربعین در سال های اخیر. 18

اربعین در فرهنگ اسلامی.. 19

اربعین و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 22

اربعین و پیاده روی از دیدگاه علما 26

حضرت آیت الله العظمی ملکی تبریزی رحمه الله ... 26

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت ظله 27

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله ... 29

حضرت آیت الله العظمی سیستانی دامت ظله 30

استحباب زیارت اربعین.. 36

قول معصوم درباره زیارت اربعین.. 36

فعل معصوم درباره زیارت اربعین.. 37

تقریر معصوم درباره زیارت اربعین.. 39

انفجارها و شهدای اربعین.. 39

اولین حاضران در اربعین.. 43

اولین زائر اربعین.. 44

ام کلثوم بنت علي عليهما السلام 46

ام کلثوم سلام الله عليها در اربعين .. 48

امام حسن عسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ 49

دوران امامت... 50

آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت... 53

تشویق به زیارت اربعین در اوج اختناق.. 54

شهادت امام عسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ 55

تخریب حرم امام عسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ 56

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و اربعين.. 57

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ 59

«ب» 60

بزرگ ترین گردهمایی بشری.. 60

بیستم صفر. 62

ص: 5

پیاده روی اربعین در دوران معاصر. 66

پیاده روی اربعین پیش از حکومت بعث... 66

پیاده روی اربعین در آغاز حکومت بعث... 68

پیاده روی اربعین در زمان صدام. 69

پیاده روی و زیارت... 70

پیاده روی در روز اربعین.. 72

پیاده روی علمای بزرگ شیعه. 74

تحلیل سیاسی اربعین.. 76

توصیفی از اربعین.. 79

توصیفی از زیارت اربعین.. 81

توصیه های مربوط به پیاده روی اربعین.. 81

توصیه های مربوط به پیش از سفر. 81

توصیه های مربوط به مسیر پیاده روی.. 83

توصیه های مربوط به زمان حضور در کربلا.. 86

توصیه های اخلاقی.. 89

توصیه های تبلیغاتی.. 90

توصیه های امنیتی.. 92

توصیه هایی برای بعد از سفر. 95

جابر بن عبدالله انصاری.. 96

جابر، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم 98

مقام علمی جابر. 101

جامعه شناسی اربعین.. 104

«د» 105

دیدگاهی متفاوت درباره زیارت جابر 105

«ر» 109

رفع شبهه درباره زیارت اربعین.. 109

رقیه بنت الحسین علیهما السلام 111

روایت تشرف جابر. 113

رویداد های اربعین سال 61 هـ.ق.. 119

«ز» 120

زیارت... 120

زیارت در فرهنگ شیعی.. 122

کارکرد تربیتی زیارت... 125

کارکرد اجتماعی و سیاسی زیارت... 125

زیارت نامه. 127

ص: 6

زیارت نامهٔ اربعین.. 128

زیارت نامهٔ جابر. 129

زیارت نامهٔ صفوان. 136

زیارت وداع اربعین.. 143

زینب بنت علی علیهما السلام 148

زینب سلام الله علیها در اربعین.. 150

«س» 153

سکینه بنت الحسین علیهما السلام 153

سید بن طاووس 6..... 160

«ش» 162

شرح زیارت اربعین.. 162

فراز اول: سلام های توصیفی.. 162

فراز دوم: گواهی بر عظمت و برتری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 164

فراز سوم: اهداف قیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 166

فراز چهارم: قاتلان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 167

فراز پنجم: عبرت آموزی از سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَامُ 171

فراز ششم: تجدید بیعت با سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَامُ 174

فراز هفتم: اصالت خاندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 176

فراز هشتم: توصیف فرزندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ 177

فراز نهم: اعتقادات شیعی.. 177

فراز دهم: صلوات بر اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ 178

شعر اربعين.. 178

آيت الله صافي گلپايگاني دامت ظلّه 178

غلامرضا سازگار (ميشم) 180

محمد جواد غفورزاده 183

سيد حسن رستگار. 184

غلامرضا سازگار (ميشم) 186

شيخ طوسي 6..... 191

شيخ مفيد 6..... 194

«ص» 196

صفوان بن مهران. 196

«ع» 198

عطيّه عوفي.. 198

تولد و خاندان. 199

مقام علمي.. 199

آثار علمي.. 201

از هجرت تا وفات... 202

ص: 7

عکس های قدیمی از اربعین .. 203

علي بن الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ 211

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در کربلا .. 212

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در اربعین .. 214

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در مدینه. 217

عماد الدین طبری 6..... 219

«ف» 220

فاطمه بنت الحسين عليهما السلام 220

فضیلت زیارت اربعین .. 223

«ك» 224

کتاب بشاره المصطفی .. 224

کتاب تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ 226

کتاب تهذیب الاحکام. 228

کتاب المزار. 229

کتاب مصباح الزائر. 230

کتاب های اربعین .. 231

«م» 241

مبدا پیدایش پیادی روی اربعین .. 241

مخالفان اربعین .. 242

مدت اقامت اهل بیت علیهم السلام در اربعین .. 244

مرتضی مطهری 6..... 245

مرد الرأس... 246

مسیر پیاده روی اربعین.. 251

مقالات اربعین.. 254

مقدس اردیلبی 6..... 265

ملاقات اهل بیت علیهم السلام با جابر در اربعین.. 267

موكب... 268

موقعیت موكب های ایرانی در مسیر پیاده روی اربعین.. 271

مهمان نوازی مردم عراق در اربعین.. 273

میرزا حسین نوری 6..... 274

میرزای نوری، احیاگر سنت پیاده روی کربلا.. 275

کتاب نامه. 277

ص: 8

در این زمان که دشمنان ما از همه طرف و با همه توان، به جغرافیا و دین و کیان نظام های اسلامی حمله ور شده اند، حضور میلیونی در اربعین حسینی، بهترین فرصت برای رسیدن به وحدت جهان اسلام و بهترین موقعیت برای نمایش قدرت مسلمانان است.

اگر چه ممکن است برخی از ما، آن را امری صرفاً دینی و معنوی بپنداریم، ولی دشمنان ما، آن را یک نمایش بزرگ قدرت می دانند؛ نمایشی که نه ارتباط به یک ملت خاص دارد و نه وابسته به یک دولت خاص می باشد؛ بلکه به رخ کشیدن قدرت بزرگ امت اسلامی است.

قابطه مسلمانان به عنوان محبان اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ، به این درك مشترك رسیده اند که باید اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ را محور اتحاد قرار دهند؛ همان گونه که حضرت زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا اَمَامَتِ اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ را مانع تفرقه و فرقه گرایی بیان می کند و می فرماید: «وَالْعَدْلُ تَسْبِيحًا لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتًا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ، وَ اِمَامَتًا اَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»⁽¹⁾ خداوند، عدالت را مایه ماهنگی و پیوند قلب ها، اطاعت ما را باعث نظام ملت اسلام، و امامت ما را امان از تفرقه و پراکندگی قرار داد».

از همین رو، گروه های تکفیری که دست پرورده قدرت های استکباری

ص: 9

هستند، این همگرایی امت اسلامی را برنمی تابند و تلاش دارند که برای جلوگیری از آن، امنیت و کیان امت اسلامی را بر هم زنند.

با توجه به اهمیت بسیار بالای پیاده روی اربعین و حضور مبلغان دینی و عناصر فرهنگی در این مراسم با شکوه، بر آن شدیم که به منظور آشنایی مردم با پیام اربعین و حماسه عاشورا، اطلاعات مختصر و مستندی را در خصوص آداب و مسائل مربوط به آن، تقدیم خوانندگان نماییم. امید است که مورد اقبال و استفاده همه مبلغان و رهپویان این مسیر معنوی قرار گیرد و با ارائه نظرات و نقدهای سازنده خود، ما را در اصلاح و بهسازی آن، یاری نمایند.

عید قربان 1436 / دوم مهر 1394

سید محمود

هاشمی دهرخی

ص: 10

آداب و رسوم عزاداری اربعین

در شهر کربلا مرسوم است که عزاداری اربعین را در حسینیه ها و هتل ها و منازل برگزار می کنند. گاهی اوقات نیز در هیئت های برپا شده در کوچه و خیابان، به عزاداری می پردازند. برخی هم تمایل دارند که هیئت عزاداری خود را از مسیر حرم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و بین الحرمین و حرم حضرت عَلَیْهِ السَّلَامُ عبور دهند.

طبق قوانین عتبه امام حسین و حضرت ابالفضل عَلَیْهِمَا السَّلَامُ، هیئت های مذهبی ابتدا باید شناسنامه ای را دریافت کنند و سپس در موعد مقرر، از مکان مشخص شده حرکت نمایند و به عزاداری بپردازند. تأمین امنیت هیئت ها، بر عهده مسئولین هیئت ها می باشد و آن ها وظیفه دارند با ایجاد حصارهایی، مانع از ورود افراد غریبه به هیئت ها شوند.

از آنجایی که افراد شرکت کننده در هیئت های عزاداری، بی شمار است و تقشیر و بازرسی آن ها زمان زیادی می برد، و از طرف دیگر، بازرسی هیئت ها می تواند نظم دسته های عزاداری را بر هم بزند، این گونه هیئت ها بدون

تفتیش و بازرسی، وارد صحن مطهر امام حسین و حضرت ابوالفضل عَلَیْهِمَا السَّلَامُ می شوند. برخی از آن ها اجازه توقف در صحن را دارند و برخی نیز به صورت گذری، از داخل حرم عبور می کنند.

اربعین اول و اربعین دوم

بنا بر مستندات تاریخی، شکی نیست که اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ، در روز اربعین به کربلا رسیده اند؛ اما در گفته ها و نوشته های نظریه پردازان، درباره بازگشت اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَامُ به کربلا و ملاقات آن ها با جابر بن عبدالله انصاری^E، اصطلاح «اربعین اول» و «اربعین دوم» به چشم می خورد. برخی می گویند که اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَامُ در اربعین اول به کربلا رسیدند، و برخی می گویند که در اربعین دوم وارد کربلا شدند.

اربعین اول، اصطلاحی است برای چهلمین روز شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ؛ یعنی همان 20 صفر سال 61 ه.ق. اما درباره اربعین دوم، دو دیدگاه وجود دارد:

1. هشتادمین روز شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ؛ یعنی 10 ربیع الاول 61 ه.ق؛

1. 20 صفر سال 62 ه.ق؛ یعنی سال دوم شهادت.

برخی از مقتل نگاران - همانند لهوف و مشیر الاحزان - ملاقات جابر با اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَامُ را در کربلا مطرح کرده اند. با توجه به نقل آنان، برخی گفته اند که اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَامُ، در اربعین اول و در همان سال نخست شهادت، به کربلا رسیدند. برخی نیز گفته اند که چون فاصله بین شام و کربلا زیاد بود و بنا بر شواهد تاریخی، اهل بیت عَلَیْهِم السَّلَامُ چندین روز از ماه صفر را در شام بودند، نمی توانستند در اربعین اول همان سال، به کربلا بروند. بنا بر این، ممکن است

ملاقات آن ها با جابر، بعد از اربعین اول آن سال، یا در اربعین سال بعد اتفاق افتاده باشد. هر یک از طرفین نیز، شواهدی را برای سخنان خود ارائه کرده اند.

که در مدخل موافقان و مخالفان اربعین اول و دوم به آن اشاره شده است.

اربعین، جایگاهی ویژه برای امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین علیه السلام در بین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، ویژگی های منحصر به فردی دارد؛ به طور مثال: خدا در تربت او، شفا قرار داده است؛ در زیر قبه او، دعا مستجاب می شود؛ (1) حرم او، تنها حرمی است که مسافر می تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند (2) و بسیاری از خصوصیات دیگر که بسیاری از آن در کتاب

خصائص الحسینیة شیخ جعفر شوشتری گرد آمده است. یکی دیگر از موارد اختصاصی امام حسین علیه السلام، اربعین آن بزرگوار است که از دو جهت، حائز اهمیت می باشد:

الف. عزاداری روز اربعین

شیعیان جهان، هر ساله در روز اربعین آن بزرگوار، به سوگواری و عزادی می پردازند. اگر چه در ایران مرسوم است که در اولین چهلم، برای هر تازه گذشته ای مجلس ختم بر پا کنند، اما این کار در سال های بعد، تکرار نمی شود. در حالی که اربعین و چهلم سیدالشهدا علیه السلام، هر ساله تکرار می شود؛ گو این که عاشورای هر سال، نخستین روز شهادت آن حضرت است و اربعین هر سال،

ص: 13

1- أَلَا وَإِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ وُلْدِهِ. كَفَايَةُ الْإِثْرِ فِي النَّصِّ عَلَى الْإِثْمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ ص 17
2- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» الْكَافِي ط دارالحدیث ج 9 ص 342 مساله 1292. مسافر می تواند در حرم، مسجد متصل به حرم و رواق حضرت سیدالشهدا علیه السلام نماز خود را تمام بخواند. توضیح المسائل امام خمینی ص 296.

نخستین اربعین فقدان آن امام همام می باشد و باید گرامی داشته شود. از این رو، یکی از رموز حیات و جاودانگی قیام حسینی، همین اربعین است.

این در حالی است که شیعیان برای دیگر اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، فقط سالگرد شهادت می گیرند و فقط در روز شهادت آن حضرات، به عزاداری می پردازند. برای هیچ کدام از اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، اربعین برپا نمی شود؛ حتی در تاریخ و روایات، مطلبی درباره گرفتن اربعین و برپایی بزرگداشت در چهلمین روز شهادت اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، در نخستین سال شهادت آن ها به چشم نمی خورد. سوگواری در اربعین و گرامی داشت چهلمین روز شهادت، هم در سال اول و هم در سال های دیگر، اختصاص به حضرت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ دارد.

برخی از نویسندگان، با بیان ادله ای مبنی بر اختصاص اربعین به سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، از برپایی جلسات ختم در روز چهلم اموات، به شدت انتقاد کرده اند. سید محمد محسن حسینی طهرانی، در کتاب «اربعین در فرهنگ شیعه»، گرفتن اربعین برای اموات را به شدت محکوم می نماید و آن را منحصر به سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ می داند و به روایاتی تمسک می جوید که بیش از سه روز عزاداری را جایز نمی دانند. او می نویسد: «مسأله اربعین، قطعاً از گرفتن هفتم و سالگرد برای میت، شنیع تر و قبیح تر است؛ چون در مورد اقامه اربعین برای مردگان، خبر و اثری از سوی ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وارد نشده است.» علاوه بر این، اربعین از شعارها و اختصاصات شیعه می باشد که فقط و فقط به حضرت اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ تعلق دارد. اگر قرار باشد اقامه مجالس اربعین برای مردگان، به صورت یک آداب و سنت مؤکد درآید، دیگر چگونه می توان آن را به عنوان یک شعار و علامت و امتیاز برای سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ دانست؟! (1)

ص: 14

استحباب زیارت اربعین، تنها درباره امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد شده است و چنین سفارشی، درباره هیچ یک از حضرات معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وجود ندارد. گو این که اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ خواسته اند اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، یگانه باشد و نمونه های مشابه، آن را تحت الشعاع خود قرار ندهد. بنا بر این از نظر تاریخی و حدیثی، هیچ پیشینه ای را برای سوگواری در اربعین دیگر معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و اعمال مربوط به این روز نمی توان یافت و این ویژگی و امتیاز، تنها برای امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ است.

اربعین در سال های اخیر

پس از سقوط نظام بعث در عراق - که مانع از عزاداری سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ می شد - نخستین بار در سال 1382 ه.ش / 2003 میلادی بود که شیعیان توانستند در اربعین حسینی، به سوی کربلا- حرکت کنند. در آغاز این حرکت، تنها دو - سه میلیون نفر حضور داشتند. در سال های بعد، تعداد زائران شرکت کننده در این راهپیمایی عظیم، به بیش از ده میلیون نفر رسید. (1) در سال 1392 ه.ش که مصادف با اربعین 1435 ه.ق بود، برخی گزارش ها، از حضور پانزده میلیون زائر در کربلا خبر می داد. (2)

اخیراً تعداد زائران اربعین، از بیست میلیون نیز گذشته است.

اربعین در فرهنگ اسلامی

عدد چهل یا عدد اربعین، جایگاه ویژه ای در فرهنگ اسلامی دارد و در آیات قرآن و روایات اسلامی، توجه و عنایت خاصی به عدد چهل شده است.

ص: 15

واژه اربعین، چهار مرتبه در قرآن به کار رفته است.

قرآن کریم، مدت خلوت حضرت موسی علیه السلام در کوه طور و هم صحبتی او با خدا را چهل روز ذکر می کند: «وَإِنَّا لَمُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (1) با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم تا آن که وقت معین پروردگارش، در چهل شب به پایان رسید».

1. در آیه دیگر میفرماید: «وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (2) هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم، شما پس از رفتن او، به پرستش گوساله پرداختید؛ در حالی که ستمکار بودید.

2. در مورد قوم بنی اسرائیل که به دلیل کفران نعمت و پرستش گوساله، محکوم به سرگردانی چهل ساله شدند، می فرماید: «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ» (3) ورود به سرزمین موعود، تا چهل سال بر آنان حرام گشت و آنان در بیابان، سرگردان شدند».

3. همچنین سن چهل سالگی را سن بلوغ عقلانی انسان معرفی میکند و می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

ص: 16

1- . سوره اعراف، آیه 142.

2- سوره بقره آیه 51.

3- . سوره مائده، آیه 26.

وَ أَصْلَحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ (1) ما به انسان سفارش نمودیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل میکند و با ناراحتی بر زمین میگذارد و دوران حمل و از شیر گرفتنش، سی ماه طول میکشد؛ تا زمانی که به کمال رشد و قدرت برسد و چهل ساله گردد و بگوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادهای، بهجا آورم و کار شایستههای انجام دهم تا از آن خشنود گردی. فرزندان مرا نیز صالح گردان. من به سوی تو باز میگردم و توبه می کنم و از مسلمانان هستم».

ب. اربعین در روایات

در احادیث و روایات اسلامی نیز توجه خاصی به عدد چهل یا عدد اربعین شده است که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

1. عقل انسان - متناسب با استعداد هر فرد - در چهل سالگی است که به بالاترین درجه کمال خود می رسد. (2)

2. در چهل سالگی، رشد انسان کامل می شود. (3)

3. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شد. (4)

4. همه پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، در چهل سالگی مبعوث شدند. (5)

5. حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ در فراق بهشت، چهل روز گریست. (6)

ص: 17

1- سوره احقاف آیه 15

2- . آمال الواعظین، ج 2، ص 138.

3- . غوالي الثالي، ص 431.

4- . آمال الواعظین، ج 2، ص 328.

5- . عيون الاخبار، ج 2، ص 36.

6- . بحار الانوار، ج 11، ص 162.

6. حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ در مرگ هابیل، چهل شب گریه کرد. (1)
7. در طوفان نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ، چهل روز باران بارید. (2)
8. خدا چهل روز به فرعون مهلت داد. (3)
9. تعطیلی مساجد به مدت چهل شب، از نشانه های ظهور است. (4)
10. زمین، چهل روز در مرگ مؤمن می گرید. (5)
11. دعای چهل مؤمن برای فردی که از دنیا رفته، موجب بخشش او می گردد. (6)
12. هر کس چهل حدیث حفظ کند، خدا او را در قیامت، فقیه و دانشمند محشور می کند. (7)
13. هر کس خود را چهل روز برای خدا خالص و پاک گرداند، خدا چشمه های حکمت را از قلب او بر زبانش جاری می سازد. (8)
14. هر کس چهل روز، ایمان و اعمال خود را برای خدا خالص گرداند، خدا زهد و بی علاقهگی به دنیا را در قلب او قرار می دهد. (9)
15. هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص گرداند، ایمان در قلبش تثبیت می شود. (10)

ص: 18

-
- 1- . بحار الانوار، ج 11، ص 44.
 - 2- . بحار الانوار، ج 11، ص 162.
 - 3- . اتحاف الساده، ج 1، ص 75.
 - 4- . صحیفه الرضا، ص 14.
 - 5- . تفسیر عیاشی، ج 2، 154.
 - 6- . خصال صدوق، ج 2، ص 316.
 - 7- . میزان الحکمه ج 4، ص 1931.
 - 8- . عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 85.
 - 9- کافی ج 2، ص 16.
 - 10- همان

16. هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص گرداند، به دردهای جسمی و روحی شناخت پیدا می کند و با درمان آن ها آشنا می گردد. (1)

17. اگر کسی مشروب بنوشد، نمازش تا چهل روز پذیرفته نمی شود. (2)

18. خوردن انار، شیطان را تا چهل شبانه روز، از انسان دور می کند. (3)

ج. اربعین در عرفان

اربعین گرفتن یا چله نشینی، در سیر و سلوک و عرفان نیز موضوعیت دارد.

چله نشینی بدین معنا است که فرد برای انجام ریاضت و عبادت شرعی، به مدت چهل روز، انزوا اختیار کند و در گوشه ای خلوت، به ذکر و عبادت پردازد و مشغول ریاضت گردد و لذت های دنیوی را ترك کند و مراسم و آداب چله را به جا آورد. انسان وقتی میتواند به مراحل عرفانی پای گذارد که یک اربعین به خود پردازد و در مدت چهل روز، با ذکر گفتن و دعا خواندن و مواظبت و مراقبت، به مطلوب خود دست یابد. به قول حافظ:

سحرگه رهروی در سرزمینی *** همی گفت این معما با قرینی

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف *** که در شیشه بماند اربعینی

خاقانی شروانی در این زمینه میگوید:

بگو با مغان کاب کاری شما راست *** که در کار آب شما میگیریم

مرا ز اربعین مغان چون نپرسی *** که چل صبح در مغسرا میگیریم

ص: 19

1- همان

2- تحف العقول ص 122.

3- صحیفة الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ ص 53.

در بسیاری از آیات و روایات می بینیم که عدد چهل، برای موضوعات گوناگون مطرح شده است. دسته ای از این روایات، در رابطه با امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ می باشند.

مرحوم شیخ احمد مولایی، در کتاب «الاربعینیات»، روایات مربوط به عدد چهل را گرد آورده و بخشی از کتاب را با عنوان «باب فی ما يتعلق بالحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، به روایات حاوی عدد چهل درباره امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ اختصاص داده است. (1) مواردی که در این بخش، از کتاب های مختلف گرد آورده، بدین شرح است:

1. امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، تا چهل روز از انگشت و دهان رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ ارتزاق می کرد و گوشت و خورش، از رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ روئید. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَدْخُلُ لِسَانَهُ فِي فِيهِ فَيَعْرُهُ كَمَا يَعْرُ الطَّيْرُ فَرْخَهُ فَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ فِي ذَلِكَ رِزْقاً فَفَعَلَ ذَلِكَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ لَيْلَةً فَنَبَتَ لَحْمُهُ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ». (2)

2. چهل نفر برای کشتن و جدا کردن سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، کمر همت بستند. «قَالَ أَبُو مَخْنَفٍ بَقِيَ الْحُسَيْنُ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ مُلَطَّخاً بِدَمِهِ رَامِقاً بِطَرْفِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ يُنَادِي يَا إِلَهِي صَبِراً عَلَيَّ قَضَائِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ. فَبَادَرَ إِلَيْهِ أَرْبَعُونَ فَارِساً يُرِيدُونَ حَزَّ رَأْسِهِ الشَّرِيفِ الْمُكْرَمِ، وَ يَقُولُ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ وَيَلِكُمْ عَجَلُوا بِقَتْلِهِ». (3)

3. تعداد زخم های عمیق امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، چهل زخم بود. «أُصِيبَ الْحُسَيْنُ عَلَیْهِ السَّلَامُ

ص: 20

1- . احمد مولایی، اربعینیات، ص 156.

2- . به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 50.

3- . به نقل از ینابیع الموده، ص 348.

يَوْمَ أُصِيبَ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ خَزٌّ فَحَسَبْنَا فِيهَا أَرْبَعِينَ جِرَاحَةً مَا بَيْنَ طَعْنَةٍ وَحَرَبَةٍ». (1)

4. ذو الجناح، اسب امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، چهل نفر را در روز عاشورا به درک واصل کرد. «رَوَى أَبُو مُحَمَّدٍ قَتَلِ الْفَرَسَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا». (2)

5. آسمان وزمین و کوه ها و خورشید و دریاها و ملائکه، چهل روز بر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ گریستند. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالدَّمِّ وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالسَّوَادِ وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْكُسُوفِ وَالْحُمْرَةَ وَإِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَانْتَثَرَتْ وَإِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا عَلَى الْحُسَيْنِ ع». (3)

6. عمر سعد، اهل بیت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ را بر چهل شتر سوار کرد. «تَوَجَّهَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ إِلَى الْكُوفَةِ بِالسَّبَايَا عَلَى الْجَمَالِ نَحْوَ أَرْبَعِينَ جَمَلًا بَغِيرِ وَطَاءٍ وَلَا غِطَاءٍ». (4)

7. سر بریده امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، چهل روز بر دروازه شام بود. «أَنَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ صَلِبَ عَلَى مَنَارَةٍ جَامِعِ دِمَشْقٍ أَرْبَعِينَ يَوْمًا». (5)

8. سر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، بعد از چهل روز دفن شد. از این رو، روز اربعین را «مَرَدُّ الرَّأْسِ» گویند. «ذَهَبَتْ الْإِمَامِيَّةُ إِلَى أَنَّهُ أُعِيدَ إِلَى الْجَنَّةِ وَدُفِنَ بِكَرْبَلَا بَعْدَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا مِنَ الْقَتْلِ». (6)

9. آبی که بر قبر سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ بستند، بعد از چهل روز فروکش کرد. «ذَكَرَ هِشَامُ بْنُ الْكَلْبِيِّ: إِنَّ الْمَاءَ أُجْرِيَ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ لِيُمَحِيَ أَثَرَهُ نَصَبَ الْمَاءِ بَعْدَ

ص: 21

1- . به نقل از دعائم الإسلام، ج 2، ص 154.

2- . به نقل از مناقب شهر آشوب، ج 4، ص 58.

3- . به نقل از کامل الزیارات، ص 81.

4- . به نقل از ینابیع الموده، ص 350.

5- . به نقل از کامل بهائی.

6- . به نقل از نور الابصار شبلنجی.

10. قبر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ را چهل هزار فرشته احاطه کرده است. «قَالَ الصَّادِقُ: إِنَّ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْتًا غَيْرًا يَبْكُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (2).

11. ذکر گفتن با تسبیح تربت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثوابی چهل برابر دارد. «قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ: سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِيهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً مَتَى فَلَبَّهَا ذَاكِرًا لِلَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً» (3).

12. خدا برای زائر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، چهل فرشته می گمارد تا بر او صلوات بفرستند. «قَالَ الصَّادِقُ: إِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ زَاكِبًا أَوْ مَاشِيًا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعِينَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوفِّيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ» (4).

13. زیارت اربعین (در چهلمین روز شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ) مستحب است و از نشانه های مؤمن می باشد. (5).

اربعین و پیاده روی از دیدگاه علما

حضرت آیت الله العظمی ملکی تبریزی (ره)

میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (ره) یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع بود که بارها با پای پیاده، از نجف اشرف به کربلای معلای مشرف شد. او درباره مراقبه و

ص: 22

- 1- . به نقل از البدایه و النهایه، ج 8.
- 2- . به نقل از مناقب ابن مغزلی، ص 397.
- 3- . به نقل از ریاض المصائب.
- 4- . به نقل از کامل الزیارات، ص 225.
- 5- . به نقل از امالی شیخ صدوق، ص 251.

بزرگداشت اربعین حسینی می گوید: «بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر اربعین) را روز حزن و ماتم قرار دهد و تلاش نماید که امام شهید ما را در مزار حضرتش زیارت کند؛ هر چند تنها یک بار در تمام عمرش باشد؛ همان گونه که حدیث شریف، علامت های مؤمن را پنج امر ذکر کرده است: پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن، و بلند گفتن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در نمازها» (1).

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت ظله

حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، درباره اهمیت بزرگداشت روز اربعین حسینی می فرماید: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند میکنند و به کربلا میکشد. این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شما هست.

این سنت حسنه، توانسته است در طول سالیان گذشته، ضمن ایجاد نوعی نشاط و پویایی در فقه و مذهب جعفری، و ضمن نشان دادن ارادت به اهل بیت المال، عامل اتحاد شیعیان جهان باشد و بتواند عاملی ناگسستی برای پیوند و نزدیکی قلوب شیعیان گردد و تحولاتی را در تاریخ تشیع و کشورهای منطقه، و به ویژه عراق، ایجاد کند.

فقط یک جمله در باب اربعین عرض کنم: آمدن اهل بیت حسین بن علی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ به سرزمین کربلا - که اصل این آمدن، مورد قبول هست؛ اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست - فقط برای این نبود که دلی خالی کنند

ص: 23

یا تجدید عهدی بکنند؛ آن چنان که گاهی بر زبانها جاری می شود. مسأله، بسیار بالاتر از این بود. نمی شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ یا مثل زینب کبری سَلَامُ اللّٰهُ عَلَیْهَا را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد. باید در کارها و تصمیمات شخصیت هایی به این عظمت، در جست و جوی رازهای بزرگ تر بود.

مسأله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، در حقیقت، امتداد حرکت عاشورا بود. با این کار، خواستند به پیروان حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و دوستان خاندان پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند، تفهیم کنند که این حادثه تمام نشد؛ مسأله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران، خاتمه پیدا نکرد؛ مسأله ادامه دارد.

به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شما است؛ اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید؛ تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن، حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می ماند. آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد و زینب کبری عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به کربلا در اربعین، به این مقصود بود». (1)

حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره)

آیت الله العظمی محمدتقی بهجت فومنی (ره) درباره نقش پیاده روی روز اربعین فرموده است: وقتی امام زمان عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفُ ظهور می فرماید، پنج ندا خطاب به

ص: 24

اهل عالم ميکند: «الا يا اهل العالم انا المهدي المنتظر؛ ألا يا اهل العالم أنا الصَّمَمُصَامُ الْمُنتَقِمُ؛ ألا يا اهل العالم إنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛ ألا يا اهل العالم إنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُذْوَانًا؛ ألا يا اهل العالم إنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُريَانًا» (1)

امام زمان خودش را به واسطه امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، به همه عالم معرفی میکند. بنابراین، در آن زمان باید همه مردم عالم، حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ را شناخته باشند؛ اما الان هنوز همه مردم عالم، حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ را نمی شناسند و این تقصير ما است؛ چون ما برای سيدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ طوری فریاد نزدیم که همه عالم، صدای ما را بشنود. پیاده روی اربعین، بهترین فرصت برای معرفی حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ به عالم است.

با اینکه زیارت سيدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ در اکثر برهه های تاریخی، به سختی انجام می شد و جان زائران در خطر بود، با این وجود، عاشقانه خطرات را به جان می خریدند و در روز اربعین، به پابوسی امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ نائل می شدند. (2)

حضرت آیت الله العظمی سیستانی دامت ظلّه

ایشان در توصیه به شرکت کنندگان در پیاده روی اربعین می فرماید: «شایسته است مؤمنانی که خداوند توفیق شرکت در این زیارت شریف را به ایشان عنایت فرموده، توجه نمایند که خدای تبارک و تعالی، از میان بندگان خویش، پیامبران و اوصیایی را برگزیده تا پیشوا و حجت مردمان باشند و مردم از رهگذر تعالیم ایشان، هدایت یابند و از اعمالشان تبعیت کنند. خداوند، مؤمنان را از آن رو به زیارت مشاهد متبرکه ایشان تشویق نموده است که یادشان جاودانه

ص: 25

1- إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب، ج 2، ص 233.

2- www.mashregnews.

بماند و جایگاهشان اعتلا یابد، و چون آن بزرگواران، نمونه‌های بندگی خدای سبحان و جهاد در راه او و فداکاری برای دین استوارش بوده‌اند، این امر، سبب به یاد آوردن خدای متعال و آموزه‌ها و احکام او برای مردم باشد.

بنابراین، از لوازم این زیارت آن است که زائر علاوه بر یادآوری جان فشانی‌های امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در راه خداوند متعال، تعالیم دین حنیف - از جمله نماز، حجاب، اصلاح، گذشت، بردباری، ادب، قوانین آمدوشد و دیگر مفاهیم پسندیده - را رعایت نماید تا زیارتش گامی در مسیر تربیت نفس برای پذیرش این امور و تثبیت آثار آن تا زیارت‌های بعدی باشد.

چنین است که شرکت در این مراسم، به منزله حضور در مجالس تعلیم و تربیت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد شد. ما محضر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را درک نکرده ایم تا آموزه‌های ایشان را از حضور خودشان فرا بگیریم و به دست آن بزرگواران تربیت شویم، ولی خداوند متعال، تعالیم و رفتار آنها را برایمان حفظ کرده و ما را به زیارت استان ایشان ترغیب فرموده تا آنان، نمونه‌هایی ممتاز برای ما شوند. و همان‌گونه که معاصران ایشان را که با آن بزرگواران زیسته‌اند، به محک امتحان کشیده، خواسته است تا میزان صداقت ما را در آرزوی زیستن در کنار آنان و پاسخگویی به آموزه‌ها و اندرزهایشان بیازماید. پس باید مراقب باشیم که مبدا آرزوی ما در زمینه درک محضر آن بزرگان، صادقانه نباشد. باید بدانیم که اگر مطابق خواسته ایشان رفتار کنیم، امید می‌رود که با یارانشان محشور شویم؛ زیرا از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است که در جنگ جمل فرمود: «امروز کسانی با ما همراه شده‌اند که هنوز در صلب پدران و رحم‌های مادرانشان هستند»⁽¹⁾

ص: 26

1- ولقد شاهدنا اقوام في اصلاب الرجال و ارحام النساء سيرعف بهم الزمان و يقوى بهم الايمان . نهج البلاغه، خطبه 22.

آنگونه که در حدیث شریف آمده، نماز، ستون دین و معراج مؤمنان است و اگر پذیرفته شود، سایر اعمال پذیرفته است و اگر مقبول نیفتد، دیگر اعمال مردود خواهد شد. سزاوار است که مؤمن به ادای نماز در اول وقت پایبند باشد؛ چرا که محبوب ترین بندگان در نزد خدا، کسی است که به فراخوان نماز، پاسخی سریع تر دهد. شایسته نیست که مؤمن در اول وقت نماز، به عبادت دیگری پردازد؛ زیرا نماز، برترین طاعتها است. از اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت است که «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد، نخواهد رسید». پیرامون توجه خاص امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به نماز در روز عاشورا، نقل شده است که آن حضرت، به کسی که زمان فرارسیدن وقت نماز را یادآور شد، فرمود: «نماز را به یاد آوردی؛ خداوند تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد». و پس از این سخن، زیر بارانی از تیر، به نماز ایستاد.

ارزش و برکت عمل انسان، به میزان اخلاص او برای خداوند متعال است؛ زیرا خداوند، جز آن عملی را که خالص برای او و پاک از نیت غیر باشد، نمی پذیرد. از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ روایت است که هنگام مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه فرمود: «هر که برای خدا و رسولش هجرت کند، هجرتش به سوی او خواهد بود، و هر که برای بهره مندی از دنیا هجرت نماید، به سوی دنیا مهاجرت کرده است. خداوند به میزان اخلاص در عمل، پاداش آن را چندان فزونی دهد که تا هفتصد برابر شود». پس بر زائران است که در مسیر خویش، ذکر خدای متعال را بسیار بگویند و در هر گام و هر عمل خود، اخلاص را در نظر داشته باشند و بدانند که خداوند متعال، نعمتی همتای اخلاص در عقیده و گفتار و رفتار را به کسی عنایت نفرموده است. عمل تهی از اخلاص، با

پایان زندگی دنیوی تمام می شود، درحالی که عمل مخلصانه، هم در این دنیا و هم پس از آن، جاودان و مبارک خواهد ماند.

رعایت پوشش و حجاب، از مهم ترین چیزهایی است که اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ حتی در سخت ترین شرایط کربلا، به آن توجه داشته و خود، والاترین الگوی آن بوده اند. ایشان به اندازه آزاری که از هتک حرمت خود دیدند، از هیچ رفتار دشمن آزردن نشدند. لذا بر همه زائران و به ویژه بر بانوان زائر، فرض است که شرایط عفاف را در رفتار و نوع پوشش و ظاهر خود، حفظ نموده و از هر چه این امر را خدشه دار میکند (مانند پوشیدن لباس های تنگ و اختلاطهای زشت و استفاده از زیورآلات ناروا) بپرهیزند؛ بلکه سزاوار است که به منظور منته نگه داشتن این مراسم مقدس از شائبه های ناپسند، تا حد امکان، بالاترین مراتب عفاف را رعایت نمایند...» (1).

ایشان همچنین در پیامی به مناسبت اربعین سال 1392 ه.ق، از میلیونها عزاداری که با پای پیاده، به زیارت حرم مطهر اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ رفته بودند، تشکر و قدردانی کردند و فرمودند: «از بزرگ ترین منت هایی که خداوند بر ما داشته است، توفیق میلیون ها نفر از مومنان در انجام آسان زیارت اربعین بود. این زیارت، نمونه ای زیبا از ولایتمداری و یادبود امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و فداکاری هایشان در راه اعتلای دین است. به امام باقر و امام صادق عَلَیْهِمَا السَّلَامُ موکداً وصیت شده است که زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را به جا بیاورند و به عنوان الگویی، آن را آمیزه جان مشتاقان آن حضرت کنند. از آن زمان تا کنون، این زیارت به فضل خداوند، پابرجا مانده و از بهترین تجمعات مومنان گردیده

ص: 28

است؛ طوری که آنها به وسیله این زیارت، ایمان خود را قوی و همت خود را بلند میگردانند. این زیارت، بسیار گوارا باشد بر کسی که موفق به انجام آن شده است. بسیار سپاسگزارم از تمام کسانی که موجبات موفقیت این زیارت بزرگ را فراهم کردند؛ از پلیس و نهادهای دولتی گرفته تا عتبات مقدسه و کاروان های حسینی که هزاران داوطلب از زن و مرد را به کربلا آورده و خدمتگزار آنان بوده اند»⁽¹⁾

استحباب زیارت اربعین

اشاره

برای اینکه فقیه بتواند به مستحب بودن يك عمل حکم کند، نیاز به «قول» یا «فعل» یا «تقریر» معصوم دارد. نسبت به مستحب بودن زیارت اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، می توان به هر سه مورد استناد کرد.

الف. قول معصوم درباره زیارت اربعین

شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب الاحکام، به روایت صفوان جمال، استحباب زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل کرده و متن زیارت نامه را نیز آورده است.⁽²⁾ همچنین ایشان حدیثی را آورده که امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ زیارت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ در روز اربعین را از نشانه های مؤمن برمی شمارد.⁽³⁾ بنابراین، استناد به قول معصوم در این باره، محقق است.

البته ممکن است گفته شود که سند این روایات، معتبر نیست. در پاسخ

ص: 29

1- www.atabe.ir

2- تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 113.

3- تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 52.

باید گفت که درباره مستحبات - یعنی احکام شرعی غیر الزامی - وجود سند معتبر قوی، چندان شرط نیست. همین که قراین و نشانه هایی بر درستی مطلب وجود داشته باشد و دلیلی بر رد و تکذیب و تخطئه آن نباشد، برای استحباب، کفایت میکند.

ب. فعل معصوم درباره زیارت اربعین

از نظر فعل معصوم نیز، شواهد و نمونه های محکمی بر اعتبار زیارت اربعین وجود دارد. نقل شده است که امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ، به عنوان باقی مانده خاندان حضرت اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ، در اوایل دهه دوم ماه صفر، از شام به سوی کربلا حرکت فرمود. گفته می شود که یزید نیز در این زمان، نسبت به قتل سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، تظاهر به پشیمانی و ندامت میکرد و می خواست به روشهای مختلف، وانمود کند که نسبت به واقعه ای که رخ داده، نادم و پشیمان است. از جمله ظاهرنمایی های او این بود که اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ را نه به صورت اسیر، بلکه به صورت محترمانه، به موطن خودشان مدینه برگرداند. او سیصد سرباز را به همراه نعمان بن بشیر انصاری، در اختیار امام عَلَیْهِ السَّلَامُ قرار داد تا حضرت را به مدینه برسانند؛ ولی امام عَلَیْهِ السَّلَامُ در میانه راه، تصمیم گرفت که به کربلا برود.

برخی از منابع کهن تاریخی، از جمله آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، روز اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را «روز بازگشت سرها» خوانده اند؛ چون گفته می شود که کاروان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، حامل سرهای شهدا بود. این موضوع را ابوریحان بیرونی، در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم هجری نوشته است. با اینکه می دانیم ابوریحان شیعه نبوده، اما این موضوع به قدری معروف و مشهور بوده که آن را از شیعیان شنیده و در کتابش آورده است.

این مسأله، می تواند مؤید این نکته باشد که کاروان امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ، می خواست سر مبارک امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را به کربلا - یعنی محل دفن بدن مطهر آن حضرت - برگرداند. البته از نظر فقهی، لزومی ندارد که عضو جدا شده، حتما به بدن پیوندد و در همان قبری قرار گیرد که جسد را دفن کرده اند؛ بلکه می توان در هر جای دیگر که منع خاصی نداشته باشد، با رعایت آداب شرعی دفن کرد؛ ولی بهتر است عضو جدا شده، در کنار جسد دفن شود. بر همین اساس، امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ تصمیم گرفت به کربلا برود و این کار را به انجام رساند.

بنا بر آنچه که نقل شده است، ایشان در روز بیستم صفر که روز اربعین بود، به کربلا رسید و به زیارت قبر پدر بزرگوارش امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ شتافت. این عملی بود که از امام معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ سرزد. از این رو، می توان زیارت اربعین را به فعل معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ استناد داد.

رسیدن کاروان به کربلا، حتی اگر به طور تصادفی در روز اربعین صورت گرفته باشد، باز هم این عمل، از یک معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ سرزده است و دلیل شرعی دارد و می توان از آن پیروی کرد و به عنوان يك عمل مستحب شرعی به حساب آورد.

ج. تقریر معصوم درباره زیارت اربعین

در مورد زیارت اربعین، «تقریر» نیز وجود دارد. بنا بر نقل معتبر، جابر انصاری پس از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، خواست از مدینه به کوفه برود. چون نابینا شده بود، به دنبال کسی می گشت که در این سفر، او را راهنمایی و همراهی

کند. او سرانجام، عطیه عوفی را یافت. وی دست جابر را گرفت و به قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام رساند. جابر، آن حضرت را در روز اربعین زیارت کرد و زیارت وی، مورد تأیید و «تقریر» امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَام قرار گرفت. بنابراین، در زمینه مستحب بودن زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز اربعین، می توان به قول و فعل و تقریر معصوم استناد کرد. (1)

برای این که فقیه بتواند به مستحب بودن يك عمل حکم کند، نیاز به «قول» یا «فعل» یا «تقریر» معصوم دارد. نسبت به مستحب بودن زیارت اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَام، می توان به هر سه مورد استناد کرد.

انفجارها و شهدای اربعین

این بخش، برگی از مظلومیت شیعیان و نابخردی و قساوت دشمنان شیعه است؛ گزارشی مختصر از حملات خونین به عزاداران اربعین در سال های اخیر که به شهادت تعداد قابل توجهی از زائران حسینی انجامید.

در اربعین سال 86 ه.ش، انفجاری در جنوب غربی بغداد روی داد و يك زائر به شهادت رسید و 15 تن دیگر زخمی شدند. انفجار در مسیر اصلی منطقه دوره، هنگامی رخ داد که کاروان زائران امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام با پای پیاده، راهی کربلا بودند. در این انفجار، دو تن از افراد پلیس نیز زخمی شدند. (2)

در اربعین سال 87 ه.ش، تروریست های تکفیری، کاروان زوار حسینی را در نقاط مختلف عراق، مورد حمله قرار دادند و جمع زیادی را به شهادت رساندند. در یکی از این حوادث تروریستی که در شهر الاسکندریه در جنوب بغداد اتفاق افتاد، یک زن تکفیری، کمر بند انفجاری خود را در میان

ص: 32

1- برگرفته از گفت وگویی حجت الاسلام محمد هادی یوسفی غروی، پایگاه اطلاع رسانی پنج شنبه 1388/11/15، شماره انتشار: 17481.

2- www.arsnews.com عجل الله تعالی فرجه الشریف

کاروان زائران حسینی که با پای پیاده عازم کربلا بودند، منفجر کرد و منجر به شهادت حداقل 50 تن و زخمی شدن بیش از 80 تن شد.

در انفجار دیگری که در شهر کربلا و در نزدیکی حرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به وقوع پیوست، 12 تن شهید و 30 نفر زخمی شدند. (1)

به هنگام بازگشت کاروان ها نیز

انفجاری در منطقه الکمالیه در جنوب شرق بغداد رخ داد و 4 تن شهید و 13 تن زخمی شدند. (2)

" در اربعین سال 88 ه.ش، زائرانی که با پای پیاده عازم کربلا بودند، در شمال شرق بغداد، هدف عملیات انتحاری قرار گرفتند. این انفجار، 45 کشته و 106 زخمی بر جای گذاشت. (3)

" در اربعین سال 89 ه.ش، دو خودروی بمب گذاری شده در شرق کربلا منفجر شد که 6 تن کشته و 34 تن زخمی شدند. (4)

" در اربعین سال 90 ه.ش، در حومه شهر بصره، انفجار مهیبی رخ داد و از شیعیانی که مشغول عزاداری اربعین بودند، 52 نفر کشته و بیش از 100 تن زخمی شدند. زائران حسینی در حال عبور از ایست بازرسی بودند که این انفجار تروریستی، آنان را به خاک و خون کشید. (5)

در انفجار بغداد نیز، 70 تن از عزاداران کشته شدند. (6)

ص: 33

www.hawzah.net -1

www.taghribnews.com -2

www.deabel.org -3

www.mehrnews.com -4

www.khorasannews.com -5

http://avapress.com -6

• در اربعین سال 91 ه.ش، انفجار خودروی بمب گذاری شده در مسیر بازگشت زائران کربلا، بیش از 10 کشته و 20 مجروح بر جای گذاشت. این انفجار، در شمال شهر حله، از توابع استان بابل عراق روی داد. (1)

• در اربعین سال 92 ه.ش، در پی انفجار تعدادی بمب و خودروی بمب گذاری شده در مسیر حرکت زائران امام حسین علیه السلام، 50 نفر شهید و بیش از 150 نفر زخمی شدند. (2)

• در اربعین سال 93 ه.ش، در پی اصابت چند خمپاره، تعدادی از زائران در کربلا، دچار آسیب شدند. (3)

اولین حاضران در اربعین

اولین حاضران در اربعین

در این که روز اربعین سال 61 ه.ق، چه کسانی در کربلا حضور داشتند و برای نخستین بار در تاریخ، به زیارت امام حسین علیه السلام و اقامه عزادار روز اربعین پرداختند، اقوال مختلفی وجود دارد.

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب لهوف می نویسد: «قَالَ الرَّائِي وَ لَمَّا رَجَعَ نِسَاءُ الْحُسَيْنِ عَ وَ عِيَالُهُ مِنَ الشَّامِ وَ بَلَّغُوا الْعِرَاقَ قَالُوا لِلدَّلِيلِ مُرَبَّنَا عَلَي طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ فَوَصَّوْا لَنَا إِلَى مَوْضِعِ الْمَصْرَعِ فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ رِجَالًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَ قَدْ وَرَدُوا لِمَازِنَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ فَوَافُوا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ تَلَاقُوا بِالْبُكَاءِ وَ الْحُزْنِ وَ اللَّطْمِ وَ أَقَامُوا الْمَاتَمَ الْمُفْرِحَةَ لِأَكْبَادٍ وَ اجْتَمَعَ

ص: 34

1- www.arsnews.com .عجل الله تعالى فرجه الشريف

2- www.mehrnews.com

3- www.asredena.com

إِلَيْهِمْ نِسَاءَ ذَلِكَ السَّوَادِ فَأَقَامُوا عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامًا» (1)

بنا بر آنچه که از روایت سید بن طاووس برمی آید، در نخستین اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، چند گروه در کربلا حضور داشتند:

1. جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی (که با توجه به سکونت عطیه در کوفه، به نظر می رسد که جابر از مدینه به کوفه رفته و از آنجا، همراه با عطیه عوفی، رهسپار کربلا شده است).
2. گروهی از قبیله بنی هاشم که خود را از مدینه به کربلا رسانده بودند.
3. مردانی از خاندان اهل بیت علیهم السلام که از مدینه آمده بودند.
4. امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ و دیگر اسرای کربلا که از شام بر می گشتند.
5. زنان روستاهای اطراف کربلا که برای اقامه عزا حاضر شده بودند.
6. ساربان ها و نعمان بن بشیر (که گماشته یزید بود تا کاروان اهل بیت علیهم السلام را به مدینه برساند).

اولین زائر اربعین

در منابع تاریخی، چندان اختلافی در مورد ورود جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین سال 61 ه.ق به کربلا وجود ندارد. شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: «روز اربعین، روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، برای زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، از مدینه به کربلا رفت. او اولین زائری بود که قبر شریف آن حضرت را زیارت کرد» (2).

ص: 35

1- . اللهموف علي قتلي الطفوف، ص 196.

2- . مصباح المتهجد، ص 230-231.

مرحوم آیتی می نویسد: «ظاهر عبارت شیخ طوسی، چنین می نماید که جابر به منظور زیارت، از مدینه حرکت کرد و در روز بیستم ماه صفر، وارد کربلا شد؛ نه آن که رسیدن او به کربلا، به طور تصادفی، چهل روز بعد از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ روی داده باشد. بعید هم نیست که این گونه باشد؛ چرا که بعد از رسیدن اهل بیت علیهم السلام به کوفه، ابن زیاد دستور داد که عبدالملک بن الحارث السلمی، از عراق به حجاز برود و عمرو بن سعید بن عاص اموی، والی مدینه را از شهادت امام و یاران وی آگاه سازد. عبدالملک، بیدرنگ به مدینه رفت و خبر شهادت امام را رسماً به والی مدینه ابلاغ کرد. در این صورت ممکن است جابر بن عبدالله انصاری، با خبر یافتن از فاجعه شهادت امام حسین و

بنی هاشم، از مدینه حرکت کرده باشد. جابر در بیستم ماه صفر، درست چهل روز بعد از شهادت امام، وارد کربلا شد و سنت زیارت امام در اربعین، به دست او تاسیس گردید.»⁽¹⁾

ام کلثوم بنت علی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ

ام کلثوم کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ، چهارمین فرزند امیر مؤمنان و فاطمه زهرا است که پس از امام حسن، امام حسین و زینب کبری: به دنیا آمد. در تاریخ ولادت ام کلثوم، میان مورخان اختلاف وجود دارد؛ اما مورد اتفاق شیعه و سنی است که علی و فاطمه فرزندی به نام ام کلثوم داشتند.⁽²⁾ تاریخ ولادت او را سال 6 ه.ق نوشته اند.⁽³⁾ برخی نیز ولادت او را در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یا قبل

ص: 36

1- محمد ابراهیم آیتی، بررسی تاریخ عاشورا ض 231_232.

2- مفید، الارشاد، ج 1، ص 354؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 463؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 213؛ تاریخ طبری، ج 4، ص 1.

3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 500؛ دخیل، اعلام النساء، ص 23.

در هر صورت، برخی مقتل نویسان درباره حضور ام کلثوم در کربلا، سخن گفته اند و در بسیاری از موارد، از او در کنار حضرت زینب سلام الله علیها نام برده اند و مصیبت های او را نقل کرده اند. علامه مجلسی رحمه الله می نویسد: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام و هنگام آتش زدن خیمه ها، گوشواره را از گوش ام کلثوم، خواهر امام حسین علیه السلام کشیدند». (2)

وی، یکی از روایان واقعه عاشورا بود و در کوفه و مجلس ابن زیاد، خطبه خواند. ابن طیفور در کتاب خود، خطبه ای را از ام کلثوم نقل کرده که به گفته وی، در کوفه و در جریان اسارت اهل بیت علیهم السلام بیان شد. (3) علامه مجلسی رحمه الله نیز سخنان و اشعار ام کلثوم در مجلس ابن زیاد را ذکر کرده است. (4) او می نویسد: «در جریان اسارت، هنگامی که کوفیان برای اطفال غذا آوردند، ام کلثوم فریاد زد و گفت: ای اهل کوفه! صدقه بر ما حرام است». (5)

ابن طاووس رحمه الله می نویسد: «هنگامی که امام حسین علیه السلام وداع نمود، ام کلثوم ندا سر داد و گفت: یا ابا عبد الله! بعد از مصیبت از دست دادن شما، وای بر ما! امام نیز ام کلثوم و زینب و رباب را تسلی داد». (6) «هنگام ورود کاروان اسرا به شام نیز ام کلثوم از شمر خواست که سرهای شهدا را از میان اسرا خارج سازد و به سمت دیگر ببرد تا نگاه ها به آن سو بیفتد و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را کمتر نظاره کنند». (7)

ص: 37

- 1- ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 464؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1954.
- 2- مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 60.
- 3- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص 23.
- 4- مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 112-115.
- 5- مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 114.
- 6- ابن طاووس، لهوف، ص 82.
- 7- ابن طاووس، لهوف، ص 174.

در برخي منابع، گزارش هايي درباره سوگواري ام کلثوم سلام الله عليها در روز اربعين ديده مي شود. در کتاب الدمعة الساکبة آمده است: «وَ خَرَجَتْ أُمُّ كَلْثُومٍ لَأَطِمَةَ الْخَدَّيْنِ تَنَادِي بَرَفِيعِ الصَّوْتِ الْيَوْمَ مَاتَ مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفِي، الْيَوْمَ مَاتَ عَلِيٌّ الْمُرْتَضِي، الْيَوْمَ مَاتَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ. وَ بَاقِي النِّسَاءِ لَأَطِمَتْ نَاعِيَاتٌ نَائِحَاتٌ قَائِلَاتٌ: وَ مُصِيبَتَاهُ! وَ حَسَدَ نَاهُ! وَ حُسَيْنَاهُ!»؛ (1) يعني: در روز اربعين، حضرت ام کلثوم سلام الله عليها، خواهر

کوچک امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، در حالي که بر صورت خود سيلبي مي زد، با صداي بلند، ناله سر داد که «امروز روزي است که جدم محمد رسول خدا صلی الله عليه و آله وسلم از دنيا رفت؛ امروز روزي است که پدرم امير مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنيا رفت؛ امروز روز از دنيا رفتن مادرم فاطمه زهرا سلام الله عليها است». بقیة زنان نیز از ناله ام کلثوم سلام الله عليها به شيون آمدند و بر صورت خود سيلبي زدند و مرثیه سرايي کردند و گفتند: «واي از اين مصيبت! واي حسن! واي حسين!».

ص: 38

1- . البهبهاني، الدمعة الساکبة، ص 163؛ المازندراني، معالي السبطين، ص 197؛ الزنجاني، وسيلة الدارين، ص 405.

تنها روایتی که درباره اهمیت زیارت اربعین نقل گردیده، از حضرت امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ است.

ابومحمد حسن بن علی العسکری، معروف به حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، معصوم سیزدهم و امام یازدهم شیعیان می باشد. شیعیان او را با عنوان امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ می شناسند؛ زیرا در عسکر و شهر نظامی سامرا، زیر نظر خلفای عباسی می زیست. از جمله القاب آن حضرت، می توان به صامت، زکی، خالص، نقی، هادی و رفیق اشاره کرد. او در بین شیعیان، به ابن الرضا نیز معروف بود.

بیشتر منابع شیعی، تولد امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ را در ربیع الاول 230 هـ ق نوشته اند؛ اما کلینی در کتاب اصول کافی، رمضان 232 هـ ق را زمان تولد ایشان دانسته است. آن حضرت، در مدینه به دنیا آمد و مادرش، حدیث نام داشت و ام ولد بود. برخی منابع نیز نام مادرش را سوسن و سلیل ذکر کرده اند.⁽¹⁾ امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ در سال 233 هـ ق و در سن یک سالگی، به همراه پدرش به سامرا برده شد و تا پایان عمر، در همان شهر زندگی کرد.⁽²⁾

دوران امامت

امامت امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، از سال 254 هـ ق آغاز شد و تا سال 260 هـ ق ادامه یافت و به مدت شش سال امامت کرد.⁽³⁾ دوره امامت امام حسن

ص: 39

1- . مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص 616.

2- . ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 455.

3- . ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 455.

عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، همزمان با خلافت سه خلیفه عباسی بود:

معتز عباسی، از سال 252 تا 255 ه.ق؛

مهتدی عباسی، از سال 255 تا 256 ه.ق؛

معتمد عباسی از سال 256 تا 279 ه.ق. (1)

خلفای عباسی، همواره امامان شیعه را تحت فشار و محدودیت قرار می دادند. این فشارها در دوران امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام، به اوج خود رسید؛ به طوری که این سه امام بزرگوار، عمر بسیار کوتاهی داشتند. تعقیب و مراقبت از امام هادی و امام عسکری علیهما السلام، چنان شدید بود که آنان را در میان سپاهیان جای دادند و به همین دلیل، این دو امام همام، «عسکرین» لقب گرفتند. (2)

با توجه به این که شیعیان در دوران امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، به قدرتی عظیم در عراق تبدیل شده بودند و حاکمیت، نسبت به آنان احساس خطر می کرد، فشارها و محدودیت ها نسبت به امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، بیش از دیگر امامان بود. همچنین دودمان عباسی، از احادیث و روایات متواتر، دریافته بودند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از بین برنده حکومت های باطل و برپاکننده حکومت حق است، فرزند امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ می باشد.

این موضوع باعث شد که حکومت عباسی، امام را به شدت تحت کنترل قرار دهد و ایشان را مجبور سازد که هر دوشنبه و پنجشنبه، در دربار عباسیان حضور یابد. (3) معتز عباسی به این مقدار هم کفایت نکرد و آن حضرت را

ص: 40

1- . مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص 627.

2- . مجلسی، بحار الانوار، ج 5، ص 113.

3- . ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 434.

زندانی نمود و حتی نقشه قتل ایشان را در سر داشت که مرگ زود هنگام، مهلت این کار را به او نداد. (1)

در دوران امامت حضرت عسکری علیه السلام، شیعیان برای دیدن امام، مشکلات بسیاری داشتند. در نقلی آمده است: قرار بود امام به دار الخلافه برود. ما شیعیان، به انتظار دیدار وی جمع شده بودیم. از طرف آن حضرت، نوشته ای بدین مضمون به ما رسید: «کسی به من سلام و حتی اشاره نکند؛ زیرا در امان نیستید». (2) البته در فرصت های گوناگون، ملاقات هایی بین امام و شیعیان صورت می گرفت و سرپوش هایی نیز برای این تماس ها وجود داشت. یکی از بهترین راه های ارتباطی امام با شیعیان، مکاتبه بود که در منابع حدیثی نیز، فراوان به چشم می خورد. (3)

آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت

یکی از فعالیت های عقیدتی - سیاسی امام، صدور روایات برای حفظ و اشاعه فرهنگ شیعی بود؛ اما به خاطر محدودیت هایی که امام حسن عسکری علیه السلام داشت، یک سلسله فعالیت های مخفی برای

راهبرد اهداف خود، پیش گرفته بود؛ از جمله این که جهت ارتباط با شیعیان، از نمایندگان و وکلا استفاده می کرد.

در شمار این افراد، باید از عقیده خادِم خاص ایشان یاد کرد. (4)

همچنین عثمان

ص: 41

1- . مجلسی، بحار الانوار، ج 50، ص 251.

2- . راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 439.

3- . ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 425؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص 214.

4- . شیخ طوسی، الغیبه، ص 272.

بن سعید E که به عنوان «روغن فروش» فعالیت می کرد و سؤالات و وجوہات شیعیان را در داخل ظرف ها و مشک های روغن قرار می داد و به امام می رساند. (1) او حتی پس از شهادت امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ و با ورود به عصر غیبت صغری، همچنان به عنوان نخستین نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایفای نقش می کرد.

از آنجایی که غایب شدن امام و رهبری يك گروه، حادثه ای تلخ و نامأنوس بود و باور و تحمل آن برای مردم دشوار می نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان پیشین علیهم السلام، مردم را به تدریج، برای این موضوع آماده کرده بودند؛ به ویژه امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام که به زمان غیبت، نزدیک تر بودند و در این زمینه، وظیفه خطیری بر عهده داشتند، تلاش نمودند ارتباط شیعیان با ائمه معصومین علیهم السلام را از طریق زیارت قبور آن حضرات، به ویژه در عصر غیبت، تقویت نمایند. از این رو، زیارت غدیری و جامعه کبیره، توسط امام

هادی عَلَیْهِ السَّلَامُ بیان شد و امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ با بیان فضیلت زیارت اربعین، باعث گردید که حضور در کربلا، در روز اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، برای همیشه - به خصوص در عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - میعادگاه شیعیان باشد و امروزه، به بزرگترین گردهمایی شیعیان بدل گردد و همانند قلبی تپنده، خون را در رگ شیعیان به جریان در آورد.

تشویق به زیارت اربعین در اوج اختناق

تشویق به زیارت اربعین در اوج اختناق

روایت فضیلت زیارت اربعین، در فضایی صادر شد که شیعیان از سوی هیئت حاکمه، به شدت در فشار بودند و شناخته شدن آنان و افشای ماهیتشان، جانشان را به خطر می انداخت. با این حال، می بینیم که امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، بدون توجه به جو حاکم، نشانه های پنج گانه شیعه را بر شمرد و

ص: 42

1- . ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج 4، ص 427.

از پیروانش خواست که این نشانه‌ها را در خود آشکار سازند و خود را از دیگر گروه‌های اسلامی، متمایز نمایند.

از جمله نشانه‌های شیعه که امام از آن یاد می‌کند، تشریف به زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در روز اربعین حسینی است؛ نشانه‌ای که پیش از دیگر نشانه‌ها، هویت شیعیان را در آن روزگار، افشا

می‌ساخت و ممکن بود تحت شکنجه و آزار و اذیت قرار گیرند. با وجود این، امام لازم دانست که این حدیث شریف را بیان سازد و شیعیان را به زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در روز اربعین، تشویق نماید. عظمت و اهمیت زیارت اربعین، از صدور آن در چنین فضایی آکنده از خفقان، معلوم می‌شود.

شهادت امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ

امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، در نخستین روز ربیع الاول سال 260 هـ.ق، در شهر سامرا مسموم شد و در هشتم همان ماه، در سن 28 سالگی به شهادت رسید و در همان خانه‌ای که پدر بزرگوارش در آن دفن شده بود، به خاک سپرده شد. (1)

تخریب حرم امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ

حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، دو بار توسط وهابی‌ها تخریب شد. نخستین بار، در سوم اسفند 1384 هـ.ش بود که بمب‌گذاران با کار گذاشتن بیش از دویست کیلوگرم تی ان تی، گنبد و بخشی از گلدسته‌های طلایی حرم را ویران کردند. دومین حمله نیز پس از گذشت شانزده ماه، در 23 خرداد 1386 هـ.ش رخ داد و گلدسته‌ها به طور کامل تخریب شد.

ص: 43

1- . مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، صفحه 627.

به كوري چشم دشمنان اهل بيت عليهم السلام و به لطف خدا و با همت صنعت گران و هنرمندان ايراني، بازسازي ضريح و گنبد اين حرم مطهر، در تابستان سال 1394 ه.ش، به پايان رسيد.

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و اربعين

عكس

□

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و اربعين:

زيارت اربعين، يكي از نشانه هاي مؤمن است و مسلماً امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف به عنوان سرآمد مؤمنان، براي زيارت اربعين، به كربلا مي رود. يكي از كساني كه امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف را به هنگام زيارت اربعين ملاقات کرده، شيخ احمد اردبيلي رحمه الله، معروف به مقدس اردبيلي است كه تشرف خود را اين گونه نقل مي كند:

براي زيارت اربعين، به كربلا رفته بودم. زانراں بسياري آمده بودند و حرم شلوغ بود. با خود گفتم: «داخل حرم نروم و با اين طلبه هايي كه همراهم

ص: 44

هستند، مزاحم زائرنانی که از راه دور آمده اند، نشوم. همین گوشهٔ صحن می ایستم و زیارت می کنم». طلبه ها را دور خود جمع کردم و به آن ها گفتم: «این طلبه ای که در راه برای ما روضه می خواند، کجاست؟». گفتند: «نمی دانیم در بین جمعیت، کجا رفت». در این هنگام، یک مرد عرب، جمعیت را شکافت و به طرف من آمد و گفت: «ملا- احمد! می خواهی چه کنی؟». گفتم: «می خواهم زیارت اربعین بخوانم». گفت: «بلندتر بخوان تا من هم گوش کنم». زیارت را با صدای بلند خواندم. یکی دو جای زیارت، مرا متوجه نکات ادبی کرد. وقتی زیارت تمام شد، به طلبه ها گفتم: «این آقای طلبه، پیدایش نشد؟». گفتند: «نمی دانیم کجا رفته است». مرد عرب به من گفت: «مقدس اردبیلی! چه می خواهی؟». گفتم: «در راه که می آمدم، یکی از این طلبه ها برای ما روضه می خواند. می خواستم بیاید برای ما روضه بخواند. اما نمی دانم کجا رفته است». مرد عرب گفت: «می خواهی من برایت روضه بخوانم؟». گفتم: «مگر می توانی روضه بخوانی؟». گفت: «آری». دیدم رو به

طرف ضریح ابا عبدالله الحسین علیه السلام کرد و با طرز نگاهش، ما را منقلب نمود. صدا زد: «یا ابا عبدالله! نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این طلبه ها، هیچ کدام یادمان نمی رود آن ساعتی را که می خواستی از خواهرت زینب جدا شوی». ناگهان دیدم کسی نیست. فهمیدم این مرد عرب، همان مهدی زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. واقعا ساعت عجیبی بود. (1)

ص: 45

ابوعبدالله جعفر بن محمد بن علي بن الحسين، ملقب به صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، امام ششم شیعیان است که در سال 83 هـ.ق، در مدینه به دنیا آمد و 34 سال امامت کرد. ایشان در سال 148 هـ.ق، در سن 65 سالگی درگذشت و در قبرستان بقیع - در کنار پدرش امام باقر و دو امام دیگر علیهم السلام - به خاک سپرده شد. (1)

گشایش سیاسی که در سال های آغازین امامت حضرت پدید آمد، موجب گردید که مردم بتوانند آزادانه، به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روي بیاوردند و گشودن مشکلات فقهی و غیر فقهی را از ایشان

بخواهند. روایات رسیده از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مسائل مختلف فقهی و کلامی، مجموعه ای بسیار گسترده و متنوع است و از این رو، مذهب شیعه را مذهب جعفری می نامند. (2)

از جمله احادیث و روایات نقل شده از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، نحوه زیارت قبور ائمه علیهم السلام و آداب مربوط به آن ها است و ده ها زیارت نامه، همچون زیارت وارث و زیارت عاشورا، توسط آن حضرت بیان شده است. تنها زیارت نامه مأثوره برای روز اربعین نیز توسط امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ایراد گردیده است. این زیارت نامه را شیخ طوسی رحمه الله با سند خود در کتاب تهذیب الاحکام (3) نقل کرده است.

ص: 46

1- . شیخ مفید، الارشاد، ص 526 - 527.

2- . سید جعفر شهیدی، زندگانی امام صادق، ص 61.

3- . تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 113.

بزرگ ترین گردهمایی بشری

امروزه اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بیش از مناسبت های دیگر، شاهد حضور فعال مسلمانان عراق و دیگر کشورهای اسلامی است. علاوه بر مسلمانان، خیل عظیمی از پیروان دیگر ادیان، از جمله

مسیحیان نیز برای شرکت در مراسم اربعین، وارد کربلا می شوند. آمار مراکز مختلف، گویای آن است که در مراسم اربعین سال 1434 هـ.ق (2013 میلادی) حدود 20 میلیون نفر شرکت داشتند و بزرگ ترین تجمع بشری در جهان محسوب می شد. [\(1\)](#)

فهرست بزرگ ترین گردهمایی های جهان، بدین شرح است:

1. اجتماع 20 میلیون نفری شیعیان در کربلا، در اربعین 2013 (اربعین 1435 هـ.ق).
2. اجتماع 15 تا 18 میلیون نفری شیعیان در کربلا، در ژانویه 2013 (اربعین 1434 هـ.ق).

ص: 47

3. اجتماع 15 تا 18 میلیون نفری کربلا، در اربعین سال 2012.

4. اجتماع 15 میلیون نفری کربلا، در اربعین سال 2011.

5. اجتماع 14 میلیون نفری هندی ها در تامل نادوی هند، برای تشییع جنازه آنها در سال 1969.

6. اجتماع 10 تا 14 میلیون نفری کربلا، در اربعین سال 2010.

7. اجتماع 10 تا 14 میلیون نفری کربلا، در اربعین سال 2009.

1. اجتماع 5 تا 9 میلیون نفری ایرانیان در تشییع امام خمینی، در سال 1989.

بزرگ ترین همایش انسانی دنیا، اکنون در اختیار شیعیان است و از نظر جمعیت شرکت کننده، از کنگره عظیم حج - که با حضور حداکثر چهار میلیون مسلمان برگزار می شود - پیشی گرفته است. در حالی که حاجیان حداکثر 20 کیلومتر پیاده روی دارند، شرکت کنندگان در مراسم اربعین، از شهرها و مناطق مرزی عراق - مانند منذریه بصره، ناصریه و نعمانیه - گاه تا حدود 400 کیلومتر را پیاده طی می کنند تا به نجف اشرف برسند. همچنین میلیون ها عزادار دیگر نیز، با هواپیما و دیگر وسایل نقلیه، خود را از سراسر جهان، به نجف و بغداد می رسانند و کیلومترها راه را با پای پیاده طی می کنند تا در روز اربعین، به کربلائی معلی برسند. کمترین مسیری که با پای پیاده طی می شود، از شهر نجف اشرف است که تا کربلا، حدود 80 کیلومتر فاصله دارد.

بیستم صفر

بیشتر علمای اسلام، روز بیستم صفر را اربعین حسینی می دانند. در روایت

ص: 48

عطیه آمده است: «كُنْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ

مِنْ صَفَرٍ؛ (1) در روز بیستم صفر بود که به همراه جابر، وارد کربلا شدیم».

به نظر می رسد نخستین کسی که در این باره تشکیک نموده، سید بن طاووس، از علمای قرن هفتم هجری است که می نویسد: «چگونه ممکن است روز بیستم صفر، روز اربعین باشد؛ در حالی که روز قتل (عاشورا)، جزو چهل روز به حساب می آید!». طبق این سخن، اربعین حسینی، در روز نوزدهم صفر واقع می شود. در ادامه، ایشان به شبهه مذکور، این گونه پاسخ می دهد: «شاید محرم آن سال، ناقص و 29 روز بوده است که اربعین آن سال، در روز بیستم صفر واقع شده است؛ یا آن که به دلیل شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در پایان روز عاشورا، آن روز را به حساب نیاورده اند و چهل روز را از یازدهم محرم حساب کرده اند». (2)

در این میان، نظر شیخ بهایی، یکتا و استثنایی است. او نوزدهم صفر را روز اربعین حسینی دانسته و تمام مسائل مربوط به اربعین - خواه مسائل دینی، مانند زیارت وارده برای آن روز، و خواه مسائل تاریخی، مانند حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا - را در

روز نوزدهم صفر ذکر کرده است. او در کتاب توضیح المقاصد می نویسد: «التَّاسِعَ عَشَرَ فِيهِ (شهر الصَّفَر) زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَ هِيَ مَرْوِيَةٌ عَنِ الصَّادِقِ، وَ وَقْتُهَا عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ؛ (3) در نوزدهم صفر، وقتی روز بالا آمد، زیارت اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ که از حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت شده است، خوانده می شود».

مرحوم محدث قمی در وقایع الایام می نویسد: «شیخ بهایی در توضیح

ص: 49

1- . بحار الأنوار، ج 98، ص 329.

2- . إقبال الأعمال، ص 66.

3- . توضیح المقاصد، ص 6.

المقاصد، روز نوزدهم صفر را روز اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ قرار داده است؛ در حالی که همه علماء، اتفاق نظر دارند که اربعین، بیستم صفر است. شاید نظر شیخ بهایی، به این مطلب باشد که اگر از روز قتل امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ حساب کنیم، تا نوزدهم صفر، چهل روز می شود. سید بن طاووس نیز این مطلب را ایراد فرموده است. (1)

این اختلاف، از آنجا ناشی می شود که شیخ بهایی، روز عاشورا را جزو چهل روز به حساب آورده است. اما این محاسبه، در صورتی قابل توجیه است که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، پیش از ظهر عاشورا به شهادت رسیده باشد. البته شیخ طوسی و علامه حلی، تأیید کرده اند که واقعه کربلا، پیش از ظهر عاشورا خاتمه یافت و امام به

شهادت رسید. (2) اما شیخ مفید و طبرسی، بر این عقیده اند که نبرد، تا زوال ظهر ادامه داشت و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و باقی مانده اصحاب، پس از ظهر، نماز خوف خواندند و زید بن قیس و سعید بن عبدالله حنفی، جلوی امام ایستادند تا در برابر تیرهای دشمن، از حضرت محافظت کنند. (3) سید بن طاووس نیز همین نظر را ابراز کرده است. (4)

ابن نمایی حلی معتقد است که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ هنگام زوال ظهر، مشغول جنگ بود و نمی توانست نماز بخواند. بنا بر این، نماز مطارده (شدت خوف) را به طور فرادی و با اشاره به جای آورد. (5) با این بیان، معلوم می شود که به احتمال زیاد، شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، بعد از ظهر عاشورا روی داده است.

ص: 50

1- . وقایع الايام، ص 194.

2- . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 42؛ علامه حلی، تحریر الاحکام، 131.

3- . شیخ مفید، ارشاد، ص 252؛ طبرسی، اعلام الوری، ص 241.

4- . لهوف، ص 164.

5- . مثیر الاحزان، 34.

طبق آنچه که در روایات به آن تصریح شده، تا چهل صبح بعد از عاشورا، آسمان و زمین و خشکی و دریا و ملائکه و دیگر موجودات، بر امام حسین علیه السلام می گریستند که مسلماً عاشورا و چهل روز بعد از آن را نیز شامل می شود: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالدَّمِّ وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ

أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالسَّوَادِ وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالكُفُوفِ وَالحُمْرَةَ وَإِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَانْتَثَرَتْ وَإِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً عَلَى الْحُسَيْنِ ع» (1).

پس اگر عاشورا جزو چهل روز به حساب نیاید، بیستم صفر در صورتی اربعین سیدالشهدا علیه السلام است که ماه محرم، 30 روزه باشد؛ اما اگر ماه محرم، 29 روزه باشد، چهل روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، روز 21 صفر می شود.

ص: 51

پیاده روی اربعین در دوران معاصر

پیاده روی اربعین پیش از حکومت بعث

از گذشته های دور، رسم بر این بود که در روز اربعین، صدها هزار تن از زائران، از شهرهای مختلف عراق، راهی حرم امام حسین علیه السلام می شدند. عزاداران با حالتی از حزن و اندوه و با سر و پای برهنه، بر سر و صورت خود می زدند و این روز را گرامی می داشتند. عزاداری برخی هیئت ها، شکل ویژه ای داشت؛ به طور

مثال: هیئت «طویریح» عراق که هیئتی بسیاری قدیمی است، هروله کنان به حرم امام حسین علیه السلام مشرف می شدند؛ یعنی هنگام عزاداری، نه می دویدند و نه به صورت عادی راه می رفتند؛ بلکه حالتی بین این دو داشتند و به صورت سراسیمه حرکت می کردند که تداعی کننده حالت اسرای کربلا- بود. علامه بحرالعلوم نیز در این هیئت شرکت می کرد و معروف است که یک بار به هنگام عزاداری، عمایه اش را بر زمین انداخت و هروله کنان به میان جمعیت رفت و اعلام نمود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که ایشان هم در این هیئت بود و چنین می کرد.

همچنین پیشاپیش برخی دسته ها، شبیه برخی از شهدای کربلا و لشکریان یزید را درست می کردند و هودج هایی را آذین می بستند و زنان و کودکان را بر آن ها سوار می کردند که یادآور اسیرانی بود که از شام، به مدینه بازمی گشتند. وقتی جمعیت حاضر، این صحنه های غم انگیز را می دیدند، متأثر می شدند و به سر و سینه می زدند.

این دسته ها و عزاداری ها، اختصاص به شیعیان نداشت و بسیار دیده می شد که اهل سنت نیز در دسته های عزاداری و مجالس حسینی شرکت

می کردند و برخی از آنان، دسته های مخصوص به خود داشتند. (1)

پیاده روی اربعین در آغاز حکومت بعث

از ابتدای تسلط بعثی ها در زمان احمد حسن البکر، روند سرکوب و خشونت علیه شیعیان آغاز شد و عزاداری و پیاده روی اربعین، مورد حمله قرار گرفت. این حرکت مقدس، به ویژه در مسیر نجف به کربلا- که اغلب با شرکت علمای دینی انجام می گرفت، در سال های 1390، 1395 و 1396 ه.ق، به خاک و خون کشیده شد.

در سال 1397 ه.ق (1355 ه.ش)، خیل عظیمی از مردم عراق بسیج شدند و از کنار مرقد امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ به راه افتادند و پس از چهار روز پیاده روی، به کربلا رسیدند. موج گسترده مردم، با شعار «ابد والله ما ننسی حسینا» (به خدا قسم، هرگز حسین را فراموش نخواهیم کرد) به راه افتاد و شعارها و سخنرانی ها در طول مسیر، نوعی معارضه تبلیغاتی علیه حکومت بعث بود. نیروهای بعثی برای جلوگیری از رسیدن زائران به کربلا، حملات خونباری را سامان دادند و درگیری سختی پیش آمد و شهدای بسیاری به خاک و خون کشیده شدند. وقتی کاروان بزرگ نجف به کربلا رسید، حوادثی شدیدتر پیش آمد و افراد بیشتری به قتل رسیدند و عده بسیاری از عزاداران، دستگیر شدند. از تعداد شهدای حادثه آن سال، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما بنا بر گفته ها، هزاران تن از شیعیان، به خاک و خون کشیده شدند.

مشروح این حادثه، در کتاب «انتفاضه صفر الاسلامیه» به قلم رعد الموسوی

ص: 54

1- ر.ک: اربعین شناسنامه تاریخی شیعیان، سید صمصام الدین قوامی.

که خود از شاهدان حادثه بوده، نقل گردیده است. در مجله پیام انقلاب، شماره های 156 تا 163 که در سال 64 و 65 منتشر شد، گزارش مفصل این واقعه خونین آمده است.

پیاده روی اربعین در زمان صدام

از سال 1400 هـ.ق (1358 هـ.ش) که صدام حسین به ریاست عراق رسید، تا سال 1424 هـ.ق (1381 هـ.ش) که حکومتش سقوط کرد، پیاده روی های دسته جمعی در اربعین و به طور کلی، هر گونه مراسم عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام تعطیل شد. البته برخی از مردم، به صورت مخفیانه و انفرادی، پیاده روی اربعین را انجام می دادند که گاه منجر به شهادت آنان توسط نیرو های بعث می شد.

با سقوط صدام، بار دیگر این حرکت عظیم ادامه یافت و مردم عراق، عشق و علاقه و صف ناپذیر خود به امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام را به جهانیان ثابت کردند و در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، قطر، امارات، کویت، بحرین و غیره، مراسم اربعین حسینی را با شکوه تر از سال های قبل، به اجرا در آوردند. (1)

پیاده روی و زیارت

یکی از آداب زیارت معصومین علیهم السلام، پیاده روی است که در سیره قولی و عملی آن حضرات، بر آن تاکید شده است. از آنجایی که برخی عبادات، مانند حج یا زیارت، به دو صورت سواره و پیاده انجام می شود، در برخی روایات،

ص: 55

پناه روی را با فضیلت ترین عبادت دانسته اند؛ به عنوان نمونه، امام صادق می فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمَشْيِ؛ (1)

خدا به چیزی با فضیلت تر از پیاده روی، عبادت نشده است». از این رو، زیارت اربعین معمولاً به صورت پیاده صورت می گیرد.

روایات فراوانی درباره فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد که به چند نمونه از آن ها اشاره می گردد:

1. ابی سعید قاضی از امام صادق نقل کرده است که فرمود: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ مَا شِئَ يَأْتِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ يَضَعُهَا عِثْقَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ؛ (2) هر کس پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، در برابر هر قدمی که برمی دارد و بر زمین می نهد، خدا ثواب آزاد کردن برده ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام را به او می دهد».

2. طبق روایت ابو صامت، امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ مَا شِئَ يَأْتِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ؛ (3) هر کس با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، در برابر هر قدمی که برمی دارد، خدا برایش هزار حسنه می نویسد و هزار بدی محو می کند و هزار درجه بر درجانش می افزاید».

امام صادق علیه السلام به بشیر دهان فرمود: «يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَغْتَسِلُ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ عَارِفًا بِحَقِّهِ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ يَضَعُهَا مِائَةَ حَبَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مِائَةَ عَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ إِلَى

ص: 56

1- تهذیب الأحكام، ج 5، ص 12.

2- کامل الزیارات، ص 134.

3- همان.

أَعْدَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَاءِ رَسُولِهِ؛ اي بشير! اگر يکي از شما در نهر فرات غسل کند و به زیارت قبر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ برود و حق او را بشناسد، خدا در ازاي هر قدمي که برمي دارد و مي گذارد، ثواب صد حج و صد عمره قبول شده و ثواب صد جنگ در رکاب پيامبري از پيامبران الهي را به او عطا مي کند» (1).

2. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به مفضل بن عمر جعفي فرمود: «فَلَا تَكُ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا وَوَضَعْتَهَا كَتَوَابِ الْمُسْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (2).

در ازاي هر قدمي که در راه زیارت حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ برمي داري، ثواب کسي را داري که در راه خدا، به خون خود آغشته شده است».

پیاده روی در روز اربعین

درباره فضیلت و اهمیت پیاده روی برای زیارت اربعین، دلیل خاصی در دست نیست، مي توان گفت که دلیل این موضوع، بیشتر به سیره شیعیان برمي گردد که از نسلي به نسل دیگر منتقل شده است. شهید قاضي طباطبائي مي نويسد: «حرکت به سوي کربلا در روز اربعین، از زمان ائمه اطهار عليهم السلام، در بين شیعیان رایج بوده است و

ص: 57

1- . کامل الزیارات، ص 206

2- . همان.

حتي در زمان بني اميه و بني عباس نيز به انجام اين حرکت، مقيد بوده اند». (1)

رسم شيعيان، به ويژه شيعيان عراق، اين است که هر ساله در ايام اربعين، از شهر و ديوار خود خارج مي شوند و با پاي پياده، رهسپار کربلاي معلي مي گردند. معمولاً اين پياده روي ها، از ابتدای ماه صفر شروع مي شود و گاه 15 تا 20 روز طول مي کشد. در مسيرهاي پياده روي نيز موكب هايي براي تغذيه و استراحت زائران، بر پا مي گردد. پر جمعيت ترين مسير، مسير نجف اشرف تا کربلاي معلي است.

پياده روي زيارت اربعين، غير از جنبه عبادي و مذهبي آن، يك ميتينگ سياسي از سوي شيعيان جهان به حساب مي آيد و بزرگ ترين گردهمايي جهان محسوب مي شود. برخي گزارش هاي مربوط به اربعين سال 1435 هـ.ق/1392 هـ.ش، از حضور پانزده ميليون شيعه در کربلا خبر مي دهد. (2) اين جمعيت در اربعين 1436 هـ.ق/1393 هـ.ش، بيست ميليون گزارش شده است (3) که چهار و نيم ميليون، از ديگر کشورها بوده اند (4) و از اهل تسنن و اقليت هاي مذهبي نيز در اين گردهمايي عظيم، شرکت داشته اند.

پياده روي علماي بزرگ شيعه

کهن ترين و طولاني ترين پياده روي که از علماي بزرگ شيعه نقل شده است، مربوط به عالم فاضل و اديب بزرگ، زيد المجنون مصري است که در

ص: 58

1- . تحقيق درباره اربعين اول سيد الشهداء، ص 2.

2- . سايت خبري فردا.

3- خبرگزاري ابنا.

4- . خبرگزاري فارس.

سال 237 هـ.ق روی داد. او در زمان حکومت متوکل عباسی، با پای پیاده، از مصر به کربلا رفت.

از علمای اخیر نیز، پیاده روی سید محمد مهدی بحرالعلوم، شیخ مرتضی انصاری، محدث نوری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی،

آیت الله کمپانی، سید محمد امین، شیخ جعفر کاشف الغطاء، آیت الله سید محمود شاهرودی، علامه امینی، میرزا جواد ملکی تبریزی، آیت الله حکیم، آیت الله خویی، آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله سید احمد مستنبط، آیت الله شیخ عباس قوچانی، آیت الله شیخ حسن نجابت شیرازی، آیت الله دستغیب، آیت الله صدر، علامه حسینی تهرانی و شیخ جعفر مجتهدی نقل شده است.

امام خمینی ۷ نیز در سال های اقامت در نجف، هر ساله در ایام اربعین، به کربلا مشرف می شد و به زیارت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ اهتمامی ویژه داشت. آیت الله سید مصطفی خمینی هم پنج بار در سال، به همراه اعضای دفتر امام، پیاده به کربلا مشرف می شد که مهم ترین آن ها، در ایام اربعین حسینی بود. پس از شهادت ایشان، این برنامه توسط مرحوم سید احمد خمینی ادامه یافت. (1)

ص: 59

تحليل سياسي اربعين

با شروع اسلام در مکه و گسترش آن به جزیره العرب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با نامه هایی که به مناطق دیگر - از جمله روم - فرستاد، دین خود را ابلاغ کرد. منطقه شامات که تحت سیطره روم بود - و شامل ترکیه، سوریه، فلسطین و لبنان فعلی می شد - زمینی حاصل خیز داشت و مناطق غربی آن، دارای آب و هوای مدیترانه ای معتدل با امکانات فراوان بود.

در آخرین روزهای حیات رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم قرار بود لشکری به فرماندهی اسامه بن زید، به این منطقه گسیل شود؛ ولی این کار انجام نگرفت. در سال 17 هـ.ق و در زمان حکومت خلیفه دوم، این منطقه فتح شد و یزید بن ابی سفیان، والی آنجا گردید. او بعد از دو سال، مریض شد و از دنیا رفت و حکومت شامات، در سال 19 هـ.ق، به معاویه بن ابی سفیان رسید. معاویه که دشمنی سرسختی با اهل بیت علیهم السلام داشت، از امکانات این منطقه زرخیز، برای تبلیغ بر ضد اهل بیت علیهم السلام استفاده کرد.

در زمان خلافت امیر المؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَامُ، با این که جنگ های مهمی روی داد، ولی با دسیسه های معاویه، پیروزی میسر نشد. در زمان امام حسن مجتبی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز، نیرنگ های معاویه کارساز شد و فتحی صورت نگرفت.

معاویه پس از چهل سال حکومت بر شام و شوراندن مردم این منطقه بر ضد اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ، در سال 60 هـ.ق - زمان امامت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ - به درک واصل شد و حکومت را به فرزند شوم تر از خود سپرد. یزید، در ادامه همین کشمکش تاریخی و تضاد مذهبی بود که با اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد جنگ شد و در 10/1/61 هـ.ق، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و یارانش را به شهادت رساند و خانواده ایشان را به اسارت گرفت و روانه شام کرد. هر چند این کاروان، به عنوان اسیر، وارد شام شد و لطمات و اهانت های بسیاری را تحمل کرد، اما علی رغم انتظاری که یزید داشت، خود این حرکت، عامل پیروزی اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ در آن منطقه، و فتح معنوی شامات گردید.

به گفته یکی از روحانیون مستقر در کشور سوریه، حدود دو ساعت طول می کشد تا با پای پیاده، فاصله «دروازه ساعات» تا «مسجد اموی» را طی کرد؛ ولی کاروان اسرا که بامدادان از دروازه ساعات، وارد شام شدند، عصر به مسجد اموی رسیدند؛ یعنی حدود ده ساعت در کوچه و بازار، مورد آزار و اذیت شامیان قرار گرفتند.

وقتی کاروان اسرا وارد مسجد شد، با سخنرانی های حضرت زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ و روشن گری های حضرت زینب سلام الله علیها، جو دیگری حاکم شد. مردم، گروه گروه به خدمت این بزرگوران می رسیدند و اظهار پشیمانی می کردند؛ به طوری که منزلی برای مردان آماده شد و حضرت سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در

آنجا، مصیبت پدر بزرگوارش را بیان کرد و یک منزل نیز به بانوان اختصاص یافت و حضرت زینب سلام الله علیها در آنجا، به ایفای وظیفه پرداخت.

کاروان اهل بیت علیهم السلام با این که به اسارت، وارد شام شد و زجر و آزار و اذیت بسیاری را تحمل کرد و یکی از فرزندان اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ - به نام رقیه بنت الحسین سلام الله علیها - به شهادت رسید، اما فتح معنوی بزرگی را به دست آورد و نه بر خاک خاکیان، که بر دل های شامیان تسلط یافت و نیرنگ ها و تبلیغات چهل ساله معاویه را نقش بر آب کرد؛ به طوری که یزید علیه اللعنه، مجبور شد دستور بدهد کاروان اهل بیت علیهم السلام را روانه مدینه کنند و حتی لباس هایی را که از ایشان غارت کرده اند، به آنان برگردانند.

این که بگوییم در روز اربعین، «کاروان اسرا» به صحرای کربلا بازگشت و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را زیارت کرد، چندان صحیح نیست؛ بلکه باید بگوییم «کاروان پیروز» در روز اربعین، به کربلا رسید.

توصیفی از اربعین

اربعین، یعنی زنده نگه داشتن یاد اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ و ایثارگری های اهل بیت علیهم السلام و اصحاب آن بزرگوار.

اربعین، یعنی تاثیرگذاری دائمی نهضت عاشورا بر اندیشه همه مسلمانان و آزادگان دنیا در هر عصر و دوران.

اربعین، یعنی برپایی یک کلاس بزرگ و الگوسازی گسترده برای همه مؤمنان و کسانی که به تعهدات خویش، پای بند هستند.

اربعین، یعنی روز به اهتزاز درآمدن پرچم عاشورا و ادامه راه عاشورائیان توسط بازماندگان و شیعیان.

اربعین، یعنی احساس وظیفه در برابر خون شهیدان و اقدام عملی برای حفاظت و حراست از دستاوردهای شهدا.

اربعین، یعنی انتقال تجربیات شهیدان و ایثارگران نسل اول به نسل های بعدی.

اربعین، یعنی افشاگری حضرت زینب سلام الله علیها .

اربعین، یعنی فعالیت های عقیده بنی هاشم عَلَیْهِ السَّلَامُ برای تبیین فلسفه عاشورا و آموزش آن به دیگر اقشار جامعه.

اربعین، یعنی فعالیت های پیگیر و مداوم فرهنگی امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در جهت خنثی سازی تبلیغات دشمنان دین و بی اثر نمودن رفتار شیطانی آنان.

اربعین، یعنی زنده نگه داشتن یاد حقیقت و خاطره شهادت در مقابل طوفان تبلیغاتی دشمن.

اربعین، یعنی زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا.

اربعین، یعنی هوشیاری در برابر موج تبلیغاتی دشمن.

اربعین، یعنی بیان حقایق توسط خواص جامعه و درک وظیفه و انجام آن.

اربعین، یعنی بیمه کننده شیعیان در برابر انواع خطرات فکری و فرهنگی.

اربعین یعنی ارسال يك پیام: «هیچ کس نمی تواند نور خدا را خاموش گرداند».(1)

ص: 64

1- . يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ سوره صف، آیه 8.

توصیف ادبی زیارت

زیارت، امضای مجددی است بر سند شیعه گری.

زیارت، مشتی است کوبنده بر دهان مخالفین دین.

زیارت، جلوه ای است از تعظیم شعائر تشیع.

زیارت، نمایی است بزرگ و خالصانه از اقتدار شیعه.

زیارت، برافراشتن پرچم حیات دین است.

زیارت، نمادی است از حیات و تکاپوی اهل ولایت.

زیارت، تجدید بیعتی است برای اعلام وفاداری و پایداری بر عقاید و اندیشه های تشیع.

زیارت، راهی است معنوی در پشتیبانی از پیشوایان دینی.

توصیه های مربوط به پیاده روی اربعین

توصیه های مربوط به پیش از سفر

توصیه های مربوط به پیاده روی اربعین

توصیه های مربوط به پیش از سفر

1. چون این پیاده روی زیارتی، نیاز به یک اراده قوی و اعتقاد راسخ دارد، لازم است در طول سال، با رفتن به هیئات و اماکن مقدس، آمادگی روحی در خودمان ایجاد کنیم و از خداوند، توفیق این سفر را درخواست نماییم.

1. همان طور که برادران ما در کشور عراق، از مدت ها قبل، خود را برای پذیرایی از ما آماده می کنند، ما هم برای کسب آمادگی بیشتر، باید حداقل چهل روز قبل از عزیمت به کربلا، خودمان را برای این سفر، آماده کنیم.

2. معنویت خود را تقویت کنیم و ارتباط با مولایمان را افزایش دهیم؛ طوری که گویا هر لحظه، آماده رفتن به این سفر هستیم.

3. قبل از سفر، خود را با خواندن نماز شب آماده سازیم.

4. از خود حضرت بخواهیم که این توفیق را به ما عطا فرماید.

5. خواندن زیارت عاشورا، با صد لعن و صد سلام - مخصوصا در روز عاشورا - یادمان نرود.

6. قبل از سفر، خودمان را به ذکر گفتن عادت دهیم تا بتوانیم در مسیر نجف تا کربلا، این توفیق را بیاییم که اهل ذکر باشیم.

7. یک تسبیح (ترجیحا دیجیتالی) به همراه داشته باشیم تا در مواقع نیاز - در طول مسیر یا کنار مرقد مطهر امیرالمومنین عَلَیْهِ السَّلَامُ - ذکر بگوییم.

با کاراونی همراه شویم که دارای روحیات معنوی باشند و یک روحانی، به همراه داشته باشند. در غیر این صورت، مداح و ذاکری همراه کاروان باشد تا یادی از اهل بیت علیهم السلام نماید.

توصیه های مربوط به مسیر پیاده روی

1. سعی کنیم در ابتدای پیاده روی، با امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ ارتباط برقرار کنیم. ما می خواهیم به حرم محبوب و معشوق خود برویم. هر لحظه، شوق خود را بیشتر کنیم تا لحظه ورود به زیر قبه و دیدن ضریح، احساسات ما فوران کند. با این کار، نه به فکر خستگی خواهیم بود و نه به فکر پا و درد آن.

2. گویا زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ با خستگی پیاده روی، مزه ای دو چندان می یابد و دل ها و قدم ها، با هم ارتباط پیدا می کنند. در طول مسیر، هنگامی که پاهای مان خسته یا مجروح شد، دل آماده اتصال می شود. این لحظات را قدر بدانیم.

3. در طول مسیر، زیاد فکر کنیم. یک ساعت فکر کردن، بهتر از یک سال عبادت است.

4. فکر کنیم که چرا امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ شهید شد؟ چرا باید به زیارت ایشان برویم؟ اگر ما در کربلا بودیم، چه رتبه ای داشتیم؟ الان وظیفه ما چیست؟ تا کنون چه کرده ایم؟

1. به این فکر کنیم که چندین برابر این فاصله را اهل بیت امام حسین علیهم السلام با پای برهنه و پیاده و در حالت اسیری و گرسنگی و تشنگی، تا شام طی کردند. آنچه که قلب انسان را به درد می آورد، بی احترامی هایی است که به این خاندان شد. به این فکر کنیم که الان زائران حضرتش چه احترامی دارند!

2. اگر مرغ دل را پرواز دهیم، به وضوح خواهیم دید که کاروانی از کربلا به سوی شام، به اسیری می رود. اما وقتی نگاهمان را به اطراف می چرخانیم و می بینیم این چنین با عزت در حال راه رفتن هستیم و این چنین از ما پذیرایی می شود، با خود خواهیم گفت: این کجا و آن کجا؟ اینجا است که آدم ناخودآگاه می گوید: «لَا يَوْمَ كَيْومِكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ» (1).

3. این سفر می تواند سفر همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. خوب است حضرت را در کنار خود فرض کنیم و بدانیم که او حاضر و ناظر و صاحب عزای حقیقی است.

اگر در طول مسیر، با هم کاروانی های خود به صورت گروهی اتراق کردیم، بهتر است برنامه ای مثل مداحی و ذکر مصیبت داشته باشیم. بعضی از موکب ها، سیستم صوتی دارند و در اختیار کاروان ها می گذارند.

2. از آنجایی که این سفر، تأثیر فراوانی بر روح انسان می گذارد، شیطان در تلاش است که این تأثیر را به حداقل برساند. لذا در این سفر دیده می شود

ص: 67

که برخی به بذله گویی و مسخره کردن دیگران مشغولند. اگر برنامه ریزی دقیقی برای ذکر گفتن در طول مسیر سه روزه داشته باشیم و کمتر به حرف زدن پردازیم، به راحتی می توانیم حال و هوا را عوض کنیم و از چنین حرکتی دور بمانیم.

3. در زمان پیاده روی، اذکار «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» را به طور مرتب تکرار کنیم که این ها بهترین اذکار هستند. البته اگر کلامی را بگوییم که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در آخرین لحظات، بر روی خاک گرم کربلا فرمود، بهتر است و موجب انس بیشتر با حضرتش می شود: «إِلَهِي رَضِي بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لَا مَرْكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (1).

1. در کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ، برای ذکر گفتن در مسیر، برنامه ریزی کنیم تا بتوانیم حداقل پنج هزار مرتبه یا اگر می توانیم، چهارده هزار مرتبه صلوات بفرستیم.

2. در طول مسیر، از خواندن زیارت عاشورا، با صد لعن و صد سلام، غفلت نورزیم.

3. در خوردن و نوشیدن، افراط و تفریط نکنیم. به قدری بخوریم که توان عبادت و راه رفتن داشته باشیم. زیاد خوردن، باعث کدورت قلب و دور شدن از معنویت می شود.

4. پیاده روی برای زیارت را عبادت بدانیم و با انگیزه و حالت معنوی، پیاده روی کنیم؛ نه این که خدا خدا کنیم که این سفر، کی تمام می شود.

5. اگر می توانیم، سعی کنیم چند کیلومتر مانده به کربلا را با پای برهنه طی کنیم.

ص: 68

1. مردم، ابتدا به حرم حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَام می روند؛ ولی نقل است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام ابتدا به زیارت جدش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام مشرف می شد و بعد به زیارت عمویش عباس عَلَيْهِ السَّلَام می رفت.
1. خوب است قبل از ورود به حرم، با خود بیندیشیم و حتماً با قلبی شکسته و چشمی اشکبار، وارد حرم شویم.
2. اگر توانستیم، با پای برهنه به حرم مشرف شویم.
3. فضای غم و اندوه اربعین را با خنده ها و شوخی های نابه جا خراب نکنیم.
4. به یاد داشته باشیم که زیارت و تلاش ما برای توسل به درگاه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام صرفاً برای دست یابی به تقرب الهی است.
5. نمازهای یومیه را سر وقت بخوانیم و آن را نسبت به دیگر کارها، در اولویت قرار دهیم؛ چون وظیفه اصلی ما است و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام برای برپایی نماز شهید شد.
6. در کربلا، به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیارت نماییم و برای سلامتی و تعجیل در فرج ایشان، بسیار دعا کنیم.
7. هر روز، با خواندن دو رکعت نماز - بعد از نماز صبح - به حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل شویم.
8. آداب زیارت را که در کتب ادعیه ذکر شده است، تا جایی که به مرز اکراه نرسیده، انجام دهیم.
1. افرادی که به هر میزان و هر شکلی به گردنمان حق دارند - از ائمه علیهم السلام خصوصاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا خانواده و دوستان - را زیر قبه مبارکه، فراموش نکنیم.
2. به نیابت از مقام معظم رهبری حفظه الله که به خاطر شرایط فعلی،

امکان تشریف ندارند، زیارت نماییم.

3. سعی کنیم شب جمعه و هنگام سحر، در حرم باشیم.

4. زیر قبه، هر دعایی امکان استجاب دارد. پس با حالت یقین به استجاب، دعا کنیم.

5. از حرم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام کسی دست خالی برنمی‌گردد. نه این که احتمال دست خالی برگشتن ضعیف باشد، بلکه به صورت عقلی و منطقی، محال است و تا به حال، سابقه نداشته کسی دست خالی برگردد. ما که از ساریان حضرت، بدتر نیستیم. پس امیدوارانه به محضرش شرفیاب شویم.

توصیه های اخلاقی

1. در سفرهای گروهی، داشتن صبر، حوصله، گذشت، ایثار، خوش رویی، همبستگی، اتحاد و هماهنگی با مسئول گروه، از عوامل موفقیت است.

2. سعی کنیم حتی الامکان، کمتر غذاهای گوشتی بخوریم تا سنگین نشویم و پا بر امیال خود بگذاریم. در آنجا، غذاهای خوب و متنوعی وجود دارد و اگر بخوریم، کوچک ترین ایرادی ندارد. فقط باید حواسمان باشد که زیاد به فکر غذا نباشیم که امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام مسافران این سفر را از خوردن شیرینی جات و غذاهای متنوع، برحذر داشته است.

3. در طول سفر، بحث و جدل نکنیم؛ مگر در موارد نادر که پای دفاع از اعتقادات به میان بیاید؛ آن هم برای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح

ص: 70

فکر و اندیشه فرد، نه برای رو کم کردن و چیره شدن بر طرف مقابل.

4. بگو و بخند را حتی الامکان به صفر برسانیم تا با قلبی آرام و آماده و با معنویت کامل، به خدمت حضرت برسیم. البته طبق احادیث، باید چهره ای گشاده داشته باشیم، نه عبوس.

1. وظیفه داریم برای زوار و خدام حضرت، احترام بسیار بالایی قائل شویم و فارغ از سن و شکل و شمایل افراد، همه را محترم بشماریم. چه بسا کسی که فکرش را هم نمی کنیم، یکی از اولیای الهی باشد.

2. کمک حال خادمان حرم باشیم و خود را برای کمک به دیگران، آماده کنیم و اگر نیاز به کاری بود، انجام دهیم و اگر زباله ای بر روی زمین بود، جمع کنیم.

3. با مأموران امنیتی عراق، همکاری داشته باشیم. آنان نیز، از خادمان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به حساب می آیند.

4. در مورد گوشی و دوربین، با مأموران حرم، همکاری کنیم و «زرنگ بازی» را کنار بگذاریم که حق الناس در پی دارد.

5. حال کودکان و افراد کهن سال را مراعات کنیم.

توصیه های تبلیغاتی

1. پیاده روی اربعین، می تواند تبلیغ خوبی برای تشیع باشد. ضمن زیارت، می توانیم مبلغ خوبی هم باشیم.

1. این سفر، یک سفر متفاوت است و از کشورهای مختلف حضور دارند. می توانیم از این فرصت، استفاده کنیم و فرهنگ اصیل تشیع را با گذشت و مهربانی، به نمایش بگذاریم.

2. کاری کنیم که گرایش مردم عراق و اتباع کشورهای دیگر به شیعه افزایش یابد، یا موجب استمرار محبت آنان به شیعیان گردد و علاقه ایشان به کشور ایران و رهبری نظام، بالا رود و با جمهوری اسلامی ایران، آشناتر شوند.

3. می توانیم با آماده کردن بسته های فرهنگی، به زبان های فارسی و عربی و دیگر زبان های مورد نیاز، و توزیع آن در بین زائرانی که پیاده روی می کنند، تاثیرگذار باشیم.

4. گاه يك پوستر يا يك عكس كوچك مذهبي يا يك جمله کوتاه و عمیق، تاثیر شگرفی بر ذهن مخاطب می گذارد. برای تاثیرگذاری متقابل بر موكب داران و زائران دیگر کشورها، برنامه ریزی کنیم.

5. پرچم حاوی شمایل و عکس های منسوب به بزرگان دین، کمترین تاثیر را دارد و چه بسا شبهه حرمت هم داشته باشد.

1. خوب است بر روی پرچمی که به عنوان علامت، به همراه داریم، یکی از شعارهای امام حسین علیه السلام را بنویسیم؛ مثلاً: «الْقَتْلُ لَنَا عَادَةٌ وَ كِرَامَتُنَا شَهَادَةٌ»⁽¹⁾

یا «هَيَّاهُ مِنَ الدَّلَّةِ»⁽²⁾.

2. در مسیر پیاده روی، برادران اهل سنت نیز حضور دارند. مسائل مربوط به اعتقادات آنها را رعایت کنیم و ایشان را به عنوان مهمان اباعبدالله الحسین علیه السلام محترم شماریم.

توصیه های امنیتی

توصیه های «کمیته امنیت ستاد اربعین»، برای کسانی که در ایام اربعین

ص: 72

1- . بحار الانوار، ج 45، ص 118.

2- . احتجاج طبرسی، ج 2، ص 300.

حسینی، راهی کربلا می شوند، بدین شرح است:

1. هنگام خروج از ایران و ورود به عراق، حواستان باشد که حتماً در گذرنامه شما، مهر مربوطه زده شود.
2. در طول مسافرت، از گذرنامه خود حفاظت نمایید. مفقود شدن آن، شما و مسئولین ارگان های ایرانی در عراق را با مشکلات عمده ای مواجه می نماید.
3. در مسیر، مراقب باشید که چیزی در ساک شما قرار ندهند.
1. هنگام عبور از سیطره ها (ایست بازرسی) و مراکز نظامی، از گرفتن عکس و فیلم، خودداری کنید.
2. در کنار مقرها و مراکز نظامی، توفیق ننمایید.
3. از ابتدای مسیر، شماره تلفن عراقی دوستان خود را به همراه داشته باشید.
4. در صورت بروز انفجار، سریعاً محل را ترک نمایید. معمولاً یک انفجار جهت جمع کردن مردم، و انفجار دیگر برای وارد کردن حداکثر خسارت انجام می گیرد.
5. در حین راهپیمایی، به صورت تجمعی حرکت ننمایید؛ بلکه به گروههای 5 - 6 نفره تقسیم شوید. همچنین به صورت انفرادی و تنها حرکت نکنید.
6. با دیگر زائران، وارد مناقشات سیاسی نشوید.
7. در طول مسافرت و در داخل حرم های مطهر، به تذکر مأمورین انتظامی و خادمین حرم ها توجه کنید.
8. اطلاعات خصوصی خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهید.
1. در صورت بروز هر گونه حادثه یا مشاهده حرکات مشکوک، موضوع را به

مسئولین انتظامی ایرانی اطلاع دهید.

2. هر نوع خوراکی و نوشیدنی را فقط از مراکز و مواکب ثابت و دارای اسم و عنوان مشخص، دریافت نمایید.

3. در طول مسیر، برای استراحت در موکب ها، موکبی را انتخاب کنید که دارای اسم و عنوان باشد و مشخصات و نشانی آن را یادداشت کنید و به بستگان خود اطلاع دهید.

4. در طول مسافرت، از گذرنامه، وجوه نقدی، اشیاء قیمتی و دیگر وسایل خود، محافظت کنید.

5. در صورت مفقود شدن یا به سرقت رفتن اشیاء قیمتی و وجوه نقدی، موضوع را به مسئول موکب و به اولین موکب ایرانیان اطلاع دهید.

6. با توجه به امن نبودن مسیر شهرهای کاظمین و سامرا، از رفتن به این شهرها خودداری کنید.

7. از استعمال سیگار و روشن کردن آتش در داخل چادرهای مواکب، خودداری نمایید.

توصیه هایی برای بعد از سفر

زیارت اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ یک توفیق الهی است و کمترین اثر آن، آمرزش گناهان است. این آثار، برای کسی است که حسینی بماند و معنویت سفر را حفظ کند. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (1).

کسانی که ایمان می آورند و می گویند پروردگار ما خداوند یکتا است، سپس بر سر کلام و ایمان خود باقی می مانند و پایداری

ص: 74

1- . سوره احقاف، آیه 13.

می‌کنند، اینان کسانی هستند که از آثار مادی و معنوی ایمان، بهره می‌برند؛ چون ایمانشان دائمی و ماندگار است.

زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ شباهت زیادی به حج دارد. در مورد حج، روایت است که حاجی را نوری احاطه می‌کند و تا زمانی که گناهی از او سر نزده، به همراه او می‌ماند. در مورد زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز این گونه است. ما که اربعینی شده ایم، باید تلاش کنیم با تقوا و پرهیزکاری و انسانیت، نور معرفت اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را برای همیشه در خود نگه داریم. پس برای بعد از سفر هم برنامه ریزی داشته باشیم تا ان شاءالله معنویات این سفر، در ما ماندگار شود.

ص: 75

جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله انصاری

ابوعبدالله جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام بن کعب بن غنم بن سلمه، از قبیله خَزْرَج بود. (1) پدرش پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مسلمان شد و در بیعت عقبه دوم - که در سال سیزدهم بعثت روی داد - با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پیمان بست و جزو دوازده نقیبی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنان را به نمایندگی از خود، در قبایلشان منصوب کرد. (2)

جابر که در آن زمان 16 سال داشت، به عنوان کم سن ترین ناظر بیعت اوس و خزرج، در عقبه دوم شرکت جست. (3)

او در بسیاری از غزوه ها و سریه ها (4)

حضور داشت و دست کم در 19 غزوه می توان نام او را مشاهده کرد. (5) غزوه حمراء الأسد که پس از غزوه احد و در سال

ص: 77

-
- 1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 3، ص 104؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 208.
 - 2- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 286؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 208.
 - 3- ابن قتیبه، المعارف، ص 307؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 192.
 - 4- غزوه، به جنگی گفته می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن حضور داشت و شخصا جنگ را رهبری می کرد. و سریه به جنگی گفته می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن حضور نداشت و یکی از اصحاب را به فرماندهی جنگ، منصوب می نمود.
 - 5- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 214-217.

چهارم هجرت روی داد، نخستین تجربه جنگی جابر بود. با این که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، فقط شرکت کنندگان

در غزوه احد می توانستند در این مأموریت نظامی شرکت داشته باشند، اما جابر تنها کسی بود که به رغم غایب بودن در غزوه احد، در این جنگ شرکت کرد و رسول اکرم علیه السلام عذر وی را پذیرفت. (1)

عذر جابر این بود که پدرش در جنگ احد شرکت کرد و جابر را به سرپرستی خانواده پرجمعیت خود گماشت. (2)

پیوند میان پیامبر علیه السلام و جابر، بسیار دوستانه و محبت آمیز بود. یک بار که جابر در بستر بیماری افتاده بود، پیامبر علیه السلام به عیادت او رفت. جابر که امیدی به بهبودی نداشت، درباره نحوه تقسیم اموال در میان بازماندگانش پرسید. پیامبر علیه السلام او را امیدوار نمود و عمری طولانی را به او بشارت داد و در پاسخ سؤال جابر، آیه کَلالَه (سوره نساء، آیه 176) نازل شد. (3)

جابر، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

گرچه جابر در ماجرای سقیفه، از یاران حضرت علی علیه السلام نبود، اما پس از چندی به ایشان پیوست و از یاران مخلص و وفادار اهل بیت علیهم السلام گردید و به عضویت «شرطه الخمیس» درآمد که گروهی از فدائیان و گوش به فرمانان حضرت علی علیه السلام بودند. (4)

در نگاه جابر، علی علیه السلام از چنان مقامی برخوردار بود که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم،

ص: 78

1- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 2، ص 34؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 402.

2- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 191.

3- طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، ذیل آیه 176 سوره نساء.

4- کشی، اختیار معرفة الرجال، ص 5 و 38.

به عنوان میزان حق، تلقی می شد و محبت و دشمنی نسبت به علی عَلِيهِ السَّلَامُ را وسیله ای برای شناخت مؤمنان و منافقان می دانستند. (1)

جابر به انصار سفارش می کرد که «فرزندان خود را با محبت علی عَلِيهِ السَّلَامُ پرورش دهید. هر کس علی عَلِيهِ السَّلَامُ را بهترین خلق خدا نداند، ناسپاسی کرده است». (2)

سخن جابر درباره علی عَلِيهِ السَّلَامُ معروف است که گفت: «عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ»؛ یعنی: علی بهترین انسان ها است. این جمله، الهام بخش جعفر بن احمد قمی شد تا کتاب «نوادر الاثر فی علی خیر البشر» را بنویسد که یک سوم روایات آن، از جابر نقل شده است. (3)

جابر در جنگ صفین، از لشکریان امام علی عَلِيهِ السَّلَامُ بود. (4) در اواخر خلافت حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ که سپاهیان معاویه، به غارت شهرها پرداختند، مدینه نیز از این غارت ها در امان نماند. بُسر بن أَرْطَاة در

سال 40 هـ.ق، به مدینه یورش برد و از مردم، برای معاویه بیعت گرفت. جابر به خانه ام سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - پناه برد و سرانجام به توصیه ام سلمه و برای پرهیز از خونریزی، بیعت کرد. (5) پس از آن که معاویه به حکومت رسید و تصمیم گرفت منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را از مدینه به دمشق ببرد، جابر نزد معاویه رفت و او را از این کار منصرف ساخت. (6)

او به هنگام وقوع حادثه کربلا پیرمردی سال خورده و نابینا بود و در مدینه اقامت داشت. امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ ضمن سخنانش با لشکریان عبیدالله بن زیاد،

ص: 79

-
- 1- . کشی، اختیار معرفة الرجال، ص 40؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 284.
 - 2- . ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 44.
 - 3- . تستری، قاموس الرجال، ج 2، ص 525.
 - 4- . الامین، اعیان الشیعة، ج 4، ص 46؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 232.
 - 5- . ابراهیم ثقفی، الغارات، ج 2، ص 602؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 235.
 - 6- . طبری، تاریخ طبری، ج 5، ص 239.

جابر را از جمله شاهدان سخن خود معرفی فرمود. (1)

جابر، نخستین زائری بود که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را در اربعین شهادتش، زیارت کرد. (2)

در آغاز امامت حضرت سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ که یاران آن حضرت، انگشت شمار بودند، جابر از یاران آن حضرت گردید و به حمایت از ایشان پرداخت؛ اما به سبب سال خوردگی، از تعقیب حَجَّاج بن یوسف در امان ماند. (3)

البته در سال 74 هـ.ق که حَجَّاج به مدینه رفت

و به مدت دو ماه، به تحقیر مردم مدینه پرداخت، برخی از اصحاب پیامبر عَلَیْهِ السَّلَامُ از جمله جابر را همچون بردگان، داغ زد. (4)

جابر در واپسین روزهای زندگی، دیداری با امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ داشت. او از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیده بود که «عمر تو چنان طولانی می شود که یکی از نوادگان مرا که همنام من است، ملاقات می کنی. او باقر العلوم و شکافنده علم است. هر گاه او را دیدی، سلام مرا به او برسان». (5) جابر پیوسته در پی یافتن آن حضرت بود و گاه در مسجد مدینه صدا می زد: «یا باقر العلم». سرانجام امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ را که در سنین نوجوانی بود، ملاقات کرد و ایشان را بوسید و سلام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به آن حضرت ابلاغ کرد. (6)

ص: 80

-
- 1- . مفید، الارشاد، ج 2، ص 97؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج 4، ص 62.
 - 2- . طوسی، مصباح المتهدج، ص 787؛ طبری، بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، ص 74.
 - 3- . کشی، اختیار معرفة الرجال، ص 123.
 - 4- . بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 288؛ تاریخ طبری، ج 6، ص 195.
 - 5- . کلینی، الاصول من الکافی، ج 1، ص 304 و 450؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 159.
 - 6- . کشی، اختیار معرفة الرجال، ص 41؛ کلینی، الاصول من الکافی، ج 1، ص 469؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 54، ص 275.

جابر در حالی که 94 سال سن داشت، در سال 78 ه.ق و در شهر مدینه درگذشت. (1) از جابر، پنج پسر بر جای ماند که نسل او را گسترش دادند و اکنون افرادی در تونس و بخارا و ایران، به او

منسوب هستند. مشهورترین آنان، شیخ مرتضی انصاری، فقیه و اصولی بزرگ شیعه در دوران معاصر بود. (2)

مقام علمی جابر

جابر، احادیث فراوانی از پیامبر عَلَیْهِ السَّلَام نقل کرده است. از این رو، او را حافظ سنت نبوی و مُکَثِّر در حدیث خوانده اند و در منابع روایی و سیره و تاریخ، به روایات او استناد کرده اند. (3)

او در حوزه احکام فقهی، صاحب نظر بود و فتوا می داد و برخی وی را مجتهد و فقیه خوانده اند. (4)

در تفسیر قرآن نیز، روایات بسیاری از او نقل گردیده که در منابع تفسیری، به آن ها استناد شده است. (5)

آرای تفسیری جابر درباره برخی آیات، همسو با دیدگاه تفسیری شیعه است. (6)

جابر افزون بر روایاتی که به طور مستقیم و بدون واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده، از طریق صحابه و تابعین نیز روایت کرده است. امام علی عَلَیْهِ السَّلَام، طلحه بن عبیدالله، عمار یاسر، معاذ بن جبل و ابو سعید خدری، از جمله صحابه ای هستند که جابر از آن ها روایت

کرده است. (7) او چنان جوای یافتن معارف دینی

ص: 81

-
- 1- . ابن قتیبه، المعارف، ص 307.
 - 2- . ر.ک: ابن حزم، جمهره انساب العرب، ص 359؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 10، ص 545؛ عباس قمی، تحفة الاحباب، ص 40؛ حسین واقتی، جابر بن عبدالله الانصاری، ص 31-34.
 - 3- . ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 2، ص 127؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 1، ص 220.
 - 4- . ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعین، ج 1، ص 12؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 189.
 - 5- . ر.ک: تفسیر صنعانی، ج 1، ص 89، 129، 131 و ج 2، ص 211، 231-232؛ تفسیر قرطبی، ج 2، ص 112، 302 و ج 4، ص 155، 166.
 - 6- . ر.ک: تفسیر طبرسی، ذیل آیه 33 سوره احزاب و آیه 24 سوره نساء.
 - 7- . ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 208؛ مزّی، تهذیب الکمال، ج 4، ص 444.

بود که به شام سفر کرد تا حدیث پیامبر عَلَیْهِ السَّلَامُ را بدون واسطه، از زبان یکی از صحابه بشنود. (1)

او نسبت به حدیث، نقاد و بصیر بود و در نقل اخبار و روایات، از رقابت‌ها و تعصبات قبیله‌ای پرهیز می‌کرد؛ به طور مثال: با این که خودش خزرچی بود، اما اعتراف داشت که راویان خزرچی، ستایش پیامبر عَلَیْهِ السَّلَامُ از سعد بن مُعَاذ و داوری اش درباره بنی قُرَیْظَه را - به دلیل آن که سعد، رئیس اوسیان بود - تحریف کرده اند. (2)

جابر در مسجد نبوی، حلقه درس داشت و احادیث را بیان می‌کرد و شماری از تابعین، احادیث و مطالب او را می‌نوشتند. (3)

افراد فراوانی از او حدیث نقل کرده اند که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: سعید بن مُسَیْب، حسن بن محمد بن حنفیه، عطاء بن اَبی رباح، مجاهد بن جَبْر، عمرو بن دینار مکی، عامر بن شراحیل شعبی، و

حسن بصری. (4) امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام نیز چند حدیث نبوی را از جابر نقل کرده اند. (5)

نام جابر در نقل احادیث مشهور شیعه آمده است؛ از جمله در نقل حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث شهر علم، حدیث منزلت، حدیث رد الشمس،

ص: 82

1- . خطیب بغدادی، الرَّحْلَة فی طلب الحدیث، ص 109؛ ابن عبدالبرّ، جامع بیان العلم، ص 151.

2- . ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج 1، ص 378.

3- . ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 11، ص 233؛ خطیب بغدادی، تقييد العلم، ص 104؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمیيز الصحابة، ج 1، ص 435.

4- . ر.ک: مَزَى، تهذيب الكمال فی اسماء الرجال، ج 4، ص 444-448؛ حسین واثقی، جابر بن عبدالله الانصاری، ص 108-118.

5- . ر.ک: ابن اشعث کوفی، الاشعثیات (الجعفریات)، ص 22، 44، 47؛ کلینی، الاصول من الکافی، ج 1، ص 532 و ج 2، ص 373 و ج 3، ص 233-234 و ج 5، ص 528 - 529 و ج 8، ص 144، 168-169؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 47 و ج 2، ص 74.

حدیث سد الابواب، حدیث لوح که رسول خدا عَلَیْهِ السَّلَامُ امامان پس از خود را نام می برد و حدیثی که ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برمی شمارد. (1)

مهمترین اثر او، صحیفه جابر است که نمونه ای از کهن ترین آثار حدیثی می باشد و سلیمان بن قیس یشکری آن را گرد آورده است. (2)
نسخه ای از آن، در کتابخانه سلیمانیة استانبول، نگهداری می شود.

جامعه شناسی اربعین

بیشترین شرکت کنندگان در مراسم اربعین را شیعیان عراق تشکیل می دهند. البته از دیر باز، شیعیان دیگر کشورها نیز در این مراسم شرکت می کردند. نویسنده «ادب الطف» که در سال 1388 ه.ق آن را منتشر کرده است، در گزارش خود از برگزاری مراسم اربعین حسینی در کربلا، آن را به اجتماع مسلمانان در مکه مکرمه تشبیه می کند و با اشاره به حضور هیأت های مختلف عزاداری در کربلا می نویسد: «برخی به زبان ترکی و برخی به عربی و گروهی به فارسی و دسته ای به زبان اردو شعر می خوانند». (3)

آمار وزارت کشور عراق، حاکی از آن است که در سال 1392 ه.ش، دست کم

ص: 83

-
- 1- . ر.ک: امینی، الغدیر، ج 1، ص 57؛ صفار قمی، بصائر الدرجات، ص 414؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 282 و ج 2، ص 34 و 189؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ص 74؛ مفید، الارشاد، ج 1، ص 345؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 189؛ ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 253 و 258.
 - 2- . خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الروایة، ص 392.
 - 3- . سید جواد شبر، ادب الطف و شعراء الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، ج 1، ص 41.

یک میلیون و سیصد هزار زائر خارجی، وارد عراق شدند و در راهپیمایی اربعین حسینی شرکت کردند و به کربلا و حرم امام حسین علیه السلام مشرف شدند. بر

اساس سیاست ضد تکفیری و رهنمودهای مقام معظم رهبری در سال 1393 ه.ش و با همکاری دولت عراق، خیل عظیمی از زائران ایرانی، بدون ویزا و حتی بدون گذرنامه، در مراسم اربعین حسینی شرکت کردند و این اربعین در

طول تاریخ ماندگار شد.

ص: 84

دیدگاهی متفاوت دربارهٔ زیارت جابر

به نظر برخی از اندیشمندان، جابر بن عبدالله انصاری، دو بار یا بیشتر به زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ مشرف شده است. زیارت نخست وی، همان زیارتی است که طبق نقل عمادالدین طبری و سید بن طاووس و خوارزمی، در روز بیستم صفر و در اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ روی داد و عطیه نیز وی را همراهی کرد. زیارت دیگر جابر، زیارتی است که همزمان با ورود کاروان اسرا به کربلا رخ داد. این دیدگاه، بر چند دلیل استوار است:

1. در نقل طبری و خوارزمی، خبری از دیدار جابر با اهل بیت علیهم السلام نیست و بلکه به عدم دیدار نیز تصریح شده است؛ زیرا در این نقل آمده است که جابر بعد از زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، از عطیه خواست که او را به سوی خانه های کوفه ببرد. بسیار بعید است که دیداری صورت گرفته باشد و با وجود اهمیّت فراوانی که این دیدار دارد، عطیه آن را ذکر نکرده باشد.

1. در نقل طبری و سید بن طاووس و خوارزمی، از حضور فردی دیگر جز جابر

و عطیه، گزارش نشده است؛ اما در نقل های

دیگر که گزارش دیدار جابر با اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ را نوشته اند، آمده است که گروهی از بنی هاشم نیز در آنجا حضور داشتند. ابن نمایی حلی می نویسد: «وقتی اهل و عیال امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به کربلا رسیدند، دیدند جابر بن عبدالله انصاری و گروهی از بنی هاشم، مشغول زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ هستند». سید نیز در لهوف نقل کرده که وقتی اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ به قتلگاه رسیدند، جابر و گروهی از بنی هاشم و مردانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را دیدند که برای زیارت قبر حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ آمده اند.

در این دو روایت، نامی از عطیه نیامده است و اگر در آنجا حضور داشت، دیدار با این گروه را روایت می کرد. پس نتیجه می گیریم که این زیارت، غیر از زیارت نخست است.

2. بسیاری از علما تصریح کرده اند که جابر، نخستین زائر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بود. این سخن، ثابت می کند که او پیش از بنی هاشم، قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را زیارت کرده است. اگر چنین نبود، وجهی نداشت که چنین عنوانی به وی داده شود.

پس زیارتی که طبری و سید و خوارزمی نقل کرده اند و در آن، از عطیه یاد شده است و از ورود بنی هاشم و دیدار با اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ خبری نیست، با آنچه که سید در لهوف و ابن نمایی

حلی ذکر کرده اند و در آن، از عطیه خبری نیست و ماجرای دیدار با اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ و حضور بنی هاشم نقل شده است، با هم فرق دارند.

پس روز اربعین، روزی است که جابر به همراه عطیه، به زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ رفت؛ اما آمدن گروهی از بنی هاشم و اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ به کربلا و دیدار

جابر با آن‌ها، در زیارتی دیگر رخ داد. البته این دیدار را به طور دقیق نمی‌توان تعیین کرد؛ همان‌طور که ابن‌نمای حلی و سید بن طاووس آن را تعیین نکرده‌اند.

به این ترتیب، اشکال‌هایی که در مورد بازگشت اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ به کربلا - وجود دارد، و این که آیا رسیدن آنان به کربلا در روز اربعین، امکان داشت یا خیر، همه از بین می‌رود. آنچه که شهید قاضی طباطبایی نوشته است، ناشی از ثبوت ملازمه میان زیارت جابر در اربعین اول و انجام دیدار با اهل بیت علیهم السلام در کربلا است که خود مبنی بر رسیدنشان در اربعین نخست است. این ملازمه، ثابت شده نیست و سخن ایشان نمی‌تواند درست باشد. آنچه ایشان نوشته است، جز برای اثبات امکان بازگشت اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ و رفع امتناع و استبعاد نیست؛ اما در این مقام، نمی‌توان به آن استناد کرد.

البته اگر درباره بازگشت اهل بیت علیهم السلام در اربعین اول، روایات معتبری داشتیم، لازم بود به آنها پایبند باشیم، ولی چنین چیزی وجود ندارد. آنچه که بیرونی و بهایی در این باره نقل کرده‌اند، الزام‌آور نیست؛ چرا که تخصص اصلی آن‌ها تاریخ نبوده است. علاوه بر این، آنچه که قاضی نعمان - متوفای سال 363 هـ.ق که از نظر زمانی و خبرویت در روایت، مقدم بر آنها می‌باشد - نقل کرده است، با گفته‌های آنان تعارض دارد. او در کتاب شرح الاخبار تصریح کرده است که اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، یک و نیم ماه در شام ماندند. با در نظر گرفتن مدت زمان اقامت اهل بیت علیهم السلام در شام و در نظر گرفتن حالت کاروان در رفت و آمد، بازگشت این کاروان در اربعین اول، بسیار بعید است.

بنا بر این، به نظر می‌رسد که بازگشت کاروان حسینی به کربلا، نه در اربعین

اول و نه در اربعین دوم، بلکه در فاصله میان این دو بوده است که با توجه به شواهد و قرائن، می توان حدس زد که زمان رسیدن به کربلا،
اواخر ماه صفر یا اوائل ماه ربیع الاول بوده است. (1)

ص: 88

1- . محمد امین پور، کاروان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در شام و حرکت به سوی مدینه منوره، ص 270-292.

روضه اربعین

باز آمدم ای همسفر ، ای تشنه کامم*** من زینم پیروز بر گشته ز شامم

با کودکان خسته ات باز آمدم من*** با یک دل پر غصه و زار آمدم من

خواهم عزای روز عاشورا بگیرم*** شاید خدا لطفی کند اینجا بمیرم

اینجا تنت را استخوان بشکسته دیدم*** بر سینه ات شمر لعین بنشسته دیدم

دیدم نهاده خنجرش زیر گلویت*** آن لحظه دیدی من آمدم رو برویت

روز اربعین اهل بیت وارد کربلا شدند ، مثل برگ خزان زده ، از بالای شترها روی زمین افتادند ، یکی می گوید: حسینم، یکی می گوید:

برادرم ، یکی می گوید : پسر ، عمه سادات زینب روضه می خواند گفت :

هُنَا ذُبِحَ الْحُسَيْنَ بِسَيْفِ شَمْرٍ*** هُنَا قَدْ تَرَبُّوا مِنْهُ الْجَبِينَا

گفت : اینجا همان جایی است که شمر سر حسینم را جدا کرد ، اینجا همان جایی بود که پیشانی او را بر خاک زمین نهادند .

هُنَا الْعَبَّاسُ فِي يَوْمِ عَبُوسٍ*** حِيَالِ الْمَاءِ قَدْ أَمْسَى رَهِينَا

اینجا همان جایی است که روز عاشورا عباس را کنار فرات نگه داشته شد نگذاشتند به خیمه بیاید .

هَذَا دَبَّحُوا الرَّضِيعَ بِسَهْمٍ حَقْدٍ فَمَا رَحِمُوا الصَّغَارَ الْمُرْضِعِينَ

همین جا بود با تیر کینه ، سر علی اصغر شیر خوار را بریدند ، حتی به کودکان شیر خوار رحم نکردند .

هَذَا مَزَقُوا الْخِيَامَ وَحَرَّقُوهَا***وَقَسَّمْ فَيْثُنَا فِي الْخَائِنِينَ

همین جا بود که خیمه ها را آتش زدند ، اموال ما را به غارت بردند(1)

رفع شبهه درباره زیارت اربعین

طبق حدیث امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ ، یکی از علائم پنج گانه شیعه، زیارت اربعین است؛ یعنی زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در روز اربعین که چهل روز بعد از عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ انجام می گیرد. برخی خواسته اند در دلالت این روایت، خدشه وارد کنند و بگویند که منظور از «زیارة الاربعین»، زیارت و دیدار چهل فرد مؤمن است؛ در حالی که این برداشت، به دو دلیل نمی تواند درست باشد:

1. اهل فن می دانند که اگر منظور حدیث، زیارت و دیدار چهل مؤمن بود، نباید در ابتدای کلمه اربعین، الف و لام قرار می گرفت؛ بلکه باید گفته می شد: «زیارة اربعین». حال که در ابتدای کلمه اربعین، الف و لام عهد آمده است، معلوم می شود که همان زیارت اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ مد نظر می باشد؛ یعنی همان زیارتی که در میان شیعیان، معروف است و به عنوان

ص: 90

1-1. مقتل الحسين ابومخنف، ص 201؛ سوگنامه آل محمد؛ ص 500.

یکی از نشانه های ایمان و محبت به ائمه علیهم السلام شناخته می شود.

1. زیارت و دیدار چهل برادر مؤمن، نمی تواند نشانه ای خاص برای شیعیان باشد؛ چرا که غیر از اهل تشیع، دیگران نیز می توانند موفق به انجام چنین عملی گردند. بنا بر این، زیارت اربعین باید عملی باشد که اختصاص به شیعیان دارد و دیگر مذاهب و فرقه های اسلامی، بدان مقید نباشند؛ همانند چهار علامت دیگر که در روایت امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ مطرح شده است و اختصاص به شیعیان دارد؛ یعنی: بلند گفتن بسم الله و سجده بر خاک و انگشتر بر دست راست کردن و اقامه 51 رکعت نماز در شبانه روز که 34 رکعت به عنوان نافله و 17 رکعت به عنوان نماز واجب، خوانده می شود.

رقیه بنت الحسین علیهما السلام

یکی از فرزندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، دختری خردسال به نام رقیه سلام الله علیها

بود که در واقعه عاشورا حضور داشت و همراه کاروان اسرا، به شام برده شد. طبق این نقل، رقیه سلام الله علیها در همان دوران اسارت، به شهادت رسید. امروزه در دمشق، آرامگاهی به نام او وجود دارد.

به نظر می رسد که در بین کاروان اسیران، او تنها کسی بود که همراه قافله، به کربلا بازنگشت. از این رو، فقدان ایشان در بین کاروان اسرا، موضوعی برای روضه ها و مرثیه ها در اربعین حسینی گردیده است.

تا آنجا که بررسی ها نشان می دهد، نخستین کتابی که ماجرای شهادت يك کودک خردسال را در شام مطرح کرده است، کتاب کامل بهایی است. کامل بهایی، کتابی فارسی است که توسط عمادالدین طبری (حسن بن علی، درگذشته 701

هـق) به نگارش در آمده است. او در این باره می نویسد: «زنان خاندان نبوت، در حالت اسیری، حال مردان که در کربلا شهید شده بودند، بر پسران و دختران ایشان، پوشیده می داشتند و هر کودکی را وعده ها می دادند که «پدر تو به فلان سفر رفته است، باز می آید». تا ایشان را به خانه یزید آوردند. دخترکی بود چهار ساله. شبی از خواب بیدار شد و گفت: «پدر من حسین کجاست؟ این ساعت، او را به خواب دیدم سخت پریشان!». زنان و کودکان، جمله در گریه افتادند و فغان از ایشان برخاست. یزید، خفته بود. از خواب بیدار شد و حال، تفحص کرد. خبر بردند که حال، چنین است. آن لعین، در حال گفت که بروند و سر پدر او را بیاورند و در کنار او نهند. مَلاعین، سر بیاورد و در کنار آن دختر چهار ساله نهاد. پرسید: «این چیست؟». مَلاعین گفت: «سر پدر تو است». آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز، جان به حق، تسلیم کرد. (1)

روایت تشریف جابر

چگونگی تشریف جابر بن عبدالله انصاری در اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، به

ص: 92

1- . کامل بهایی، ج 2، ص 179.

عنوان صحابی جلیل القدر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، از اهمیت خاصی برخوردار است و واعظان در ایام اربعین، به بیان نکته ها و پیام های آن می پردازند. همچنین نحوه تشریف جابر و حالات و گفتار او به هنگام زیارت و مکالمه او با عطیه، موضوعی برای مرثیه سرایان قرار گرفته است تا در ایام اربعین، به ذکر مصیبت پردازند.

مرحوم طبری در کتاب بشاره المصطفی، گزارش مفصل این تشریف را از زبان عطیه عوفی - که با جابر بن عبد الله انصاری همراه بوده - نقل کرده است. سند و متن و ترجمه این گزارش، بدین شرح است:

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ سَهْرَبَارَ الْخَازِنُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي مَسْجِدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي شَوَّالٍ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَخَمْسِينَ مِائَةً قَالَ أَمَلْنَا عَلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبُرْسِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقُرَشِيُّ الْمَعْدَلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حُمُرَانَ الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ الْمُقْرِي قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْأَيَّادِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ مَدْرِكَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زِيَادٍ الْمَلَكِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ قَالَ:

خَرَجْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ زَائِرِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَلَمَّا وَرَدْنَا كَرْبَلَاءَ دَنَا جَابِرٌ مِنْ شَاطِئِ الْفَرَاتِ فَاغْتَسَلَ ثُمَّ اتَّزَرَ بِإِزَارٍ وَازْدَادَ بِأَخْرَ ثُمَّ فَتَحَ صَدْرَهُ فِيهَا سُدًّا فَفَتَّرَهَا عَلَى بَدَنِهِ ثُمَّ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى إِذَا دَنَا مِنَ الْقَبْرِ قَالَ أَلَمَسْتَنِيهِ فَأَلَمَسْتُهُ فَخَرَّ عَلَى الْقَبْرِ مَعْشِيًّا عَلَيْهِ فَرَشَشْتُ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ فَلَمَّا

أَفَاقَ قَالَ يَا حُسَيْنُ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ ثُمَّ قَالَ وَ أَنَّى لَكَ

بِالْجَوَابِ وَقَدْ شَهِدَتْ أَوْدَاجُكَ عَلَى أَثْبَاجِكَ وَفُرَّقَ بَيْنَ بَدَنِكَ وَرَأْسِكَ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَابْنُ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنُ حَلِيفِ النَّبِيِّ وَ سَدِّيلُ الْهُدَى وَ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ وَ ابْنُ سَيِّدِ الثَّقَبَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ وَ مَا لَكَ لَا تَكُونُ هَكَذَا وَقَدْ عَدَّتْكَ كَفُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ رُبِّيتَ فِي حَجْرِ الْمُتَّقِينَ وَ رَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ وَ فُطِمْتَ بِالْإِسْلَامِ فَطُبْتَ حَيًّا وَ طُبْتَ مَيِّتًا غَيْرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ لِفِرَاقِكَ وَ لَا شَاكَةَ فِي الْخَيْرَةِ لَكَ فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَ رِضْوَانُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ أَخُوكَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا ثُمَّ جَالَ بَصَرَهُ حَوْلَ الْقَبْرِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَزْوَاجُ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِ الْحَسَنِ وَ أَنَا حَتَّ بِرَحْلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِينَ وَ عَبَدْتُمُ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِي مَا دَخَلْتُمْ فِيهِ قَالَ عَطِيَّةٌ فَقُلْتُ لَهُ يَا جَابِرُ كَيْفَ وَ لَمْ نَهْبُطْ وَادِيًّا وَ لَمْ نَعْلُ جَبَلًا وَ لَمْ نَضْرِبْ بِسَيْفٍ وَ الْقَوْمُ قَدْ فُرِّقَ بَيْنَ رُءُوسِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ وَ أُوتِمَتْ أَوْلَادُهُمْ وَ أَرْمَلَتْ أَزْوَاجُهُمْ؟ فَقَالَ يَا عَطِيَّةُ سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا

أَنَّ نَبِيَّتِي وَ نَبِيَّةَ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحَسَنِ ع وَ أَصْحَابُهُ خُذْنِي نَحْوًا إِلَى آيَاتِ كُوفَانِ فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ قَالَ يَا عَطِيَّةُ هَلْ أَوْصِيكَ وَ مَا أَظُنُّ أَنَّي بَعْدَ هَذِهِ السَّفَرَةِ مُلَاقِيكَ أَحِبِّ مُحِبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ص مَا أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغَضَ مُبْغَضَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا أَبْغَضَهُمْ وَ إِنْ كَانَ صَوَامًا قَوْمًا وَ أَرْفُقَ بِمُحِبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ إِنْ تَزَلَّ لَهُ قَدَمٌ بِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ ثَبَّتَتْ لَهُ أُخْرَى بِمَحَبَّتِهِمْ فَإِنَّ مُحِبَّهُمْ يَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مُبْغَضَهُمْ يَعُودُ إِلَى النَّارِ. (1)

ترجمه:

عطيه عوفی می گوید: همراه جابر بن عبدالله انصاری، برای زیارت قبر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام حرکت کردیم. هنگامی که به کربلا رسیدیم، جابر به کرانه فرات نزدیک شد و غسل کرد. پیراهن و ردایی پوشید و کیسه

ص: 94

عطری را گشود و بر بدن مالید. هر گامی که برمی داشت، ذکر خدا را می گفت. وقتی نزدیک قبر مطهر رسید، گفت: «دست مرا بر روی قبر بگذار». همین که دست او را بر روی قبر گذاشتم، بیهوش شد و بر روی قبر افتاد. کمی آب بر صورت او پاشیدم. هنگامی که به هوش آمد، سه بار گفت: «ای

حسین!» سپس گفت: «دوست، پاسخ دوست را نمی دهد؟». و ادامه داد: «چگونه پاسخ دهی، در حالی که خون رگ هایت را بر میان شانه ها و پشتت ریختند و میان سر و پیکرت، جدایی انداختند! گواهی می دهم که تو، فرزند خاتم پیامبران و فرزند سرور مؤمنان و فرزند هم پیمان تقوا و چکیده هدایت و پنجمین فرد از اصحاب کسا و فرزند سالار مهتران و فرزند فاطمه سلام الله علیها سرور زنان هستی. چگونه چنین نباشی، در حالی که از دست سرور پیامبران، غذا خورده ای و در دامان تقوای پیشگان، پرورش یافته ای و از سینه ایمان، شیر نوشیده ای و با اسلام، تو را از شیر گرفته اند. پاک زیستی و پاک رفتی، اما دل های مؤمنان، در فراق تو خوش نیست. تردیدی نیست که همه این ها برای تو خیر بود. سلام و رضوان خدا بر تو باد! گواهی می دهم که تو بر همان روشی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا علیه السلام رفت».

سپس رو به سوی قبر دیگر شهیدان کربلا نمود و گفت: «سلام بر شما ای روح هایی که گرداگرد حسین علیه السلام، فرود آمده اید و همراهش شده اید! گواهی می دهم که نماز به پا داشتید و زکات پرداختید و به نیکی فرمان دادید و از زشتی بازداشتید و با ملحدان جنگیدید و

خدا را پرستیدید تا به شهادت رسیدید. سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق برانگیخت، در آنچه که وارد شدید، ما نیز با شما شریک هستیم».

به جابر گفتم: «ای جابر! چگونه با آنان شریک هستیم، در حالی که ما نه به درّه ای فرود آمدیم و نه از کوهی بالا رفتیم و نه شمشیری کشیدیم؛ اما اینان، سر از پیکرشان جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه گشت!». جابر گفت: «ای عطیه! از حبیبم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: "هر کس گروهی را دوست داشته باشد، با آنان محشور می شود، و هر کس کار گروهی را دوست داشته باشد، در کارشان شریک می گردد." سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق برانگیخت، نیت من و همراهانم، همان است که حسین علیه السلام و یارانش بر آن رفتند».

سپس جابر گفت: «ای عطیه! مرا به سوی خانه های کوفه ببر». بخشی از راه را رفته بودیم که گفت: «ای عطیه! آیا سفارشی به تو بکنم؟ دیگر گمان نمی کنم که پس از این سفر، تو را ببینم. دوستدار خاندان محمد علیهم السلام را - تا زمانی که آنان را دوست دارد - دوست مدار. دشمن خاندان محمد علیهم السلام را - تا زمانی که با آنان دشمن است

- دشمن مدار؛ هر چند روزه بگیرد و شب زنده دار باشد. با دوستدار محمد صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان محمد علیهم السلام، رفاقت کن که اگر یک گامش از گناه بلغزد، گام دیگرش به محبت آنان استوار می ماند؛ چرا که دوستدار آنان، به بهشت بازمی گردد و دشمن آنان، راهی آتش دوزخ می گردد».

رویداد های اربعین سال 61 هـ ق

درباره رخدادهای روز اربعین سال 61 هـ ق، پنج گزارش وجود دارد: (1)

1. در این روز، امام زین العابدین علیه السلام و اسرای کربلا، از شام به مدینه

ص: 96

1- ر.ک: تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء، ص 229 و 230.

2. در این روز، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی و جمعی از بنی هاشم و خاندان رسالت، از مدینه به زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام مشرف شدند. (2)

3. در این روز، امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَام با جابر بن عبدالله انصاری، دیدار و گفتگو کرد. (3)

1. در این روز، اهل بیت علیهم السلام وارد کربلا شدند.

2. در این روز، سر مبارک سیدالشهدا علیهم السلام و دیگر شهدای کربلا، توسط امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَام، در کربلا به خاک سپرده شد. ابوریحان بیرونی می نویسد: «در روز بیستم صفر، سر حسین عَلَیْهِ السَّلَام را به بدنش ملحق کردند و در همان جا دفن نمودند و زیارت اربعین راجع به این روز است». (4)

در تاریخ حبیب السیر آمده است: «یزید، اسباب سفر امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَام و سایر اهل بیت علیهم السلام را تهیه کرد و سرهای شهدا را به ایشان سپرد و نعمان بن بشیر را با سی سوار، به همراهی آن طایفه واجب التعظیم، مأمور گردانید. امام چهارم با خواهران و عمه ها و دیگر اقربا، متوجه مدینه طیبیه گشت و در بیستم ماه صفر، سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و دیگر شهدای کربلا را به بدن های ایشان ملحق ساخت و از آنجا، به تربت مقدس جد بزرگوار خود شتافته، رحل اقامت انداخت». (5)

ص: 97

1- . شیخ مفید، مسار الشیعه، ص 26.

2- . سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 197.

3- . زنجانی، وسیلة الدارین، ص 403.

4- . آثار الباقیه، ص 28.

5- . حبیب السیر، ج 2، ص 60.

زیارت

زیارت در لغت، به معنای روی گرداندن و عدول کردن از چیزی است. به همین دلیل، به «دروغ» نیز که مایل و منحرف از حقیقت است، «زور» گفته می‌شود. فرد زیارت کننده را از آن جهت زائر می‌گویند که به هنگام زیارت یک شخص، از غیر او روی برمی‌گرداند. (1) اما معنای عرفی زیارت، آن است که انسان با انگیزه انس گرفتن و بزرگداشت، به کسی روی آورد؛ (2)

یعنی دیداری که همراه با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی باشد. (3) برخی گفته‌اند: علت این که رفتن به دیدار اولیا و بزرگان را زیارت گفته‌اند، از آن جهت است که این کار، عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت می‌باشد.

در هر صورت، زیارت، عملی عبادی است و به معنای حضور در پیشگاه

ص: 99

1- . مقایس اللغه، ج 3، ص 36.

2- . المصباح المنیر، ماده زور.

3- . مجمع البحرین ج 1، ص 305، ماده زور؛ مکارم شیرازی، مفاتیح نوین، ص 203.

پیشوایان مذهبی یا در نزد قبور آنان می باشد که برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض معنوی صورت می گیرد. زیارت

بزرگان دینی و قبور آنان، همواره از اعمال پسندیده اسلامی بوده و در طول تاریخ، مسلمانان به آن عنایت و اهتمام داشته اند؛ اما زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام، در نزد شیعیان جایگاهی ویژه دارد و اثرات معنوی و ثواب بسیاری برای آن ذکر کرده اند. به دلیل جایگاه مهم زیارت در فرهنگ شیعه، این عمل، از ویژگی ها و نمادهای شیعیان به شمار می رود.

با وجود باور عموم مسلمانان به استحباب و روا بودن زیارت، فرقه وهابیت با تفسیرهایی خاص از برخی آیات، شبهه هایی را در این باره مطرح کرده اند و مدعی هستند که زیارت مشاهد مشرفه، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سازگار نیست. این شبهات، باعث شده است که علمای شیعه و اهل سنت، به پاسخگویی و دفاع از مشروعیت زیارت پردازند.

زیارت در فرهنگ شیعی

اشاره

در فرهنگ اسلامی و سیره تمامی مسلمانان، زیارت جایگاه مهمی دارد که این مطلب را از احادیث وارد شده در فضیلت زیارت، می توان دریافت. احادیث در باب مستحب بودن زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، فراوان است و به حد تواتر می رسد و مورد توافق شیعه و سنی

است. (1) به همین دلیل، مسلمانان از دوران قدیم، همواره به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می رفتند و اکنون نیز می روند.

اگر چه زیارت قبور صالحان و به ویژه زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، مورد قبول همه

ص: 100

1- . ر.ک: شفاء السقام في زيارة خير الانام، ص 48؛ الغدير في الكتاب والسنة والادب، ج 5، ص 112-113؛ الفقه علي المذهب الاربعة، ج 1، ص 594.

مسلمانان است، اما مفهوم زیارت در فرهنگ شیعی، پررنگ تر و با اهمیت تر است. علاوه بر زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، زیارت امامان علیهم السلام نیز جزئی از آیین های مهم شیعه می باشد و اهمیت فراوان دارد؛ به ویژه زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ که از اهمیت خاصی برخوردار است.

زیارت در فرهنگ شیعی، یعنی ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام و اعتراف به ولایت ایشان. از این رو، زیارت، ارتباطی تنگاتنگ با

مسأله حب اهل بیت علیهم السلام و تولی و تبری دارد و از نشانه ها و لوازم وفاداری به ایشان و به جا آوردن حق ولایت آنان است؛ چرا که از دیدگاه شیعه، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام، دارای مقام ولایت هستند و حتی پس از مرگ نیز، مقام و جایگاه آنان محفوظ است.

یکی از نتایج ولایت امام، تسلط بر دل ها است؛ به این معنا که امام بر روح و قلب دیگران، احاطه و تسلط دارد. (1) در اغلب متون زیارت نامه ها، به چنین ولایت و امامتی، اقرار و اعتراف می شود؛ به عنوان مثال: در زیارت نامه های امامان آمده است: «أَشْهَدُ أَنْكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَرُدُّ سَلَامِي» (2) گواهی می دهم که تو جایگاه مرا می بینی و سختم را می شنوی و سلامم را پاسخ می دهی».

از دیدگاه شیعه، روح امام - با اذن و اجازه خداوند - به زائر خود، علم و احاطه دارد و این ادراک، امر زیارت را برای شیعیان، به دیداری عاشقانه و معنوی تبدیل می کند و تاثیر آن را می توان به روشنی، در ادبیات و نظم و نثر شیعی مشاهده کرد. زیارت و رفتن به حرم اهل بیت علیهم السلام، نقش پررنگی در تاریخ شیعه داشته و توجه به آن، از نشانه های بارز فرهنگی شیعیان محسوب می شود.

ص: 101

1- . مرتضی مطهری، خاتمیت، فصل دوم.

2- . ر.ک: زیارت امام رضا در مفاتیح الجنان.

کارکرد تربیتی زیارت

علاوه بر ثواب هایی که در احادیث، برای زیارت ائمه علیهم السلام بیان شده است، فرهنگ زیارت، آثار و کارکردهای تربیتی فراوانی به همراه دارد. از جمله فوائد تربیتی زیارت، می توان به این مسائل اشاره کرد:

1. افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از زیارت نامه ها.
2. آشنایی با مقام امامان علیهم السلام و تحکیم رابطه ولایی با آنان.
3. ارائه الگوی مناسب برای جامعه.
4. ایجاد انگیزه برای ترک گناهان و کسب فضایل معنوی، در پرتو بهره مندی از فضای معنوی حرم اهل بیت علیهم السلام.

کارکرد اجتماعی و سیاسی زیارت

شیعه از ابتدای پیدایش و در اغلب دوران ها، اقلیتی مخالف حکومت ها بود و مورد خشم و ستم قدرت های سیاسی قرار می گرفت. به همین دلیل، مسائل سیاسی و اجتماعی، با روح و اعتقادات این گروه، در هم آمیخت.

در طول تاریخ شیعه، حرم شریف امامان معصوم علیهم السلام، مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام ها و نهضت ها، محل پیمان بستن و

هم قسم شدن برای انقلاب ها و جنبش های اجتماعی و غیره بود. بزرگترین حوزه های علمی شیعی نیز، در کنار این مشاهد مشرفه - یعنی نجف و قم و مشهد - شکل گرفت. در جریان انقلاب مشروطه نیز، جمعی از روحانیون شیعه، در حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام تحصن کردند.

به طور خلاصه، با توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی، می توان چند نقش

عمده برای زیارت و انس با اهل بیت علیهم السلام برشمرد:

1. زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی و هویت شیعی و استمرار مبارزات ائمه اطهار علیهم السلام در میان امت اسلامی.

2. زنده نگه داشتن روحیه شیعیان و بالا بردن امید و امیدواری، در شرایط طاقت فرسا و بحرانی.

3. زنده نگه داشتن روحیه حماسی و بالا بردن روحیه شجاعت و دلآوری در افراد.

4. احیای روحیه انتقام از ستمکاران، با تبیین ظلم هایی که در طول تاریخ، بر ائمه اطهار علیهم السلام و پیروان آن ها رفته است.

5. توجه به جامعه و حکومت آرمانی که پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل خواهد شد.

1. ترویج روحیه حق طلبی و عدالت خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت، به عنوان مهم ترین آرمان شیعه. این کارکرد را به روشنی می توان از مضمون زیارت نامه ها دریافت.

زیارت نامه

متنی که حاوی فراز هایی از زیارت باشد، به آن زیارت نامه گفته می شود. زیارت نامه، انواع مختلفی دارد و از جهت سند و زمان، به چند نوع تقسیم می شود.

زیارت نامه از جهت سندی، بر دو نوع است: ماثوره و غیر ماثوره.

1. زیارت نامه ماثوره، به زیارتی گفته می شود که از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده است؛ همانند زیارت عاشورا و زیارت اربعین.

2. زیارت نامه غیر ماثوره، به زیارتی می گویند که اسناد آن به معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ، معلوم و روشن نباشد؛ همانند زیارت مفجعه حضرت زینب سلام الله علیها .

از جهت زمانی نیز، دو نوع زیارت نامه داریم: مخصوصه و مطلقه.

1. زیارت مخصوصه یا مقیده، زیارت نامه ای است که اختصاص به زمانی خاص دارد؛ همانند زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در شب نیمه شعبان.

2. زیارت مطلقه، زیارت نامه ای است که اختصاص به زمان خاص ندارد؛ همانند زیارت نامه وارث حضرت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ و زیارت جامعه کبیره.

زیارت اربعین، زیارت مخصوصه به حساب می آید؛ چرا که مخصوص روز اربعین (بیستم صفر) است؛ یعنی این زیارت نامه، برای زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در روز اربعین صادر شده است. زیارت نامه های امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در شب های قدر و عید فطر و عید قربان، از دیگر نمونه های زیارت مخصوصه می باشند.

زیارت نامه اربعین

درباره زیارت روز اربعین، دو زیارت نامه نقل شده است:

1. زیارت نامه ای که از زبان جابر بن عبد الله انصاری نقل گردیده و روایتگر آن، عطیه عوفی است و سید بن طاووس، این زیارت نامه را در مصباح الزائر آورده است.

1. زیارت نامه ای که صفوان بن مهران، از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده و شیخ طوسی، آن را در کتاب تهذیب الاحکام نقل کرده است.

زیارت نامه جابر، تفاوت هایی با زیارت نامه صفوان دارد. زیارت نامه صفوان، تنها حاوی زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ است؛ اما زیارت نامه جابر، علاوه بر زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، حاوی زیارت نامه علی بن الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، حضرت ابوالفضل العباس عَلَیْهِ السَّلَامُ و دیگر شهدای کربلا می باشد.

زیارت نامه جابر

به گزارش عطیه عوفی - که سید بن طاووس در کتاب مصباح الزائر نقل کرده است - جابر بن عبد الله انصاری در روز اربعین، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را با زیارت نامه ای مخصوص زیارت کرد.

عطیه می گوید: همراه جابر بودم که در روز بیستم ماه صفر، به غاضریه (کربلا) رسیدیم. او در نهر غسل کرد و لباس پاکیزه ای را که همراه داشت، پوشید. به من گفت: «عطیه! خوشبو کننده ای به همراه داری؟». گفتم: «مقداری سعد (ماده ای خوشبو) به همراه دارم». به او دادم. جابر آن را بر سر و بدن خود مالید و پا برهنه به

راه افتاد. وقتی به قبر مطهر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ رسید، سه مرتبه الله اکبر گفت و از هوش رفت. وقتی به هوش آمد، شنیدم که می گوید:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ

سلام بر شما ای خاندان خدا!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ

سلام بر شما ای برگزیدگان خدا!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ

سلام بر شما ای انتخاب گشته های خدا از میان خلق!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا سَادَاتِ السَّادَاتِ

سلام بر شما ای سروران سروران!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ

سلام بر شما ای شیران بیشه!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ

سلام بر شما ای کشتی های نجات!

السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ

سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث موسی همکلام خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ

سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى

سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ بَنِ الشَّهِيدِ

سلام بر تو ای شهید فرزند شهید!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ بَنِ الْقَتِيلِ

سلام بر تو ای کشته فرزند کشته!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا بر خلقش!

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَرَزْتَ وَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ

گواهی می دهم که تو نماز به پا داشتی و زکات پرداختی و به نیکی فرمان دادی و از زشتی بازداشتی و مصیبت زده پدر و مادر شدی و با دشمنت جنگیدی.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ

گواهی می دهم که تو سخن را می شنوی و پاسخ می دهی.

وَ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيبُهُ وَ صَفِيُّهُ وَ ابْنُ صَفِيِّهِ

تو حبيب و دوست و بنده نجیب و برگزیده و فرزند برگزیده خدا هستی.

رُزْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي

مشتاقانه تو را زیارت نمودم. شفیع من در درگاه خدا باش ای آقای من!

أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ بِأُمَّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

به وسیله جدّت سرور پیامبران و پدرت سرور جانشینان و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان، به درگاه خدا طلب شفاعت می کنم.

لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ ظَالِمِيكَ

وَشَانِيكَ وَ مُبْغِضِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

خداوند، قاتل و ستمگر و غارت گر و دشمن، از گذشتگان و آیندگان را لعنت کند».

پس از آن، جابر خود را بر روی قبر انداخت و صورتش را بر قبر مالید و چهار رکعت نماز خواند. سپس به طرف قبر علی بن الحسین (علی اکبر) عَلَيهِ السَّلَامُ رفت و خطاب به ایشان گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ

سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من!

لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ

کشنده تو را خدا لعنت کند.

لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمَكَ

ستم کننده بر تو را خدا لعنت کند.

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكُمْ

به واسطه دوستی و محبت شما، به خدا تقرب می جویم.

وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ

و در پیشگاه خدا، از دشمنانتان اعلام بیزاری می کنم».

سپس قبر او را بوسید و دو رکعت نماز خواند. پس از آن، رو به قبر شهدا کرد و گفت:

«السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

سلام بر ارواح خفته در کنار قبر ابا عبد الله الحسین!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شِيعَةَ اللَّهِ وَ شِيعَةَ رَسُولِهِ وَ شِيعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

سلام بر شما ای پیروان خدا و پیروان رسول خدا و پیروان امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ

سلام بر شما ای پاکان از آلودگی!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ

سلام بر شما ای هدایت شدگان!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارُ

سلام بر شما ای نیکان!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ

سلام بر شما و بر همه فرشتگانی که گرداگرد قبرتان هستند.

جَمَعَنِي اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ

خداوند، ما و شما را در جایگاه رحمتش و زیر عرشش گرد آورد.»

سپس در کنار قبر عباس بن علی علیه السلام ایستاد و گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ

سلام بر تو ای ابولقاسم!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ

سلام بر تو ای عباس پسر علی!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای پسر امیر المؤمنین!

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ

شهادت می‌دهم که خیرخواهی را به انجام رساندی و امانتی را که به تو واگذار شده بود، ادا نمودی.

وَ

جَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ

و با دشمن خود و دشمن برادرت جنگیدی.

فَصَلِّوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ

صلوات خدا بر روح پاک تو باد!

وَ جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ أَخٍ خَيْرًا

خدا از جانب برادرت، به تو جزای خیر دهد.

سپس دو رکعت نماز خواند و دعا کرد و بازگشت. (1)

زیارت نامه صفوان

تنها زیارت نامه ماثوره و صادر شده از اهل بیت علیهم السلام در مورد روز اربعین، زیارت نامه ای است که صفوان بن مهران، از امام صادق علیه السلام روایت نموده و شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام و کتاب مصباح المتهجد، آن را به سند خود نقل کرده است. سند و متن آن، بدین شرح است:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَعُكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ:

صفوان جمّال روایت کرده است که مولایم امام صادق علیه السلام، درباره زیارت اربعین به من فرمود: هنگامی که روز بالا آمد، چنین بگو:

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ

سلام بر ولی خدا و دوست او!

السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيْبِهِ

سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او!

السَّلَامُ عَلَى

صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيَّهِ

سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش!

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

سلام بر حسین مظلوم و شهید!

السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

سلام بر اسیر گرفتاری ها و کشته اشک روان!

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ

خدایا! گواهی می دهم که او، ولی (نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که به بزرگداشت تو کامیاب شد.

أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ

تو او را به وسیله شهادت، گرامی داشتی و به سعادت، مخصوصش گرداندی و او را به پاکزادی برگزیدی.

وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ

او را آقای از آقایان و پیشوایی از پیشوایان و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی.

وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ

میراث انبیا را به او عطا فرمودی و از میان اوصیا، او را حجت بر بندگانت قرار دادی.

فَأَعَدَّرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

در دعوتش، جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نرزید و جانش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند.

وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى

کسانی که دنیا فریشان داده بود، بر ضد او هم دست شدند و بهره خود را به بهایی ناچیز فروختند.

وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ

و آخرتشان را در مقابل بهایی اندک معامله کردند و کبر ورزیدند و خود را در چاه هوا و هوس، سرنگون ساختند.

وَاسْحَطَّكَ وَاسْحَطَّ نَبِيَّكَ وَاطَّاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الأَوْزَارِ المُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ

تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگان، آنانی را پیروی کردند که اهل دو دستگی و نفاق بودند و بارهای سنگین گناه بر دوش می کشیدند و استحقاق آتش داشتند.

فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ

او با شکیبایی و پاداش جوئی، با آنها جهاد کرد تا در راه پیروی تو، خونس ریخت و حریم مقدسش شکسته شد.

اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذِّبُهُمْ عَذَاباً أَلِيماً

خدایا! آنان را به لعنتی وبال انگیز لعن کن و با عذابی دردناک، عذاب ده.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند سرور اوصیاء!

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ

گواهی می‌دهم که تو امانت‌دار خدا و فرزند امانت‌دار او هستی.

عِشْتَ سَعِيداً وَ مَصِيْبَتَ حَمِيداً وَ مِتَّ فَقِيْداً مَظْلوماً شَهِيداً

سعادتمند زیستی، ستوده رفتی، و گم‌گشته و ستم‌دیده و شهید درگذشتی.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَدَّكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ

گواهی می‌دهم که خدا به وعده‌ای که به تو داده، وفا می‌کند و هر که را که دست از یاری‌ات برداشت، هلاک می‌نماید و کسی که تو را کشت، عذاب خواهد کرد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِيْنُ

گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راه او جهاد نمودی تا مرگت فرا رسید.

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی را که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی را که شنیدند و به آن راضی شدند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

خدایا! تو را گواه می‌گیرم که من، دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمن هستم با هر که او را دشمن می‌دارد.

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَأْتِيَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا!

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

گواهی می‌دهم که تو نوری در پشت پدران بلند مرتبه و رحم‌های پاکیزه بودی.

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا

اوضاع زمان جاهلیت، تو را به آلودگی هایش نیالود و از لباس های چرکینش بر تنت نکرد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَزْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

گواهی می دهم که تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستی.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ

گواهی می دهم که تو پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

گواهی می دهم که امامان از فرزندان، حقیقت تقوا و نشانه هدایت و رشته های محکم فضیلت و حجت بر مردم دنیا هستند.

وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي

گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم؛ با قوانین دینم و عواقب کارم

وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ

نُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ

قلیم، تسلیم قلب شما است و کارم پیرو کار شما است و آماده یاری تان هستم تا خدا به شما اجازه ظهور دهد.

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

پس من با شما هستم، نه با دشمنان شما.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ

درود خدا بر شما و بر روانتان و پیکرهایتان و حاضران و غائبتان و آشکارتان و نهانتان!

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار جهانیان! دعاهایمان را مستجاب گردان.

سپس دو رکعت نماز می خوانی و برای خواسته هایت دعا می کنی و برمی گردی. (1)

زیارت وداع اربعین

وداع، یکی از آداب و مستحبات زیارت است که به هنگام بازگشت زائر از زیارت انجام می گیرد. زائر به هنگام وداع، از خدا

می خواهد که آن زیارت، آخرین زیارت او نباشد و بار دیگر نیز، خدا توفیق زیارت آن معصوم را نصیب وی گرداند.

در برخی موارد، زیارت نامه مخصوصی برای وداع معصومین علیهم السلام بیان شده است و در بسیاری از موارد، باید به وداع های عمومی مراجعه کرد. زیارت اربعین، از آن دسته زیارت هایی است که زیارت نامه مخصوصی برای وداع دارد.

سید بن طاووس در کتاب اقبال الاعمال، (2) درباره زیارت نامه وداع اربعین می نویسد: برای زیارت اربعین، وداعی یافته ام که مخصوص این زیارت است.

ص: 111

1- . تهذیب الأحكام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 113.

2- . اقبال الاعمال ج 3، ص 85.

برای خواندن این وداع، باید مقابل ضریح بایستی و بگویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، جانشین رسول خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سرور زنان جهان!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِ الثَّيِّبِ الْحَسَنِ الرَّحْمَنِيِّ

سلام بر تو ای وارث امام حسن پاک!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و گواه او بر آفریده ها!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الشَّهِيدَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله شهید!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ

سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من!

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

گواهی می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی.

وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ

و در راه خدا جهاد نمودی تا این که یقین تو را فرارسید.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ

گواهی می دهم که تو دلیلی روشن از سوی پروردگارت داشتی.

أَتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا لِتُشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

ای مولای من! من اکنون به عنوان زائری از راه رسیده و مشتاق و معترف به گناه و گریزان از خطا، به درگاه تو آمده ام تا نزد پروردگارت، از من شفاعت کنی.

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا

ای پسر رسول خدا! در زندگی و مرگ، درود خدا بر تو باد!

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً

در نزد خدا، از مقام معلوم و شفاعت مقبول برخورداری.

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ هَتَكَ حَرَمَكَ وَ غَضَبَ حَقَّكَ

خدا لعنت کند کسانی را که بر تو ستم کردند. خدا لعنت کند کسانی را که تو را محروم ساختند و حقت را غضب نمودند.

وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَكَ

خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند کسانی که تو را تنها گذاشتند.

وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَاكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ لَمْ يُعِنِكَ

خدا لعنت کند کسانی را که تو را دعوت کردند و به تو پاسخ مثبت ندادند و یاری ات نکردند.

وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ

حَرَمِ أَيْبِكَ وَ أَخِيكَ

خدا لعنت کند کسانی را که از رفتن تو به سوی حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم پدر و برادرت جلوگیری کردند.

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْنًا كَثِيرًا يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا

خداوند، بسیار و پی در پی لعنت کند کسانی را که تو را از نوشیدن آب فرات منع کردند.

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

خدایا! ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! ای دانای پنهان و آشکار!

أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

تویی که بین بندگان - در آنچه که اختلاف دارند - حکم می نمایی.

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

آنان که ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به چه جایگاهی بازمی گردند.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ

خدایا! این زیارت را آخرین زیارتم قرار نده.

وَازْرُقْنِيهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَحَيِّتُ يَا رَبِّ

تا وقتی که باقی و زنده هستم، زیارتش را روزی ام کن ای پروردگار!

وَإِنْ مِتُّ فَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اگر از دنیا رفتم، مرا در زمره آنان محشور فرما ای مهربان ترین مهربانان!

زینب بنت علی علیهما السلام

زینب کبری سلام الله علیها ، سومین فرزند امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و همسر عبدالله بن جعفر بود. او در پنجم جمادی الاولی، سال پنجم یا ششم هجرت، در مدینه به دنیا آمد. (1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ، او را در قنطاق، به آغوش گرفت و بوسید و فرمود: «به حاضران و غایبان ائمتن وصیت می کنم که حرمت این دختر را پاس بدارند. او مانند خدیجه کبری است». (2)

نام گذاري او، توسط پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله وسلم صورت گرفت و جبرئيل از سوي خدا، نام «زينب» را به پيامبر الهام

فرمود. (3) زينب در لغت، به معنای «درخت نيكو منظر» آمده و معنای ديگر آن، «زين اب» يعنی «زينت پدر» می باشد. (4)

ص: 113

1- . ذبيح الله محلاتی، رياحين الشريعة، ج 3، ص 33.

2- . ابوالقاسم الديباجي، زينب الكبرى بطة الحرّية، ص 15.

3- . باقر شريف القرشي، السیده زينب، ص 39.

4- . جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزايي، ج 1، ص 924.

او القاب فراواني دارد: همانند عقيله بني هاشم، عالمه غير معلّمه، عارفه، موثّقه، فاضله، كامله، عابده آل علي، معصومه صغري، امينة الله، نائبة الزهراء، نائبة الحسين، عقيلة النساء، شريكة الشهداء، بليغه، فصيحه، و شريكة الحسين. (1) همچنين به سبب سختي هاي بسياري كه در طول عمرش تحمل كرد، به او لقب «ام المصائب» نيز داده اند. (2)

حضرت زينب سلام الله عليها به همراه دو فرزندش، در كربلا حضور داشت

و هر دو فرزندش به شهادت رسيدند. با پايان يافتن جنگ، وي و ديگر بازماندگان كاروان امام، اسير گشتند و به كوفه و شام برده شدند. خطبه هاي او در كوفه و شام و مجلس يزيد، معروف است. وي در سال 62 هـ.ق درگذشت. مرقد مطهر وي، در دمشق سوريه مي باشد.

□

ص: 114

1- . نورالدين جزائري، الخصائص الزينية، ص 52.

2- . الامين، اعيان الشيعة، ج 7، ص 137.

تقش حضرت زینب سلام الله علیها در اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ را از چند منظر می توان به تماشا نشست: عزاداری حضرت زینب سلام الله علیها برای کشته شدگان کربلا؛ تسلی دادن حضرت زینب سلام الله علیها به دیگر اسرا؛ صبر و استقامت او در مقابل مصائب و مشکلات؛ معرفی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و شناساندن راه و اهداف او؛ رساندن پیام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به آیندگان و ...

عزاداری: یکی از مصادیق عزاداری، گریبان چاک کردن است. آنچه از مقاتل برداشت می شود، این است که زینب کبری سلام الله علیها در مصیبت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، سه بار گریبان خود را چاک کرد:

نخستین بار، در شب عاشورا بود. وقتی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ با خواندن اشعاری، خبر از مرگ و شهادت خود داد، زینب سلام الله علیها به صورت خود سیلی زد و گریبانش را چاک کرد

1. و از هوش رفت. «ثُمَّ لَطَمَتْ عَلَى وَجْهِهَا وَأَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَ خَرَّتْ مَعْشِيَةً عَلَيْهَا».(1)

2. بار دوم، در مجلس یزید بود. وقتی سر بریده امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را دید، گریبان چاک کرد. «وَأَمَّا زَيْنَبُ فَإِنَّهَا لَمَّا رَأَتْ رَأْسَ الْحُسَيْنِ ع أَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ».(2)

3. مرتبه سوم، در روز اربعین بود. در برخی مقاتل آمده است: هنگامی که زینب سلام الله علیها به کربلا رسید، ناگهان از جمع زنان، دور شد و گریبان خود را چاک کرد و با صدای سوزناک، ناله زد: «وای برادرم! وای حسینم! وای محبوب رسول خدا! وای فرزند مکه و منی! وای پسر فاطمه زهرا! وای

ص: 115

1- . إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ قدیم، ص 239.

2- . مثير الأحزان، ص 100.

پسر علی مرتضیٰ! آه! و باز هم آه!». سپس بر زمین افتاد و از هوش رفت.

«فَخَرَجَتْ زَيْنَبُ فِي الْجَمْعِ وَ أَهْوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَ نَادَتْ بِصَوْتٍ حَزِينٍ يَقْرَحُ الْقُلُوبَ: وَ أَخَاهُ! وَ حَسِينَاهُ! وَ حَبِيبَ

رَسُولِ اللَّهِ! وَ ابْنَ مَكَّةَ وَ مِنِي! وَ ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ! وَ ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى! آه، ثُمَّ آه» (1).

غم زدایی: همه افرادی که در کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام حضور داشتند، یکی دو تن از عزیزان خود را از دست داده بودند؛ ولی حضرت زینب سلام الله علیها فرزندان و برادران و برادرزادگان خود را از دست داده بود و مصائب او، بیش از دیگران بود. با این حال، او بود که اسیران را برای زیارت شهدای کربلا آماده کرد و تسلیی بر دل داغ دیده آنان بود.

شکیبایی و روشن گری: اربعین، ثمره اسارت و استقامت چهل روزه زینب سلام الله علیها بود که راز شهادت امام حسین علیه السلام را برای مردم آن زمان، روشن کرد؛ برای مردمی که هنوز حسین علیه السلام را نشناخته بودند و اصلاً نمی دانستند که حسین علیه السلام مسلمان بود یا یک شورشی بیرون آمده از دین! درخت صبر و بردباری زینب سلام الله علیها در روز اربعین به ثمر نشست و حرکت امام حسین علیه السلام را تکمیل کرد. بنا بر این، می توان گفت که شیعه، ایمان مأخوذ از اربعین را مدیون حضرت زینب سلام الله علیها است.

ص: 116

1- . المازندرانی، معالی السبطين، ج 2، ص 198.

سکینه بنت الحسین علیهما السلام

سکینه سلام الله علیها، یکی از دختران امام حسین علیه السلام بود و مادرش، «رباب» نام داشت. نام سکینه، آمنه یا امینه یا امیمه بود و مادرش به سبب سکون و آرامش و وقاری که در دخترش می دید، او را سکینه لقب داد. (1)

سکینه، مورد علاقه و محبت پدر بزرگوارش بود؛ به گونه ای که در برخی از منابع نقل شده است که امام حسین علیه السلام در توصیف علاقه خود به او و مادرش رباب، چنین سرود:

لَعَمْرُكَ إِنِّي لِأَحَبُّ دَارًا تَكُونُ بِهَا سَكِينَةُ وَ الرَّبَابُ

أُحِبُّهُمَا وَ أَبْذُلُ جُلَّ مَالِي وَ لَيْسَ لِعَاتِبٍ عِنْدِي عِتَابٌ

یعنی: «به جانت سوگند! خانه ای را که سکینه و رباب در آن باشند، دوست دارم. آن دورا دوست دارم و همه ثروتم را در این راه می بخشم و سرزنش

ص: 117

1- . ابن خلکان، وفيات الاعیان و أبناء أبناء الزمان، ج 2، ص 397.

سکینه سلام الله علیها و مادرش در حادثه کربلا حضور داشتند. پس از واقعه عاشورا، به همراه خاندان رسالت و دیگر بانوان حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام، به اسارت دشمن درآمد. او با کاروان اسرا، به کوفه و شام برده شد و در روز اربعین، به کربلا بازگشت.

وداع و مرثیه سرایی ایشان در طول ماجرای کربلا، معروف است و حاکی از شدت علاقه او نسبت به حضرت سیدالشهدا علیه السلام می باشد. از نوشته های مقتل نویسان برمی آید که حضرت سکینه سلام الله علیها، سه وداع با سیدالشهدا علیه السلام داشته است:

نخستین وداع، در عصر روز عاشورا رخ داد؛ هنگامی که سیدالشهدا علیه السلام در قید حیات بود و می خواست به میدان برود. امام با تک تک زنان اهل بیت وداع کرد و سپس نزد دخترش سکینه سلام الله علیها رفت که در گوشه خیمه نشسته بود و می گریست. امام او را به صبوری دعوت کرد و در آغوش کشید و اشک از چشمان او پاک کرد و فرمود:

سَيَطُولُ بَعْدِي يَا سَكِينَةَ فَأَعْلِمِي مِنْكَ الْبُكَاءُ إِذَا الْحِمَامُ دَهَانِي

لَا تُحْرِقِي قَلْبِي بِدَمْعِكَ حَسْرَةً مَا دَامَ مِنِّي الرُّوحُ فِي جُثْمَانِي

فَإِذَا قُتِلْتُ فَأَنْتِ أَوْلَى بِالَّذِي تَبْكِينَهُ يَا خَيْرَةَ النَّسْوَانِ

یعنی: سکینه جان! بدان که پس از من، گریه تو طولانی خواهد بود. پس تا زمانی که جان در بدن دارم، با اشک حسرت بار خود، مرا مسوزان. ای بهترین زنان! آنگاه که من کشته شدم، تو برای گریه سزاوارتر هستی» (2).

ص: 118

1- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ج 16، ص 94.

2- قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج 3، ص 79.

دومین وداع، در عصر روز یازدهم محرم و با بدن تکه تکه و بی سر سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ صورت گرفت. وقتی اهل بیت را از قتلگاه عبور دادند و چشم آنان به شهدا افتاد، تاب نیاوردند و خود را از مرکب ها بر زمین انداختند. ناله زنان و شیون کنان، به سر و صورت خود زدند و هر کدام، بر بالای سر شهیدی رفتند. زینب، ام کلثوم، سکینه و فاطمه علیهم السلام در کنار بدن تکه تکه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ جمع شدند و ناله سر دادند. سکینه سلام الله علیها، پیکر خونین پدر را در آغوش گرفت و گریه کرد؛ تا عده ای از عرب ها جمع شدند و او را از جسد پاک پدرش جدا کردند. (1)

در مصباح کفعمی، از قول حضرت سکینه سلام الله علیها آمده است: هنگامی که پدرم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ شهید شد، او را بغل کردم و بیهوش شدم. در آن حال شنیدم پدرم می گوید:

شِيعَتِي مَا اِنْ شَرِبْتُمْ رَيِّ عَذْبٍ فَادْكُرُونِي

اَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ اَوْ شَهِيدٍ فَانْدُبُونِي

یعنی: «ای شیعه من! هر گاه آبی گوارا نوشیدی، مرا یاد کن. هر گاه داستان غریب یا شهیدی را شنیدی، برای من گریه کن». وقتی به هوش آمدم، بی تاب شدم و به صورت خود زدم. ناگهان شنیدم هاتقی می گوید:

بَكَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ عَلَيْهِ بِدُمُوعٍ غَزِيرَةٍ وَدِمَاءٍ

تَبْكِيَانِ الْمَقْتُولَ فِي كَرْبَلَاءَ بَيْنَ غَوْغَاءِ أُمَّةٍ أَدْعِيَاءِ

مُنِعَ الْمَاءَ وَهُوَ عَنْهُ قَرِيبٌ عَيْنُ ابْنِي الْمَمْنُوعِ شُرْبَ الْمَاءِ

ص: 119

يعني: «زمین و آسمان، با اشك و خون بر او گریستند؛ بر کسی گریه کردند که در کربلا و در میان امتی که او را دعوت کرده بودند، به شهادت رسید. او را از نوشیدن آب منع کردند، در حالی که در کنار آب بود. ای چشم! برای کسی که از نوشیدن آب منع شد، اشك بریز!» (1)

در روایت دیگر آمده است: حضرت سکینه سلام الله علیها خود را بر روی جسد مبارک پدر انداخت و چند بار فریاد زد تا بیهوش شد. وقتی به هوش آمد، گفت: از پدرم شنیدم که می فرمود:

شيعتي مهما شربتم

ماء عذب فاذكروني

أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَأَنْدُبُونِي

فَأَنَا السَّبْطُ الَّذِي مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ قَتَلُونِي

وَبَجَرَدِ الْخَيْلِ بَعْدَ الْقَتْلِ عَمْدًا سَحِقُونِي

لَيْتَكُمْ فِي يَوْمِ عَاشُورَا جَمِيعًا تَنْظُرُونِي

كَيْفَ اسْتَسْقَى لِيَطْفُلِي فَأَبُوا أَنْ يَرْحَمُونِي

وَسَقَوْهُ سَهْمَ بَعْغِي عَوْضَ الْمَاءِ الْمَعِينِ

يَا لِرُزْءٍ وَ مُصَابٍ هَذَا أَرْكَانَ الْحَجَّوْنَ

وَيَلَهُمْ قَدْ جَرَحُوا قَلْبَ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ

فَالْعَنُوهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ شِيعَتِي فِي كُلِّ حِينٍ

«ای پیروان من! هر گاه آب گورا نوشیدید، مرا یاد کنید و هر گاه داستان غربت غریبی یا شهادت شهیدی را شنیدید، بر من بگریید. من نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هستم. مرا بی گناه کشتند و با تاختن اسب، بدنم را خرد کردند. ای کاش همه شما در روز عاشورا بودید و

می دیدید که چگونه برای طفل خردسال آب خواستم و آنان بر من رحم نکردند. به جای آب گوارا، تیر ستم به کودک خردسالم چشانند. وای از این مصیبت بزرگ و دردناک که پایه های کوه بلند حجون (2) را به لرزه درمی آورد! وای بر آنان که قلب رسول جن و انس را جریحه دار کردند!

1- . ابوالحسن شعراني، دمع السجوم في ترجمة نفس المهموم، ص 204.

2- . نام كوهي است در مکه.

اي شيعيان من! تا مي توانيد، در همه حال آنان را لعنت كنيد». (1)

سومين وداع، با قبر مطهر سيدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ بود كه در روز اربعين رخ داد. در برخي منابع آمده است: هنگامي كه امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ به كاورانيان فرمود وسايل سفر را مهيا سازند و از كربلا به سوي مدينه حركت نمايند، شترها و محملها آماده شد. در اين هنگام، سكينه سلام الله عليها گريه كرد و بانوان را به وداع با قبر شريف پدر طلبيد. بانوان در اطراف قبر، حلقه زدند و سكينه سلام الله عليها قبر پدر را در آغوش گرفت و به شدت گريه كرد و شيون و ناله سر داد و گفت:

أَلَا يَا كَرْبَلَا نُودِعُكَ جِسْمًا بِلَا كَفْنٍ وَلَا غُسْلٍ دَفِينًا

أَلَا يَا كَرْبَلَا نُودِعُكَ رُوحًا لِأَحْمَدٍ وَالْوَصِيِّ مَعَ الْأَمِينَا

يعني: هان اي كربلا! پيكرتي را به تو مي سپاريم كه بدون غسل و كفن، در اين مكان دفن شده است. هان اي كربلا! ما به همراه امين مان (امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ) كسي را به تو مي سپاريم كه روح پيامبر صلي الله عليه و آله وسلم و روح وصي پيامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ بود. (2)

مرحوم فاضل دربندي، اين ماجرا را با تفصيل بيشتري از زبان ابي مخنف نقل کرده است: خاندان رسالت تا سه روز پس از اربعين، در كربلا ماندند و در روز چهارم كه نداي الرحيل بلند شد و دستور حركت صادر گرديد، سكينه سلام الله عليها صيحه اي زد و به بانوان حرم گفت كه به كنار قبر پدرم برگريد تا با او وداع كنم. بانوان رفتند و اطراف او را گرفتند. او قبر را در بغل گرفت و به شدت گريه كرد و از هوش رفت. هنگامي كه به هوش آمد، شروع به مرثيه سرايي كرد:

ص: 121

1- . فاضل دربندي، اسرار الشهادة، ص 462.

2- . معالي السبطين، ج 2، ص 198.

رَحَلْنَا يَا أَبِي بِالرَّغْمِ مِنَّا أَلَا فَانظُرْ إِلَيَّ مَا حَلَّ فِيْنَا

أَلَا يَا كَرْبَلَا أَوْدَعْتَ جِسْمًا بِلاَ غُسْلٍ وَ لَا كَفْنٍ دَفِينَا

أَلَا يَا كَرْبَلَا أَوْدَعْتَ نُورًا لِيَارِ الْخَلْقِ طُرًّا أَجْمَعِينَا

أَلَا يَا كَرْبَلَا أَوْدَعْتَ كَنْزًا وَ ذُخْرَ الْقَاصِدِينَ الزَّائِرِينَا

يعني: «بابا! دلمان نمي خواهد برويم، ولي به زور ما را مي برند. بين چه بلایي به سرمان آمده است؟ اي كربلا! جسمي را در خود جاي داده اي که غسل و کفن ندارد. اي كربلا! تو نوري را در خود جاي داده اي که از نور خالق خلق است. اي كربلا! تو گنج و پس اندازي را براي مسافران و زيارت کنندگان، در خود جاي داده اي». (1)

سید بن طاووس

ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس حلّی، ملقب به رضی الدین و مشهور به سید بن طاووس، در نیمه محرم سال 589 هـ.ق، در شهر حلّه عراق متولد شد. (2) نسب او با 13 واسطه، به امام حسن مجتبی علیه السّلام می رسد. از طرف مادري نیز، از نوادگان امام سجاد علیه السّلام به حساب مي آید. از این رو، به وي «ذو الحسین» مي گویند. (3)

علت شهرت او به ابن طاووس، این بود که جدش ابو عبدالله احمد بن محمد، چهره ای زیبا داشت، اما همانند طاووس، تناسبي

بين پاها و چهره زیبايش نبود. از این رو، به طاووس شهرت داشت و به فرزندان و نوادگانش،

ص: 122

1- . أسرار الشهادة، ص 526.

2- . أکمونه، موارد الإتحاف، ج 1، ص 107.

3- . سید بن طاووس، کشف المحجّه، ص 294.

ابن طاووس گفته می شد. (1)

سید بن طاووس، تحصیلات خود را در شهر حله آغاز کرد و علوم مقدماتی را از پدر و جدش ورام بن ابی فراس آموخت. سپس به کاظمین و بغداد رفت و به مدت 15 سال، ساکن بغداد شد و به تدریس علوم مختلف پرداخت و شاگردانی همچون علامه حلی و شیخ یوسف سدیدالدین - پدر علامه حلی - را پرورش داد.

او که برای پذیرش پست های حکومتی، تحت فشار دولت عباسی قرار گرفته بود، از بغداد به حله بازگشت. پس از حمله مغول و برچیده شدن عباسیان، دوباره به بغداد رفت و نقابت شیعیان را پذیرفت. (2)

وی در پنجم ذی القعدة 664 ه.ق، در سن 75 سالگی درگذشت و طبق وصیتش، او را به نجف اشرف منتقل نمودند و در حرم امیرالمؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ به خاک سپردند.

او نزدیک به 50 تألیف دارد که بسیاری از آن ها، در موضوعات دعا و زیارت است؛ از جمله کتاب های المهمات و التتمات، کشف المحجبه لثمره المهجه، مصباح الزائر و جناح المسافر، مهج الدعوات

و منهج العبادات، و الملهوف علی قتلی الطفوف که به لهوف مشهور است. زیارت نامه جابر در روز اربعین را او برای نخستین بار، در کتاب مصباح الزائر نقل کرده است.

ص: 123

1- . قمی، الکنی و الألقاب، ج 1، ص 341.

2- . ابن عنبه، الفصول الفخریه، ص 131.

شرح زیارت اربعین

فراز اول: سلام های توصیفی

در ابتدای زیارت ، امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ اصالت خانوادگی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را بیان می نماید و می فرماید: «سلام بر ولی خدا و دوست او! سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او! سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش! سلام بر حسین مظلوم و شهید! سلام بر اسیر گرفتاری ها و کشته اشک روان!»

برای سلام، معانی مختلفی ذکر شده است:

1. سلام، یکی از نام های خدا است؛ یعنی خداحافظ تو باشد.

2. سلام، به معنای تسلیم است.

3. سلام، به معنای سلامتی است.

پس سلام به معنای آسایش، امنیت و سلامتی است. وقتی شخص زائر، در حضور امام می ایستد یا از دور، ایشان را در ذهن خود مجسم میکند و سلام

ص: 125

میدهد، یعنی اینکه با تمام وجود، به امام عرضه می دارد که من تسلیم محض شما هستم و هیچ آزار و آسیبی از طرف من به شما نخواهد رسید.

آزار رساندن به امام، تنها منحصر به بعد مادی نمی شود، بلکه بعد معنوی و غیرمادی را نیز شامل میگردد. وقتی هدف امام، چیزی جز هدایت و اصلاح مردم و اعتلای کلمه توحید و ترویج طاعت و بندگی خداوند نیست، مسلماً معصیت و تخلف از اوامر و نواهی الهی و ارتکاب به اخلاق ناپسند از قبیل کبر، حرص، ریا، بخل، حب قدرت، غیبت و آزار رساندن به مخلوقات خدا، موجب آزار و اذیت امام خواهد شد. پس زائر باید به گونه ای باشد که مورد رضایت امام قرار گیرد، نه مایه اذیت و آزار آن حضرت گردد. در این صورت است که سلام او، صادقانه خواهد بود. از این رو، باید دل را با توبه شست و شوداد و اشک پشیمانی از دیده فروریخت و سپس به امام، سلام داد.

وقتی زائر به امام سلام می کند، خود را به او نزدیک می نماید و با تکرار این واژه، روح و روان خود را از رذایل و پستیها و آلودگی ها پاک می سازد. وقتی سلام را با ادب و خلوص و اشک و آه، بردل القا می کند، سلامتی کامل درونی حاصل می شود و سزاوار آن می گردد که جواب سلامی از طرف امام، دریافت نماید.

زائر با عرض سلام بر امام و یارانش، چهره اجتماعی - سیاسی خود را نمایان می سازد و اعلان میدارد که نه تنها با بُت درون مبارزه می کند، بلکه همانند خود آن بزرگوار، به مبارزه با طاغوتیان و ظالمان و مستبدان و خائنان به مردم

برمی خیزد و با این سلام، خود را در زمره یاران و پیروان آن حضرت قرار میدهد.

فراز دوم: گواهی بر عظمت و برتری امام حسین علیه السلام

«خدایا! گواهی میدهم که او، ولیّ (نماینده تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که به بزرگداشت تو کامیاب شد. تو او را به وسیله شهادت، گرامی داشت و به سعادت، مخصوصش گرداندی و او را به پاکزادی برگزیدی. او را آقای از آقایان و پیشوایی از پیشوایان و مدافعی از مدافعان حق قراردادی. میراث انبیا را به او عطا فرمودی و از میان اوصیا، او را حجت بر بندگانت قراردادی».

هر کس در این دنیا، توسط چیزی و یا عملی به عزت میرسد. امام صادق علیه السلام در این فراز از زیارت، بیان می دارد که امام حسین علیه السلام ولی خدا و فرزند ولی خدا بود، برگزیده و پسر برگزیده خدا بود، همه آثار و علائم بزرگی در ایشان وجود داشت، اما خدا به وسیله شهادت، به او عزت بخشید و وی را به سعادت رساند. خدا در حالی به امام حسین علیه السلام و اهل بیتش، کرامت و شرافت داد که در فجیع ترین وقایع و جنایات قرار گرفتند. اگرچه مدت زمان جنگ، بسیار کم بود، اما در این مدت کم، انواع و اقسام جنایات و پستیها را دیدند. شهید مطهری می نویسد: «یک وقت حساب کردم و ظاهراً در حدود بیست و یک نوع پستی و لثامت در این جنایت دیدم. خیال نمیکنم در دنیا، چنین جنایتی پیدا بشود که تا این اندازه، تنوع داشته باشد».⁽¹⁾

ص: 127

فراز سوم: اهداف قیام امام حسین علیه السلام

«او در دعوتش، جای عذری باقی نگذاشت و از خیرخواهی دریغ نورزید و جانش را در راه تو بخشید تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند».

امام حسین علیه السلام پیش از این که از مکه خارج شود، وصیت نامه ای را به برادرش محمد حنفیه نوشت و در آن، اهداف خود را از قیام، این گونه اعلام فرمود: «من برای اصلاح دین جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و امر به معروف و نهی از منکر قیام می نمایم». با مطالعه تاریخ، درمی یابیم که در زمان امام حسین علیه السلام تغییرات بسیاری در دین پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد شده بود و بدعت های فراوانی پدید آمده بود. امام برای این که حقیقت دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله حفظ شود و دینی سالم به نسل های بعدی انتقال یابد، هیچ راهی جز قیام نداشت؛ تا اعلام نماید که حقیقت دین اسلام، به یغما رفته است و دین کنونی، دینی تحریف شده می باشد که خلفا برای حکومت نامشروع خود، بدان تمسک جسته اند. پس امام حسین علیه السلام قیام کرد تا پیام دین واقعی را به گوش حقیقت جویان برساند.

فراز چهارم: قاتلان امام حسین علیه السلام

«کسانی که دنیا فریبشان داده بود، بر ضد او همدست شدند و بهره خود را به بهایی ناچیز فروختند. آخرتشان را در مقابل بهایی اندک معامله کردند و کبر ورزیدند و خود را در چاه هوا و هوس، سرنگون ساختند. تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگان، آنانی را پیروی کردند که اهل دودستگی و نفاق بودند و بارهای سنگین گناه را بر دوش می کشیدند و استحقاق آتش داشتند. او با شکیبایی و پاداش جویی، با آنها جهاد کرد تا در راه پیروی تو، خونس ریخت و حریم مقدسش شکسته شد. خدایا! آنان را به لعنتی وبال

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این فراز، قاتلان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را توصیف می نماید. برای اینکه درك بهتری از کلام امام داشته باشیم، به معرفی دو تن از قاتلان می پردازیم:

1. عمر بن سعد بن ابی وقاص: پدرش در سالهای نخست بعثت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مسلمان شد و در راه دین، شکنجه و محرومیت دید. فتح ایران و بنای کوفه، به دست او انجام شد. همانند بسیاری از یاران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دنیاپرستی بر او غالب گشت و در ماجرای خلافت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با آن حضرت بیعت نکرد. او در سال 55 یا 58 ه.ق از دنیا رفت.

خود عمر بن سعد نیز به خاطر شخصیت معروف پدرش، نام درخشانی داشت؛ اما دنیاپرست و بُزدل بود و رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ او را مذمت نمودند. به همین جهت، پدرش از او راضی نبود و وی را از ارث محروم کرد. (1)

عمر بن سعد، پیش از واقعه عاشورا و ورود امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به سرزمین کربلا، مأموریت یافته بود که با چهار هزار تن از مردم کوفه، به همدان برود و یکی از شهرهای این سرزمین را باز پس گیرد. فرمان حکومت ری نیز به نام وی صادر شده بود. نقش او در جریان حادثه کربلا، بسیار اساسی بود و از سوی ابن زیاد، فرماندهی کل را برعهده داشت.

2. شمر بن ذی الجوشن: وی در زمان امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ جزو شیعیان و طرفداران حضرت به شمار می رفت. در جنگ صفین، از افراد تحت

ص: 129

فرمان امیر مؤمنان عَلِيهِ السَّلَامُ بود و در جنگ با معاویه شرکت داشت و شجاعت زیادی از خود نشان داد. (1) با این حال، همانند تعدادی از دوستان حضرت، عاقبت به خیر نشد و در اثر گرفتاری های نفسانی، در ردیف دشمنان حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ و طرفداران بنی امیه قرار گرفت. او یکی از سران و فرماندهان لشکر ابن زیاد در حادثه کربلا بود.

اینها دو نمونه از قاتلان امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ بودند که به سبب دنیاپرستی و مقام دوستی، وسوسه شدند و با فرزند پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جنگیدند و امام را به شهادت رساندند. دلایل نقلی و تاریخی، متذکر این نکته است که عوامل دنیا پرستی و منفعت طلبی، نقش اساسی در حادثه کربلا داشته اند.

فرزدق شاعر می گوید: من در سال شصت هجری که با مادرم، از کوفه عازم مکه و انجام مراسم حج بودم، با حسین عَلِيهِ السَّلَامُ ملاقات کردم. او از من پرسید: «از کوفه چه خبرداری؟». گفتم: «قُلُوبُ النَّاسِ مَعَكَ وَ سُدُوفُهُمْ مَعَ بَنِي أُمَيَّةَ؛ دل های مردم با تو است و شمشیرهایشان با بنی امیه است». (2) حسین عَلِيهِ السَّلَامُ گفت: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛ به راستی که مردم، بندگان دنیا هستند و دین، لقلقه زبان آن ها است. دین را فقط زمانی می خواهند که وسیله ای برای تأمین دنیای آنان باشد؛ اما وقتی که با گرفتاری و بلا، مورد آزمایش قرار می گیرند، دینداران حقیقی، بسیار اندک می شوند». (3)

ص: 130

1- تاریخ طبری، ج 6، ص 16.

2- مقتل مقرر، ص 206.

3- کشف الغمه، ج 2، ص 308.

«سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند سرور اوصیاء! گواهی میدهم که تو امانت دار خدا و فرزند امانت دار او هستی. سعادت‌مند زیستی، ستوده رفتی، و گم گشته و ستم‌دیده و شهید درگذشتی. گواهی میدهم که خدا به وعده ای که به تو داده، وفا می کند و هر که را که دست از یاری ات برداشت، هلاک می نماید و کسی که تو را کشت، عذاب خواهد کرد. گواهی میدهم که تو به عهد خدا وفا کردی و در راه او جهاد نمودی تا مرگت فراسید.»

به دلیل موقعیت خاصی که برای امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ پیش آمد، توانست درسهای زیادی را به طور عملی، به انسان ها و جوامع بشری بدهد. در اینجا، برخی از آنها را به اختصار، بیان میکنیم:

الف. فضایل شخصی و فردی:

1. توحید و عرفان
2. عبادت و بندگی
3. دور شدن از خودبینی‌گانی در برابر دنیا و خواسته های آن
4. تسلیم در برابر رضای خداوند
5. شناخت و آگاهی نسبت به همه ارزشهای الهی و انسانی
- 6 شجاعت و مرّوت
7. استقامت و پایداری در برابر ناملازمات و سختیها
8. عزت نفس و مناعت طبع
9. عفو و بخشش
10. نترسیدن از مرگ و شهادت و استقبال نمودن از آن

ب. اجتماعی و سیاسی :

1. ایثار و از خودگذشتگی

2. وفاداری

3. برابری و نفی تبعیض های ناروا

4. عزت سیاسی

5. امر به معروف و نهی از منکر

6. نبودن پیروزی حقیقی در اکثریت

7. قربانی کردن مصلحت در پای حقیقت

8. مبارزه با زورگویی و استبداد و عدم بیعت با مستبدان

9. جدا نبودن سیاست از دیانت و یکی بودن حماسه و عرفان

این درسها و پیام ها، قطره ای از دریای بیکران از عالی ترین نمونه انسانیت است. حال چگونه ممکن است کسی خود را با آن امام همام عَلَیْهِ السَّلَام همهانگ سازد و در نزد خدا، وجیه و آبرومند نگردد و عاقبت به خیر نباشد! چگونه ممکن است انسانی در بُعد فردی و اجتماعی و سیاسی، همگون و هم عقیده و هم جهت با آن حضرت باشد و در آخرت، از مقام قرب و رحمت و مغفرت، به دور باشد! اصولاً تضمین آخرت و سعادت اخروی، بستگی به سعادت در دنیا دارد. وقتی دانستیم چه ارزشی در همراهی با امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام نهفته است، با تمام خضوع و خشوع، از خدا می خواهیم که به واسطه همراهی با امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، به جاهت و مقبولیت در بارگاه ربوبی برسیم.

فراز ششم: تجدید بیعت با سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت. خدا لعنت کند کسی را که به تو

ص: 132

ستم کرد. خدا لعنت کند مردمی را که شنیدند و به آن راضی شدند. خدایا! تو را گواه می گیرم که با هر که حسین عَلَیْهِ السَّلَام را دوست دارد، دوست هستم و با هر که حسین عَلَیْهِ السَّلَام را دشمن می دارد، دشمن هستم. پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا!»

طبق این فراز، پیروی ما از حضرات معصومین عَلَیْهِ السَّلَام باید به گونه ای باشد که با دوستان آنان، دوست باشیم و با دشمنان آنان، دشمنی کنیم و در همه شادی ها و خوشی ها و در همه گرفتاری ها و سختی ها، همانند خود آنان باشیم. مگر ممکن است پیرو حقیقی، در صلح و آرامش، با اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَام باشد و در جنگ و محاربه، بی تفاوت گردد یا رو در روی آنها قرار گیرد؟ معنای حقیقی شیعه، پیروی در همه حالات و لحظه ها است و روحش با امام، متحد و یگانه می باشد.

پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از آن که اهل کساء را در زیر عباي خود گردآورد، روبرو آسمان گرفت و عرضه داشت: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلِمُنِي مَا يُؤْلِمُهُمْ، وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ؛ پروردگارا! اینها خاندان و خاصان و یاوران من هستند. گوشت آنان، گوشت من و خون آنان، خون من است. آنچه که ایشان را بیازارد، مرا آزرده است و آنچه که آنان را به زحمت افکند، مرا به زحمت افکنده است. هر که با آنان بجنگد، با من جنگیده است و هر که با آنان در صلح باشد، با من در صلح است. هر که با آنان دشمنی ورزد، با من دشمنی ورزیده است و هر که آنان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است. من از آنانم و آنان از من هستند»⁽¹⁾.

ص: 133

امام صادق عَلَيهِ السَّلَام و در ادامه زیارت نامه می فرماید: «بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي»؛ یعنی: پدر و مادرم به فدای تو باد! حرف باء در این جا، برای تقدیه (فدا و قربانی شدن) است. یعنی اگر بلا یا آفتی خواست بر تو وارد شود، خداوند، جان پدر و مادر مرا فدیهِ و قربانی تو کند و بدین وسیله، بلا را دور سازد و تو را ننگه دارد. البته این دعا در واقع برای احترام و نشان دادن جلالت و بزرگی طرف مقابل است؛ همانند الفاضی چون فدایت شوم و قربانت گردم که در زبان و زمان ما، برای احترام بیان می شود.

البته این لفظ، در مورد مخاطب زنده به کار می رود؛ ولی ما امام عَلَيهِ السَّلَام را زنده به حیات ابدی میدانیم و با این لفظ، او را مخاطب قرار می دهیم. همچنین می تواند به این معنا باشد که ما نهایت اتصال و اتحاد را با امام عَلَيهِ السَّلَام داریم؛ به طوری که کشته شدن او، همانند مردن ما و پدر و مادر ما می باشد و وقتی آن بزرگوار کشته شد، ما و پدر و مادر ما، هزاران بار مردیم و زنده شدیم. خود اباعبدالله عَلَيهِ السَّلَام نیز در روز عاشورا فرمود: «الْيَوْمَ مَاتَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ؛ امروز، جدم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُتِبَ شَدْ». «کشته شد».

فراز هفتم: اصالت خاندان امام حسین عَلَيهِ السَّلَام

«گواهی میدهم که تو نوری در پشت پدران بلندمرتبه و رحم های پاکیزه بودی. اوضاع زمان جاهلیت، تو را به آلودگی هایش نیالود و از لباس های چرکینش بر تنت نکرد. گواهی میدهم که تو از پایه های دین و ستونهای محکم مسلمین و پناهگاه مؤمنین هستی. گواهی میدهم که تو پیشوای نیکوکار و باتقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای».

فراز هشتم: توصیف فرزندان امام حسین علیه السلام

«گواهی میدهم امامانی که از اولاد و ذریه تو می باشند، حقیقت تقوا و نشانه هدایت و رشته های محکم فضیلت و حجت بر مردم دنیا هستند».

فراز نهم: اعتقادات شیعی

گواهی میدهم که به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم و در انجام کارهایم، بر طبق دستورهای دین عمل می نمایم. قلبم، تسلیم قلب شما است و کارم پیرو کار شما است و آماده یاریتان هستم تا خدا به شما اجازه ظهور دهد. من با شما هستم، نه با دشمنان شما».

فراز دهم: صلوات بر اهل بیت علیه السلام

«درود خدا بر شما و بر روانتان و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان! ای پروردگار جهانیان! دعاهایمان را مستجاب گردان» (1).

فراز نهم: اعتقادات شیعی

«گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم و در انجام کارهایم، بر طبق دستورهای دین عمل می کنم. قلبم، تسلیم قلب شما است و کارم پیرو کار شما است و آماده یاری تان هستم تا خدا به شما اجازه ظهور دهد. من با شما هستم، نه با دشمنان شما».

فراز دهم: صلوات بر اهل بیت علیه السلام

«درود خدا بر شما و بر روانتان و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان! ای پروردگار جهانیان! دعاهایمان را مستجاب گردان» (2).

شعر اربعین

اشاره

شعر اربعین

در ارتباط با اربعین، اشعار فراوانی سروده شده است که در کتاب ها و پایگاه های اینترنتی، اشعار بسیاری را می توان از شعرای مختلف به دست آورد. در اینجا، چند نمونه از آن ها را ذکر می کنیم.

ص: 135

آیت الله صافی گلپایگانی دامت ظلّه

اربعین است و دل از سوگ شهیدان خون است *** هر که را می نگرّم غمزده و محزون است
زینب از شام بلا آمده یا آن که ربّاب *** کز غم اصغر بی شیر، دلش پر خون است
یا که لیلی به سر قبر پسر آمده است *** اشکش از دیده روان همچو شطّ جیحون است
مادر قاسم ناکام که می نالد زار *** بهر آن طلعت زیبا و قد موزون است
در ره کوفه و در شام و سرا ظلم یزید *** کس نپرسید ز سجّاد که حالت چون است
دختر شیر خدا ناطقة آل رسول *** کز نهیب سخنش کفر و ستم موهون است
کرد ایراد چنان خطبه و ثابت بنمود *** که یزید شقی از دین خدا بیرون است
زنده دین مانده ز تصمیم و ز ایثار حسین *** حق و حرّیت و اسلام به او مدیون است
هان بیایید و ببینید که در راه خدا *** صحنه رزم ز خون شهدا گلگون است
آه و افسوس که کشتند لب تشنه امام *** زخم بر پیکر پاکش ز عدد افزون است
قصه کرب و بلا قصه صبر است و قیام *** به فداکاری و جانبازی و دین مشحون است
تا ابد نام حسین بن علی در تاریخ *** با ثبات قدم و نصرت حق، مقرون است
جاودان عزت حزب الله و انصار خدا است *** خیمه باطل و احزاب دگر وارون است
هر که در حصن ولایت رود از روی خلوص *** ز آتش دوزخ و آن هول و خطر، مأمون است
«لطفی» از عاقبت کار مکن قطع امید *** که به الطاف حسین بن علی میمون است

غلامرضا سازگار (میثم)

ای ساربان! ای ساربان! محمل نگهدار *** آمد به منزل کاروان، منزل نگهدار
محمل مران، محمل مران، شهر دل اینجاست *** این کاروان خسته دل را منزل اینجاست
اینجا بهار بی خزان من خزان شد *** از برگ برگ لاله هایم خون روان شد
اینجا همه دار و ندارم را گرفتند *** باغ و گل و عشق و بهارم را گرفتند

اینجا به خاک افتاده بود و هست عباس *** هم مشک خالی، هم علم، هم دست عباس

اینجا ز هم پیشانی اکبر جدا شد *** بابا تماشا کرد و فرزندش فدا شد

اینجا ز آل الله منع آب کردند *** با تیر، طفل شیر را سیراب کردند

اینجا صدای العطش بیداد می کرد *** بر تشنه کامان، آب هم فریاد می کرد

اینجا همه از آل پیغمبر بریدند *** ریحانه خیر البشر را سر بریدند

اینجا ستم بر عترت و بر آل گردید *** قرآن به زیر دست و پا پامال گردید

اینجا به خون غلطید یک گردون ستاره *** اینجا کشید از گوش، دشمن گوشواره

اینجا زدند آل علی را ظالمانه *** شد یاس ها نیلوفری از تازیانه

اینجا عدو بر زخم پیغمبر نمک زد *** هر برگ گل را مهوری از غضب فدک زد

اینجا ز گریه ناقه ها در گل نشستند *** دُر دانه های وحی در محمل نشستند

ای کربلا! گل های سرخ یاس من کو؟ *** ای وادی خون! اکبر و عباس من کو؟

با غنچه نشکفه پرپر چه کردی؟ *** با حنجر خشک علی اصغر چه کردی؟

خون جگر از دیده ام بر چهره جاریست *** پیراهن آوردم به همراه، یوسفم نیست

خاموش و در دل گفتگو با یار دارم *** در سینه داغ هیجده دلدار دارم

بعد از حسین از عمر خود آزرده بودم *** ای کاش من با آن سه ساله مرده بودم

اشکم به رخ، آهم به دل، سوزم به سینه *** بی تو چگونه من روم سوی مدینه

ای کاش چون تو پیکرم صد چاک می شد *** ای کاش جسمم در کنارت خاک می شد

گیرم که زنده راه یثرب را بپویم *** زهرا اگر پرسد حسینم کو، چه گویم؟

محمد جواد غفور زاده

ما را که غیر داغ غمت بر جبین نبود *** نگذشت لحظه ای که دل ما غمین نبود

هر چند آسمان به صبوری چو ما ندیدم *** ما را غمی نبود که اندر کمین نبود

راهی اگر نداشت به آزادی و امید *** رنج اسارت این همه شورآفرین نبود
ای آفتاب محمل زینب کسی چو من *** از خرمن زیارت تو خوشه چین نبود
تقدیر با سر تو مرا همسفر نمود *** در این سفر، مقدر من غیر از این نبود
گر از نگاه گرم تو آتش نمیگرفت *** در شام و کوفه، خطبه من آتشین نبود
در حیرتم که بی تو چرا زنده مانده ام *** عهدی که با تو بستم از اول، چنین نبود
ده روزه فراق تو عمری به ما گذشت *** یک عمر بود هجر تو، یک اربعین نبود

سید حسن رستگار

یک اربعین برای غمت گریه کرده ام *** بی وقفه پای هر علمت گریه کرده ام
در آرزوی آن حرمت گریه کرده ام *** با شعرهای محتشمت گریه کرده ام
من گریه کرده ام که تو را سر بریده اند *** ققنوس شهر عشق مرا پر بریده اند
وقتی لهوف پیش رخم مات میشود *** این بندها مقطع الایات میشود
این بیتهای خسته افتاده از فرس *** این ناله های ساکت محبوس در نفس
بر نیزه رفته اند در این قوم بوالهوس *** در کاروان بی کس افتاده در قفس
در کاروان درد که سالار زینب است *** آری از این به بعد علمدار زینب است
یک اربعین حدیث تو را گفت خواهرت *** در زیر سایبان سرت خفت خواهرت
در باغ های یخزده نشکفت خواهرت *** تا خیزران رسید برآشفت خواهرت
من گریه میکنم که غمت را کرانه نیست *** این واژه های غرق به خون شاعرانه نیست
این شاعرانه گی استکه سر روی نی نشست؟ *** این شاعرانه گی است سر پای نی شکست؟
این شاعرانه گی است که بند دلی گسست؟ *** این شاعرانه گی است که گهواره خالی است؟
این شاعرانه نیست که در شهر کافران *** زینب رسیده خسته نفس بی برادران
حال خرابه منزل و ماوای عشق شد *** زنجیر غم به گردن و در پای عشق شد

هر چند خشت کهنه متکای عشق شد *** دنیای جهل محور جزهای عشق شد

نقاش کربلا قلم داغ میزند *** نقش بهار بر ورق باغ میزند

غلامرضا سازگار (میثم)

دوستان با من و دل، ناله و فریاد کنید *** آه را با نفس از حبس دل آزاد کنید

اربعین آمده تا از شهدا یاد کنید *** گریه بر زخم تن حضرت سجاد کنید

مرغ دل زد به سوی شهر شهیدان پر و بال *** پیش تا از حرم الله کنیم استقبال

جابر اینجا حرم محترم خون خداست *** هر طرف سیر کنی جلوه مصباح خداست

غسل از خون جگر کن که مزار شهداست *** سر و دست است که از پیکر صد پاره جداست

پیرهن پاره کن و جامه احرام بپوش *** اشک ریزان به طواف حرم الله بکوش

گوش کن بانگ جرس از دل صحرا آید *** ناله ای سخت جگرسوز و غم افزا آید

پیشواز اسرا دختر زهرا آید *** به گمانم ز سفر زینب کبرا آید

حرمی روی به بین الحرمین آوردند *** از سفر ناله ای وای حسین آوردند

بلبلان آمده گل ها همه پر پر گشتند *** حرم الله دوباره به حرم برگشتند

زائر پیکر صد پاره بی سر گشتند *** همگی دور مزار علی اکبر گشتند

گودی قتلگه و علقمه را میدیدند *** هر طرف اشکفشان فاطمه را می دیدند

نفس دخت علی شعله ماتم میشد *** قامت خم شده اش بار دگر خم می شد

تاب میداد ز کف، طاقت او کم میشد *** پیش چشمش تن صدپاره مجسم می شد

حنجر غرقه به خون در نظرش می آمد *** یادش از بوسه جد و پدرش می آمد

باز هم داغ روی داغ مکرر میدید *** باغ آتش زده و لاله پر پر می دید

لحظه لحظه تن صد چاک برادر می دید *** فرق بشکسته عباس دلاور می دید

رژه میرفت مصائب همه پیش نظرش *** داغها بود که شد تازه درون جگرش

گریه آزاد شده، بغض گلو را بسته *** کرده فریادِ درون حنجره ها را خسته

داغداران همه فریاد زند آهسته *** ذکرشان یا ابتا یا ابتا پیوسته

اشک اطفال، دل فاطمه را آتش زد *** گریه زینب کبری همه را آتش زد

گفت ای همدم از لحظهٔ میلاد، حسین! *** ای سلامم به جراحات تنت باد، حسین!

از همان روز که چشمم به تو افتاد، حسین! *** آتش عشق تو زد بر جگرم باد، حسین!

من و تو در بغل فاطمه با هم بودیم *** همدم و یار به هر شادی و هر غم بودیم

حال برگو چه شد از خویش جدایم کردی *** در بیابان بلا برده رهایم کردی

گاه در گوشهٔ گودال دعایم کردی *** گاه بر نوک سنان گریه برایم کردی

چشمم افتاد سر نیزه به اشک بصرت *** جگرم پاره شد از خواندن قرآن سرت

روزها هر چه زمان می گذرد روز تو آمد *** ظالمان تا ابد الدهر سیه روز تو آمد

اهل بیت تو همه لشکر پیروز تو آمد *** که پیام آور فریاد ستم سوز تو آمد

سرکشان یکسره گشتند حقیر تو حسین *** شام شد پایگه طفل صغیر تو حسین

دشمنان از سر کویت به شتابم بردند *** بعد کوفه به سوی شام خرابم بردند

به اسارت نه که با رنج و عذابم بردند *** با سر پاک تو در بزم شرابم بردند

شام را سخت تر از کربلا می دیدم *** سر خونین تو در طشت طلا می دیدم

شامیان روز ورودم همگی خندیدند *** سر هر کوچه به دور سر تو رقصیدند

عید بگرفته همه جامهٔ نو پوشیدند *** لیک با زلزلهٔ خطبهٔ من لرزیدند

گر چه باران بلا ریخت به جانم در شام *** کار شمشیر علی کرد زبانم در شام

گرچه این بار به دوش همگان سنگین بود *** آنچه گفتیم و شنیدیم برای دین بود

و آنچه پنداشت عدو تلخ، به ما شیرین بود *** ارث ما بود شهادت، شرف ما این بود

«میثم» ابیات تو چون شعلهٔ ظالم سوزند *** تا خدایی خدا، حزب خدا پیروزند

محمد بن حسن بن علی بن حسن، مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه، از بزرگترین محدثان و فقیهان شیعه بود. او مؤلف دو کتاب التهذیب و الاستبصار است که از کتب اربعه شیعه به حساب می آیند. او نخستین کسی است که زیارت نامه صادر شده از اهل بیت علیه السلام برای روز اربعین را - که صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت نموده - در کتاب تهذیب الاحکام و کتاب مصباح المتعجد آورده است.

او در سال 385 ه.ق به دنیا آمد و در 23 سالگی، از خراسان به عراق رفت و از محضر شیخ مفید، سید مرتضی، ابن غضائری و دیگران بهره برد. (1) خلیفه عباسی، کرسی کلام بغداد را به او سپرد و وی توانست 300 تن از علمای بزرگ شیعه و سنی را پرورش دهد. (2)

پس از این که بغداد به دست سلجوقیان سقوط کرد و کتابخانه شاپور به آتش کشیده شد، شیخ طوسی در سال 449 ه.ق، به نجف رفت و حوزه نجف را بنا نهاد. او 12 سال در نجف زندگی کرد و در 22 محرم 460 ه.ق درگذشت و در خانه خود

مدفون گردید. (3)

بنا بر وصیت شیخ، خانه اش تبدیل به مسجد شد و محل تدریس علوم دینی گردید. امروزه مسجد شیخ طوسی یا جامع الشیخ الطوسی که در محله مشراق قرار دارد، از مشهورترین مساجد نجف است و تا کنون، چندین بار مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. (4)

ص: 141

-
- 1- . آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ص 161.
 - 2- . آقا بزرگ، مقدمه نهایی شیخ طوسی، ص 36-39.
 - 3- . آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ص 162.
 - 4- . علوی، راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، ص 150.

شیخ طوسی پس از وفات سید مرتضی، زعامت مذهب جعفری را عهده دار شد و تحوّل بزرگ در اجتهاد شیعی به وجود آورد و فروع آن را گسترش داد و در برابر اجتهاد اهل سنت، به فقه شیعی استقلال بخشید. او در دیگر علوم اسلامی - همانند تفسیر و رجال

و کلام و اصول فقه - نیز صاحب نظر بود و روش اجتهاد مطلق در فقه و اصول را بنا نهاد. (1) پس از شیخ، کسی جسارت و جرأت مخالفت با نظریات وی را نداشت؛ تا این که ابن ادریس که از نوادگان شیخ طوسی بود، باب اعتراض بر وی را گشود و نظراتش را مورد نقد قرار داد. (2)

شیخ طوسی، آثار پرشماری در زمینه های مختلف علوم دینی - همانند فقه، اصول، کلام، تفسیر و رجال داشت که برخی از آثار وی، از بین رفته است. با این حال، شیخ آقا بزرگ تهرانی، 47 اثر از آثار او را نام می برد. (3)

کتاب های او در زمینه های مختلف، جزو کتاب های مرجع علوم دینی محسوب می شوند و کتاب التبیان، یکی از کتاب های مهم تفسیری است. او در همه ابواب فقهی، تألیفات دارد و نظریات و تألیفات فقهی او - مثل نهاییه و الخلاف و مبسوط - مورد توجه فقهای شیعه است و بلکه مرجعی برای متأخرین به حساب می آید؛ چرا که بسیاری از منابع فقهی و حدیثی که پیش از

وی وجود داشت، در آتش سوزی کتابخانه شاپور سوخت و علما، چاره ای جز مراجعه به کتاب های شیخ ندارند. (4)

ص: 142

1- . آقا بزرگ، طبقات اعلام الشيعة، ص 162.

2- . ر.ک: ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقهاء، ص 113 - 222؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 2، ص 719.

3- . آقابزرگ، مقدمه نهاییه شیخ طوسی، ص 17-31.

4- . آقابزرگ، طبقات اعلام الشيعة، ص 162.

محمد بن محمد بن نعمان، ابن معلم عکبرایی بغدادی، ملقب به شیخ مفید، فقیه و متکلم و محدث بزرگ شیعه و از مفاخر قرن چهارم هجری است. او نخستین کسی است که روایت فضیلت زیارت اربعین را به نقل از امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، در کتاب مزار خود روایت کرده است.

وی در سال 336 هجری، در حوالی بغداد به دنیا آمد و در یکی از خانواده های اصیل شیعی پرورش یافت که از سلاله نیکان و پاکان بودند و عشق به اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ داشتند. او علوم ابتدایی را در نزد خانواده اش آموخت و سپس راهی بغداد شد و از محضر اساتید و دانشمندان، کسب علم نمود و در کلام و فقه و اصول، سرآمد دانشمندان گردید.

از جمله اساتید وی می توان به ابن قولویه قمی، شیخ صدوق، ابن ولید قمی، ابو غالب زراری، ابن جنید اسکافی، ابو علی صولی بصری و ابو عبدالله صفوانی اشاره کرد. سید مرتضی علم الهدی، سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابو الفتح کراچی و ابو یعلی جعفر بن سالار، از جمله شاگردان شیخ مفید بودند.

بنا بر نقل شیخ طوسی، وی بالغ بر 200 عنوان کتاب از خود بر جای گذاشت؛ از جمله: المقنعه، الفرائض الشرعیه، أحكام النساء، الکلام فی دلائل القرآن، وجوه إعجاز القرآن، النصره فی فضل القرآن، أوائل المقالات، نقض فضیله المعتزله، الإفصاح، و الإیضاح.

شیخ مفید پس از سال ها تلاش و خدمات ارزنده، در سال 413 ه.ق و در سن 77 سالگی درگذشت و مورد تجلیل و تشییع باشکوهی از سوی علما و

مردم بغداد قرار گرفت. شیخ طوسی که خود در تشییع جنازه او حضور داشته، می نویسد: روز وفات او، از کثرت جمعیتی که برای ادای نماز و گریستن بر او حاضر شده بودند، همانند و نظیر نداشت. هشتاد هزار تن از شیعیان، او را تشییع کردند و سید مرتضی علم الهدی بر او نماز گزارد. در حرم مطهر امام جواد عَلَیْهِ السَّلَامُ، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه، مدفون گردید. (1)

ص: 144

1- . نرم افزار جامع الاحادیث.

صفوان بن مهران

ابومحمد صفوان بن مهران بن مغیره اسدی کاهلی، از اصحاب امام صادق و امام کاظم عَلَیْهِ السَّلَامُ در قرن دوم هجری است. با توجه به این که از صفوان، با عنوان «کوفی» یاد کرده اند، ممکن است در کوفه متولد شده باشد. نام او در سلسله سند 71 روایت آمده است و جمعی از راویان بزرگ و رجال نامدار حدیث، همچون احمد بن محمد بن ابی نصر و محمد بن مسلم، از او روایت کرده اند. (1)

شیخ مفید، او را از بزرگان و خواص و یاران نزدیک و مورد اطمینان امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ می داند. (2) نجاشی وی را کوفی و ثقة معرفی کرده است. (3) علامه حلی درباره او می نویسد: او کوفی و ثقة است و کنیه اش ابومحمد جمال می باشد. (4)

از آنجایی که او شتر داشت و آن ها را اجاره می داد، به او جمّال (ساربان) می گفتند.

ص: 145

1- . رجال الطوسی، ص 220؛ رجال نجاشی، ص 140؛ رجال کشی، ص 373.

2- . مفید، الارشاد، ج 2، ص 216.

3- . رجال النجاشی، ص 198، ح 525.

4- . خلاصة الأقوال، ص 171.

زمانی که قبر امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ مخفی بود، امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ آن را برای صفوان مشخص نمود و او بارها امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ را از مدینه به کوفه برد و به همراه آن حضرت، به زیارت تربت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ مشرف شدند. (1) او به مدت بیست سال، به زیارت آرامگاه امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می رفت و نماز خود را در جوار آن حضرت اقامه می کرد. (2)

از تاریخ وفات و محل دفن او، اطلاعی در دست نیست. او جد عالم بزرگ شیعه، ابوعبدالله صفوانی است که در محضر سیف الدوله حمدانی، درباره بحث امامت، با قاضی موصل مباحثه کرد. پس از مباحثه، قاضی تب کرد و دستش سیاه شد و روز دیگر به هلاکت رسید. (3)

صفوان در نقل فضائل و ادعیه و زیارت نامه ها، نقش به سزایی داشت. زیارت نامه ها و دعاهایی همچون زیارت وارث و دعای علقمه، در این شمارند. زیارت نامه اربعین نیز توسط او، از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت شده است. به عبارت دیگر، او ناقل تنها زیارت نامه ای است که از معصومین عَلَیْهِ السَّلَامُ، درباره اربعین صادر شده است.

ص: 146

1- . عبدالکریم بن طاووس، فرحة الغری، ص 85.

2- . کامل الزیارة، ص 34.

3- . رجال کشی، ص 393.

عطیه عوفی

عطیه عوفی

نام عطیه، همواره در کنار نام جابر بن عبدالله انصاری مطرح می شود که پس از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ

، در اربعین سال 61 ه.ق، به زیارت قبر آن حضرت شتافت. از آنجایی که جابر نابینا شده بود، عطیه او را در این زیارت همراهی کرد و چگونگی تشریف و سخنان و زیارت نامه جابر را برای دیگران نقل نمود. در واقع، میراث گران بهای زیارت جابر و نحوه مقتل خوانی او، از عطیه به یادگار مانده است.

تولد و خاندان

ابوالحسن عطیه بن سعد بن جناده عوفی کوفی، از شیعیان امیرمؤمنان با است و از راویان فضایل امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ و از مفسران قرآن به شمار می رود . او بین سال های 36 تا 40 ه.ق، در شهر کوفه و در طایفه «بکالی» چشم به جهان گشود. بکالی، تیره ای از قبیله بنی عوف بن امرؤالقیس بود و میان

قبایل عرب، شأن و منزلتی خاص داشت. چون عطیه از قبیله بنی عوف بود، به او عطیه عوفی می‌گفتند. (1) پدرش سعد و مادرش از اسرای آزادشده رومی بود. (2)

وقتی عطیه به دنیا آمد، پدرش نزد امیرمؤمنان عَلِيهِ السَّلَامُ رفت و عرض کرد: «یا امیرمؤمنان! صاحب نوزاد پسر شده ام. نامی برای او برگزین». حضرت فرمود: این عطیه خداوند است. از این رو، نام او را عطیه گذاشتند؛ یعنی عطا و هدیه ای که بزرگان می بخشند.

مقام علمی

عطیه، از نظر طبقات رجالی، در گروه تابعین جای دارد؛ یعنی از طبقه ای است که پیامبر اکرم صَدِّ لَمَّى اَللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ را ندیده و بدون واسطه، سخنی از وی نقل نکرده است؛ بلکه صحابه را دیده و از آنان نقل مطلب نموده است. او جزو یاران پنج امام معصوم - حضرت علی تا امام محمدباقر عَلِيهِ السَّلَامُ بود (3) و از دانشمندان بزرگ و اسلام شناسان عصر خود به شمار می آمد. از چنان مقام علمی برخوردار بود که حتی دانشمندان اهل سنت نیز او را مورد اعتماد میدانستند و دانش تفسیری و حدیثی اش را تایید می کردند. (4)

او استادانی برجسته داشت که در اسلام و تشیع، از جایگاهی والا برخوردار بودند. کتاب «تهذیب التهذیب»، نام هشت تن از استادان وی را ذکر کرده

ص: 148

-
- 1- سفینه البحار، ج 6، ص 296؛ ریحانة الادب، ج 4، ص
 - 2- طبقات الكبرى، ج 6، ص 304؛ جابر بن عبدالله انصاری، ص. 208
 - 3- رجال شیخ طوسی، ص 51؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 253؛ سفینه البحار، ج 6، ص. 296
 - 4- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 226؛ تاریخ التراث العربی، ج 1، ص 73؛ طبقات، ج 6، ص. 304

است. کتاب «طبقات الکبری» نیز شش تن از آنها را نام برده است. عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری، از معروف ترین استادان او به شمار می آیند. (1)

این شخصیت علمی، شاگردان بسیاری تربیت کرد. کتاب «تهذیب التهذیب»، نام شانزده تن از آنها را ثبت کرده است. اعمش و پسران عطیه (حسن و عمر و علی)، در این گروه جای دارند. (2) علی بن عطیه، از اصحاب امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نیز به شمار می رود. (3)

آثار علمی

عطیه در تفسیر قرآن، دست پرورده استاد بزرگی همچون ابن عباس بود و توانست پنج جلد تفسیر قرآن بنویسد. (4) او خود می گوید: «من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را هفتاد بار در کنارش خواندم». (5) دانشمندان اهل سنت، بهره های فراوان از تفسیر او برده اند و آثارش را معتبر میدانند. (6) و بزرگانی چون طبری و خطیب بغدادی، از آثارش سود جسته اند. (7)

خطبه فدک، دومین اثر جاودان عطیه است. حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا، این خطبه را در مسجدالنبی ایراد فرمود. عطیه آن را برای عبدالله بن حسن مثنی

ص: 149

-
- 1- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 225؛ طبقات الکبری، ج 6، ص 246؛ سفینه البحار، ج 6، ص 296
 - 2- ریحانة الادب، ج 4، ص 218؛ تهذیب التهذیب، ج 7، ص 225؛ سفینه البحار، ج 6، ص 295
 - 3- سفینه البحار، ج 6، ص 294؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 299
 - 4- ریحانة الادب، ج 4، ص 218؛ سفینه البحار، ج 6، ص 296؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 253
 - 5- سفینه البحار، ج 6، ص 296؛ ریحانة الادب، ج 4، ص 218؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 253
 - 6- تاریخ التراث العربی، ج 1، جزء اول، ص 73
 - 7- همان.

- پسر امام حسن مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام - نقل کرد و در تاریخ، به یادگار ماند. (1)

سومین اثر ماندگار او، زیارت نامه اربعین است که آن را از زبان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است. او در نخستین اربعین حسینی، به همراه جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر اکرم عَلَیْهِ السَّلَام، خود را به تربت پاک امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام رساند و نامش را در شمار نخستین زائران کوی حسین عَلَیْهِ السَّلَام جاودانه ساخت. (2)

از هجرت تا وفات

سال 82 ه. ق، در ماجرای شورش عبدالرحمن بن محمد اشعث، عطیه به یاری وی شتافت و پس از شکست او، به ایران گریخت و در فارس ماند. حجاج بن یوسف، به محمد بن قاسم ثقفی - حاکم فارس - نوشت: «عطیه را نزد خود فراخوان و از او بخواه که علی بن ابی طالب را لعنت کند. اگر چنین نکرد، چهارصد ضربه شلاق به او بزن و سر و ریش او را بتراش». حاکم فارس نیز نامه حجاج را برای عطیه خواند و چون او حاضر به ناسزاگویی به امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام نشد، چهارصد ضربه شلاق به او زدند و موهای سر و صورتش را تراشیدند.

وی در سال 86 ه. ق، به خراسان رفت. در سال 95 ه. ق که حجاج از دنیا رفت و عمر بن هبیره حاکم عراق شد، عطیه نامه ای به او نوشت و در پی موافقت او، بار دیگر به زادگاهش کوفه بازگشت. او در سال 111 ه. ق، دار فانی را وداع گفت.

ص: 150

1- بلاغات النساء، ص 12؛ سفینه البحار، ج 6، ص 296؛ بررسی تاریخ عاشورا، ص. 246

2- ریحانة الادب، ج 4، ص 218؛ سفینه البحار، ج 6، ص 295؛ بشاره المصطفی، ص 890

عكس

□

ص: 151

علی بن الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ معروف به سجاد و زین العابدین، چهارمین امام شیعیان است که در سال 38 ه. ق به دنیا آمد و 34 سال امامت کرد.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در کربلا

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در واقعه کربلا، حاضر بود و در روزی که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و یارانش به شهادت رسیدند، به شدت بیمار شد. در چند مورد که خواستند او را به قتل برسانند، عده ای مانع از کشتن وی شدند و گفتند: همین بیماری، او را کفایت میکند. (1)

پس از فاجعه کربلا، اهل بیت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را به اسیری گرفتند و روانه کوفه و شام نمودند. هنگامی که اسیران را از کربلا به کوفه می بردند، بر گردن امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ غُل و جامعه (2) قرار دادند و چون بیمار بود و نمی توانست خود را بر پشت شتر نگه دارد، هر دو پای او را بر شکم شتر بستند (3). ابن زیاد، امام سجاد مالی و دیگر اسیران کربلا را در زندان نگه داشت و نامه ای به شام فرستاد و از یزید، کسب تکلیف کرد. یزید به ابن زیاد دستور داد که اسرا و سرهای شهدای کربلا را به شام بفرستد. غُل بر گردن امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ نهادند و به همراه دیگر اسیران، به دمشق فرستادند (4).

آن حضرت با سخنرانی هایی که در دوران اسارت بیان فرمود، باعث آگاهی

ص: 154

1- مفید، الارشاد، ج 2، ص 113؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 469

2- جامعه، چیزی همانند طوق است که دست ها و گردن را با آن به هم می بندند.

3- شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، ص 51

4- شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، ص 58

مردم از جایگاه اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ گردید. در مسجد شام، سخنرانی کرد و خود و پدر و جدش را به مردم شناساند و به شامیان گفت که آنچه یزید و کارگزاران او، بر سر زبان ها انداخته اند و آن ها را خارجی و شورشی معرفی کرده اند، درست نیست. پدرش خارجی نبوده و نمی خواسته جمعیت مسلمانان را بر هم بزند و در بلاد اسلامی، فتنه به پا کند. او برای اقامه حق و به دعوت مسلمانان به پا خاست تا دین را از بدعت های به وجود آمده، پاک سازد و به همان دینی که در زمان پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ جریان داشت، برگرداند. (1)

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در اربعین

برخی مقتل نویسان، درباره حضور امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ و نحوه سوگواری ایشان در روز اربعین، مطالبی را بیان کرده اند:

1. در روز اربعین سال 61 ه.ق، امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ از سوئی امام زمان بود و از سوی دیگر، قافله سالار کاروان حسینی به حساب می آمد و تصمیم گیری در امور کاروان را بر عهده داشت. از این رو، سه روز بعد از اربعین، دستور داد که کاروان، از کربلا به طرف مدینه حرکت کند. همه کاروانیان، راهی مدینه شدند و با اجازه ایشان، فقط «ریاب» همسر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در کربلا ماند.

2. در روز اربعین سال 61 ه. ق، ملاقاتی بین امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ و جابر بن عبدالله انصاری روی داد که برخی آن ملاقات را این گونه گزارش کرده اند:

فَقَالَ جَابِرٌ: لِعَبْدِهِ انْطَلِقْ إِلَى هَذَا السَّوَادِ وَآتِنَا بِخَبْرِهِ، فَإِنْ كَانُوا مِنْ أَصْحَابِ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ فَارْجِعْ إِلَيْنَا لَعَلَّنَا نَلْجَأُ إِلَى مَلِجٍ، وَإِنْ كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَأَنْتَ حُرٌّ لِرُؤُوسِهِ اللَّهُ تَعَالَى. فَمَضَى الْعَبْدُ فَمَا أَسْرَعَ أَنْ رَجَعَ وَهُوَ يَقُولُ: يَا جَابِرُ قُمْ وَاسْتَقْبِلْ

ص: 155

حَرَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، هَذَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ قَدْ جَاءَ بِعَمَّاتِهِ وَأَخَوَاتِهِ. فَقَامَ جَابِرٌ يَمْشِي حَافِي الْأَقْدَامِ مَكْشُوفَ الرَّأْسِ إِلَى أَنْ دَنَا مِنَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِنَّكَ عَلَى أَقْدَامِهِ يَقْبَلُهُمَا وَيَقُولُ: سَيِّدِي عَظَّمَ اللَّهُ لَكَ الْأَجْرَ بِأَيْدِي الْحُسَيْنِ سَيِّدِي عَظَّمَ اللَّهُ لَكَ الْأَجْرَ بِعَمُومَتِكَ وَإِخْوَتِكَ. فَقَالَ الْإِمَامُ: «أَنْتَ جَابِرٌ؟» فَقَالَ: نَعَمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ: يَا جَابِرُ هَاهُنَا وَاللَّهِ قُتِلَتْ رِجَالُنَا وَذُبِحَتْ أَطْفَالُنَا وَسُبِّتَ نِسَاؤُنَا وَحُرِّقَتْ خِيَامُنَا(1).

جابر به غلامش گفت: «به طرف آن سیاهی برو و خبرش را برای ما بیاور؛ تا اگر یاران عمر سعد بودند، مخفی شویم؛ اما اگر امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ بود، تو را در راه خدا آزاد می کنم». غلام جابر رفت و زود برگشت و گفت: «ای جابر! برخیز و به استقبال خاندان رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَشْتَاب. این امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ است که همراه با خواهران و عمه هایش، به کربلا بازگشته است». جابر، با سر و پای برهنه، به استقبال امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ شتافت و بر پای حضرت افتاد و پاهای مبارک ایشان را بوسید و گفت: «خدا اجر شما را در مصیبت پدر و عموها و برادرانت زیاد کند». حضرت فرمود: «تو جابر هستی؟». عرض کرد: «بله». حضرت فرمود: «ای جابر! به خدا قسم همین جا بود که مردان ما را کشتند و بچه های ما را سر بریدند و زن های ما را اسیر کردند و خیمه های ما را به آتش کشیدند».

3. برخی از علما، بر این نظرند که امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ سر مبارک امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ را روز اربعین در کربلا به خاک سپرد. احتمالاً قوی ترین سند بر این مطلب، گزارش فاطمه بنت علی است که شیخ صدوق در کتاب امالی

ص: 156

نقل کرده است: «إلى أن خرج عليُّ بنُ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنَّسْوَةِ وَرَدَّ رَأْسَ الحُسَيْنِ إِلَى كَرْبَلَاءَ(1)؛ امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ به همراه زنان، از شام خارج شد و سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را به کربلا بازگرداند».

البته این گزارش، با روایتی که می گوید امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ از یزید خواست که سر پدرش را یک بار دیگر ببیند و یزید گفت که هرگز آن سر را نخواهی دید، منافات دارد. سید بن طاووس در این باره می نویسد: وَقَالَ یَزِیدُ لِعَلِیِّ بْنِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اذْکُرْ حَاجَاتِکَ الثَّلَاثَ اللّٰتِیَّ وَعَدَّتْکَ بِقَضَائِهِنَّ فَقَالَ لَهُ: الْاُولٰی اَنْ تُرِیْنِی وَجْهَ سَیِّدِی وَمَوْلٰی الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاْتَزَوَّدَ مِنْهُ... فَقَالَ: اَمَّا وَجْهُ اَبِیْکَ فَلَنْ تَرَاهُ اَبَدًا(2).

همچنین با روایات متعددی که میگوید سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در نجف اشرف مدفون است، منافات دارد. علاوه بر اینکه این گزارش، از جانب امام معصوم نیست(3).

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در مدینه

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ پس از آزادی از اسارت، تا پایان عمر در مدینه ماند و در طول 34 سال امامت خود، همواره تلاش کرد یاد و خاطره شهیدای کربلا را زنده نگه دارد. هرگاه آب می نوشید، به یاد پدر بود و بر مصائب امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ می گریست و اشک می ریخت. در روایتی از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ آمده است: امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ چهل سال بر پدر بزرگوارش گریه کرد؛ درحالی که روزها روزه

ص: 157

1- صدوق، الأمالی، ص 167.

2- سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 195.

3- برای آگاهی بیشتر، به مطالب مندرج در «مرد الراس» که در همین کتاب آمده است، مراجعه فرمایید.

بود و شب ها به نماز می ایستاد و هنگام افطار که برایش آب و غذا می برند، می فرمود: «فرزند رسول خدا عَلِيهِ السَّلَامُ گرسنه کشته شد! فرزند رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَشْنَه كَشْتَه شد!». پیوسته این سخن را تکرار میکرد و میگریست، به گونه ای که اشک های آن حضرت، با آب و غذایش مخلوط می شد. پیوسته در این حال بود تا از دنیا رفت (1).

واقعه حره، نهضت توابین و قیام مختار، در زمان امامت ایشان روی داد، اما گزارشی مستند درباره این سه واقعه که از زبان و دیدگاه امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ نقل شده باشد، در دست نیست.

صحیفه سجادیه، مجموعه دعاهای ایشان است که جامعه آن روز را به تصویر می کشد و راه درست در پرتو دین و قرآن را نمایان می سازد و نحوه پیوند انسان با خدا و پاک سازی نفس از آلودگی ها را آموزش می دهد. رساله الحقوق، اثر دیگر آن حضرت می باشد که رساله کوچکی است درباره مجموعه تکالیفی که برعهده انسان است.

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ در سال 95 ه. ق، به دستور ولید بن عبد الملک مسموم شد و به شهادت رسید و در قبرستان بقیع، کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی عَلِيهِ السَّلَامُ به خاک سپرده شد.

ص: 158

علی بن الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ معروف به سجاد و زین العابدین، چهارمین امام شیعیان است که در سال 38 هـ.ق به دنیا آمد و 34 سال امامت کرد.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در کربلا

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در واقعه کربلا، حاضر بود و در روزی که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و یارانش به شهادت رسیدند، به شدت بیمار شد. در چند مورد که خواستند او را به قتل برسانند، عده ای مانع از کشتن وی شدند و گفتند: همین بیماری، او را کفایت می کند. (1)

پس از فاجعه کربلا، اهل بیت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را به اسیری گرفتند و روانه کوفه و شام نمودند. هنگامی که اسیران را از کربلا به کوفه می بردند، بر گردن امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ غُل و جامه (2)

قرار دادند و چون بیمار بود و نمی توانست خود را بر پشت شتر نگه دارد، هر دو پای او را بر شکم شتر بستند. (3) ابن زیاد، امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ و دیگر اسیران کربلا را در زندان نگه داشت و نامه ای به شام فرستاد و از یزید،

کسب تکلیف کرد. یزید به ابن زیاد دستور داد که اسرا و سرهای شهدای کربلا را به شام بفرستد. غُل بر گردن امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ نهادند و به همراه دیگر اسیران، به دمشق فرستادند. (4)

آن حضرت با سخنرانی هایی که در دوران اسارت بیان فرمود، باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت علیهم السلام گردید. در مسجد شام، سخنرانی کرد و خود و پدر و جدش را به مردم شناساند و به شامیان گفت که آنچه یزید و کارگزاران او، بر سر زبان ها انداخته اند و آن ها را خارجی و شورشی معرفی کرده اند، درست نیست. پدرش خارجی نبوده و نمی خواسته جمعیت مسلمانان را بر هم بزند و در بلاد اسلامی، فتنه به پا کند. او برای اقامه حق و به دعوت مسلمانان به پا خاست تا دین را از بدعت های به وجود آمده، پاک سازد و به همان دینی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جریان داشت، برگرداند. (5)

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در اربعین

برخی مقتل نویسان، درباره حضور امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ و نحوه سوگواری ایشان در روز اربعین، مطالبی را بیان کرده اند:

1. در روز اربعین سال 61 هـ.ق، امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ از سوی امام زمان بود و از سوی دیگر، قافله سالار کاروان حسینی به حساب می آمد و تصمیم گیری در امور کاروان را بر عهده داشت. از این رو، سه روز بعد از اربعین، دستور داد که کاروان، از کربلا به طرف مدینه حرکت کند. همه کاروانیان، راهی مدینه شدند و با اجازه ایشان، فقط «رباب» همسر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در کربلا ماند.

2. در روز اربعین سال 61 هـ.ق، ملاقاتی بین امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ و جابر بن عبدالله انصاری روی داد که برخی آن ملاقات را این گونه گزارش کرده اند:

فَقَالَ جَابِرٌ لِعَبْدِهِ: إِنِّظَلِقْ إِلَى هَذَا السَّوَادِ وَأَتْنَا بِخَبْرِهِ، فَإِن كَانُوا مِنْ أَصْحَابِ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ فَارْجِعْ إِلَيْنَا لَعَلَّنَا نَلْجَأُ إِلَى مَلْجَأٍ، وَإِن كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَأَنْتَ حُرٌّ لِرُوحِهِ اللَّهُ تَعَالَى. فَمَضَى الْعَبْدُ فَمَا أَسْرَعَ أَنْ رَجَعَ وَهُوَ يَقُولُ: يَا جَابِرُ قُمْ وَاسْتَقْبِلْ حَرَمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِّمْ، هَذَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ قَدْ جَاءَ بِعَمَاتِهِ وَ أَخَوَاتِهِ. فَقَامَ جَابِرٌ يَمْشِي حَافِي الْأَقْدَامِ مَكْشُوفَ الرَّأْسِ إِلَى أَنْ دَنَا مِنَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِنَّكَ عَلِيٌّ أَقْدَامُهُ يُقْبَلُهُمَا وَيَقُولُ: سَيِّدِي عَظَّمَ اللَّهُ لَكَ الْأَجْرَ بِأَيْكَ الْحُسَيْنِ! سَيِّدِي عَظَّمَ اللَّهُ لَكَ الْأَجْرَ بِعَمومتِكَ وَ

إخوتِكَ. فَقَالَ الإمامُ: أَنْتَ جَابِرٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ يَا جَابِرُ هَاهُنَا وَاللَّهِ قُتِلَتْ رِجَالُنَا وَذُبِحَتْ أَطْفَالُنَا وَسُبِّتَ نِسَاؤُنَا وَحُرِّقَتْ خِيَامُنَا. (6)

جابر به غلامش گفت: «به طرف آن سیاهی برو و خبرش را برای ما بیاور؛ تا اگر یاران عمر سعد بودند، مخفی شویم؛ اما اگر امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ بود، تو را در راه خدا آزاد می کنم». غلام جابر رفت و زود برگشت و گفت: «ای جابر! برخیز و به استقبال خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بشتاب. این امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ است که همراه با خواهران و عمه هایش، به کربلا بازگشته است». جابر، با سر و پای برهنه، به استقبال امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ شتافت و بر پای حضرت افتاد و پاهای مبارک ایشان را بوسید و گفت: «خدا اجر شما را در مصیبت پدر و عموها و برادرانت زیاد کند». حضرت فرمود: «تو جابر هستی؟». عرض کرد: «بله». حضرت فرمود: «ای جابر! به خدا قسم همین جا بود که مردان ما را کشتند و بچه های ما را سر بردند و زن های ما را اسیر کردند و خیمه های ما را به آتش کشیدند».

1. برخی از علما، بر این نظرند که امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ سر مبارک امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ را روز اربعین، در کربلا به خاک سپرد. احتمالاً قوی ترین سند بر این مطلب، گزارش فاطمه بنت علی است که شیخ صدوق در کتاب امالی نقل کرده است: «إِلَى أَنْ خَرَجَ عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ عَ بِالنُّسُوءِ وَرَدَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ إِلَى كَرْبَلَاءَ؛ (7) امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ به همراه زنان، از شام خارج شد و سر امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ را به کربلا بازگرداند».

البته این گزارش، با روایتی که می گوید امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ از یزید خواست که سر پدرش را یک بار دیگر ببیند و یزید گفت که هرگز آن سر را نخواهی دید، منافات دارد. سید بن طاووس در این باره می نویسد: وَقَالَ يَزِيدُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ اذْكَرَ حَاجَاتِكَ الثَّلَاثَ اللَّاتِي وَعَدْتِكِ بِقَضَائِهِنَّ فَقَالَ لَهُ الْأَوْلَى أَنْ تُرِينِي وَجْهَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ أَبِي الْحُسَيْنِ عَ فَاتَزَوَّدَ مِنْهُ... فَقَالَ أَمَا وَجْهَ أَبِيكَ فَلَنْ تَرَاهُ أَبَدًا. (8)

همچنین با روایات متعددی که می گوید سر امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ در نجف اشرف مدفون است، منافات دارد. علاوه بر این که این گزارش، از جانب امام معصوم نیست. (9)

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ در مدینه

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ پس از آزادی از اسارت، تا پایان عمر در مدینه ماند و در طول 34 سال امامت خود، همواره تلاش کرد یاد و خاطره شهدای کربلا را زنده نگه دارد. هر گاه آب می نوشید، به یاد پدر بود و بر مصائب امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ می گریست و اشک می ریخت. در روایتی از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ آمده است: امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ چهل سال بر پدر بزرگوارش گریه کرد؛ در حالی که روزها روزه بود و شبها به نماز می ایستاد و هنگام افطار که برایش آب و غذا می برند، می فرمود: «فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گرسنه کشته شد! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم تشنه کشته شد!». پیوسته این سخن را تکرار می کرد و می گریست، به گونه ای که اشک های آن حضرت، با آب و غذایش مخلوط می شد. پیوسته در این حال بود تا از دنیا رفت. (10)

واقعه حره، نهضت توأبیین و قیام مختار، در زمان امامت ایشان روی داد، اما گزارشی مستند درباره این سه واقعه که از زبان و دیدگاه امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ نقل شده باشد، در دست نیست.

صحیفه سجادیه، مجموعه دعاهای ایشان است که جامعه آن روز را به تصویر می کشد و راه درست در پرتو دین و قرآن را نمایان می سازد

و نحوه پیوند انسان با خدا و پاک سازی نفس از آلودگی ها را آموزش می دهد. رساله الحقوق، اثر دیگر آن حضرت می باشد که رساله کوچکی است درباره مجموعه تکالیفی که بر عهده انسان است.

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام در سال 95 ه.ق، به دستور ولید بن عبد الملک مسموم شد و به شهادت رسید و در قبرستان بقیع، کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی عَلِيهِ السَّلَام به خاک سپرده شد.

عماد الدین طبری

دو تن از علمای امامی قرن ششم و هفتم هجری، به عمادالدین طبری شهرت دارند و هر کدام، آثاری از خود بر جای گذاشته اند:

1. حسن بن علی طبری، مؤلف تحفة الابرار، کامل بهایی و مناقب الطاهرین که تا سال 701 ه.ق در قید حیات بود.

1. ابوجعفر محمد بن علی بن رستم طبری که تا سال 553 ه.ق می زیست و کتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی را به نگارش در آورد. او از محدثان بسیاری در شهر ری، آمل، نیشابور، نجف و کوفه، بهره برده و نام و اسانیدشان، در کتاب بشارة المصطفی ذکر گردیده است.

عماد الدین طبری که در این بحث، مد نظر ما است، همان نویسنده کتاب بشارة المصطفی است که برای نخستین بار، روایت تشریف جابر در روز اربعین را با سند خود و به طور مفصل، نقل کرده است. سند او در نقل تشریف جابر در روز اربعین، این گونه می باشد:

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ شَهْرِبَارٍ الْخَازِنُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي مَسْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي شَوَّالِ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَمَلْنَا عَلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبُرْسِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقُرَشِيُّ الْمَعْدَلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حُمُرَانَ الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ الْمُقْرِي قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْأَيَّادِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ مُدْرِكٍ قَالَ:

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زِيَادٍ الْمَلِكِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ زَائِرِينَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع ... (11).

ص: 159

- 1- . مفید، الارشاد، ج 2، ص 113؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 469.
- 2- . جامعه، چیزی همانند طوق است که دست ها و گردن را با آن به هم می بندند.
- 3- . شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، ص 51.
- 4- . شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، ص 58.
- 5- . شهیدی، زندگانی علی بن الحسین، ص 75.
- 6- . المازندرانی، معالی السبطین، ص 193؛ الزنجانی، وسیلة الدارین، ص 403.
- 7- . صدوق، الأمالی، ص 167.
- 8- . سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 195.

- 9- . براي آگاهي بيشتري، به مطالب مندرج در «مرد الراس» كه در همين كتاب آمده است، مراجعه فرماييد.
- 10- . سيد بن طاووس، اللهوف، ص 290.
- 11- . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج 2، ص 74.

در تمام طول مسیر پیاده روی - از نجف تا کربلا - تیرهای چراغ برقی وجود دارد که از 1 تا 1452 شماره گذاری شده اند و در زبان عربی، به آنها عمود گفته می شود. هرکدام از این تیرک ها، دقیقاً 50 متر باهم فاصله دارند و به نوعی، کیلومتر سنج به شمار می روند. به وسیله آنها می توان تشخیص داد که چقدر از مسیر طی شده است و چقدر باقی مانده است.

«ف»

فاطمه بنت الحسین سلام الله علیها

فاطمه سلام الله علیها بزرگ ترین دختر امام حسین علیه السلام بود (1) و مادرش ام اسحاق نام داشت (2). تاریخ دقیق تولد او مشخص نیست، اما از آنجایی که مادرش، ابتدا همسر امام حسن ما بود و بعد از شهادت آن حضرت، به همسری امام حسین از درآمد، مسلماً تولد فاطمه، بعد از شهادت امام حسن علیه السلام (سال 49 یا 50 ه. ق) روی داده است. بنابراین می توان احتمال داد که او در سال 51 ه. ق به دنیا آمده باشد. (3)

نوشته اند که سیمای او، به جده اش فاطمه زهرا سلام الله علیها شبیه بود (4). پیش از

ص: 160

-
- 1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 464؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577؛ ابن سعد، ج 3، ص 214؛ ابن حبیب، ص 404
 - 2- الطبقات الکبری، ج 8، ص 473؛ تاریخ دمشق، ج 70، ص 15؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 491؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج 45، ص 329.
 - 3- محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین ع، ص 351.
 - 4- مفید، ارشاد، ج 2، ص 25

واقعه کربلا با پسرعمویش حسن مثنی - فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام - ازدواج کرد (1). به همراه همسرش، در واقعه عاشورا حضور داشت و حسن مثنی در کربلا مجروح شد (2). بعدها که حسن مثنی از دنیا رفت، فاطمه به مدت یک سال، بر سر مزار او، به سوگ نشست و روزها روزه گرفت و شبها به عبادت پرداخت (3).

بنا بر حدیثی که از امام باقر علیه السلام روایت شده است، امام حسین علیه السلام پیش از آن که به شهادت برسد، وصایای مکتوب و امانت های مربوط به امامت را به فاطمه سپرد و او آن ها را به امام سجاد علیه السلام تحویل داد (4).

فاطمه به همراه دیگر اعضای خاندان امام حسین علیه السلام، به اسارت درآمد و به کوفه و شام برده شد (5). برخی از ماجراهای کربلا، همانند هجوم به خیمه ها و دوران اسارت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از او نقل شده است (6). در دربار شام، میان او و یزید، سخنانی ردوبدل گردید (7). احمد بن علی طبرسی، بحث های او با کوفیان و شامیان را آورده است (8).

برخی مقتل نویسان، درباره حالت فاطمه در روز اربعین نوشته اند: «واکبت

1. 2. 3، 4، 5. 6. صدوق، الامالی، ص 228. 7. 8.

فضیلت زیارت اربعین | «ف» [163]

فاطمة بنت الحسين علی قبر آبیها، ثم بکت بکاء شدید حتی ممشی علیها؛ فاطمه دختر امام حسین به در روز اربعین، خود را بر روی قبر پدرش انداخت و گریه شدیدی کرد، به طوری که از هوش رفت».

بنا بر نوشته سبط ابن جوزی، فاطمه در سال 117 ه.ق، در مدینه از دنیا رفت. 2.

: فضیلت زیارت اربعین

درباره فضیلت زیارت اربعین، تنها یک روایت وجود دارد که توسط شیخ مفید در کتاب المزار آمده و به صورت مرسل، از امام حسن عسکری نقل شده است. شیخ طوسی نیز این روایت را در تهذیب الاحکام آورده است. طبق این روایت، زیارت اربعین، یکی از نشانه های پنجگانه مؤمن (شیعه) می باشد.

در این روایت آمده است: «ثوي عن أبي محمد الحسن بن علی العسگری ع أنه قال علاقات المؤمني من صلاة الجدی و الخمسیت و یا اربعین و الم

في اليمين وتغير الجبين و المهيسم الله الرمين الرجيم). 2.

در این روایت، امام حسن عسکری علمی فرماید: نشانه های مؤمن (شیعه) پنج چیز است: 1. خواندن 51 رکعت نماز در طول شبانه روز؛ 2. زیارت اربعین؛

، المازندرانی، معالی السبطين، ص 198؛ الزنجانی، وسیلة الدارين، ص 405. 2. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص 280. 3. تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 52؛ کتاب المزار، ص 53.

3. انگشتر در دست راست کردن؛ 4. سجده کردن بر خاک؛ 5. بلند گفتن بسم الله در همه نمازها.

نکته حائز اهمیت در این روایت، این است که از بین تمامی زیارت های مخصوصه امام حسین لا - همانند زیارت رجبیه و شعبانیه یا حتی زیارت عاشورا - تنها زیارتی که علامت و نشانه شیعه معرفی شده است، زیارت اربعین می باشد. این مطلب، گویای آن است که حیات تشیع، درگرو زیارت اربعین سید الشهداء بالا می باشد.

فاطمه بنت الحسین علیهما السلام

فاطمه سلام الله علیها، بزرگ ترین دختر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بود(9)

و مادرش امّ اسحاق نام داشت.(10)

تاریخ دقیق تولد او مشخص نیست، اما از آنجایی که مادرش، ابتدا همسر امام حسن عَلَیْهِ السَّلَامُ بود و بعد از شهادت آن حضرت، به همسری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ درآمد، مسلماً تولد فاطمه، بعد از شهادت امام حسن عَلَیْهِ السَّلَامُ (سال 49 یا 50 هـ.ق) روی داده است. بنا بر این می توان احتمال داد که او در سال 51 هـ.ق به دنیا آمده باشد.(11)

نوشته اند که سیمای او، به جده اش فاطمه زهرا سلام الله علیها شبیه بود.(12)

پیش از

ص: 161

1- تاریخ دمشق، ج 70، ص 17؛ المعارف لابن قتیبه، ص 213؛ ابن سعد، ج 8، ص 473.

2- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577.

3- تهذیب الکمال، ج 6، ص 95؛ بحار الانوار، ج 44، ص 167؛ تاریخ دمشق، ج 70، ص 19؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 26.

4- صفار قمی، ص 182؛ کلینی، کافی، ج 1، ص 303.

5- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577؛ مفید، ارشاد، ج 2، ص 121

6- صدوق، الامالی، ص 228

7- تاریخ طبری، ج 5، ص 464؛ قاضی نعمان، ج 3، ص 268

8- احمد بن علی طبرسی، ج 2، ص 29.27.

9- تاریخ الطبري، ج 5، ص 464؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577؛ ابن سعد، ج 3، ص 214؛ ابن حیب، ص 404.

10- الطبقات الکبری، ج 8، ص 473؛ تاریخ دمشق، ج 70، ص 15؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 491؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 329.

11- محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، ص 351.

12- مفید، ارشاد، ج 2، ص 25.

واقعه کربلا، با پسر عمویش حسن مُثنی - فرزند امام حسن مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام - ازدواج کرد. (1)

به همراه همسرش، در واقعه عاشورا حضور داشت و حسن مثنی در کربلا مجروح شد. (2) بعدها که حسن مُثنی از دنیا رفت، فاطمه به

مدت یک سال، بر سر مزار او، به سوگ نشست و روزها روزه گرفت و شب ها به عبادت پرداخت. (3)

بنا بر حدیثی که از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام روایت شده است، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام پیش از آن که به شهادت برسد، وصایای مکتوب و

امانت های مربوط به امامت را به فاطمه سپرد و او آن ها را به امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام تحویل داد. (4)

فاطمه به همراه دیگر اعضای خاندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، به اسارت در آمد و به کوفه و شام برده شد. (5)

برخی از ماجراهای کربلا، همانند هجوم به خیمه ها و دوران اسارت اهل بیت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ از او

نقل شده است. (6)

در دربار شام، میان او و یزید، سخنانی رد و بدل گردید. (7) احمد بن علی طبرسی، بحث های او با کوفیان و شامیان را آورده است. (8)

برخی مقتل نویسان، درباره حالت فاطمه در روز اربعین نوشته اند: «وَأُنْكَبَتْ

ص: 162

1- . تاریخ دمشق، ج 70، ص 17؛ المعارف لابن قتیبه، ص 213؛ ابن سعد، ج 8، ص 473.

2- . الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577.

3- . تهذیب الکمال، ج 6، ص 95؛ بحار الانوار، ج 44، ص 167؛ تاریخ دمشق، ج 70، ص 19؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 26.

4- . صفار قمی، ص 182؛ کلینی، کافی، ج 1، ص 303.

5- . الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 577؛ مفید، ارشاد، ج 2، ص 121.

6- . صدوق، الامالی، ص 228.

7- . تاریخ طبری، ج 5، ص 464؛ قاضی نعمان، ج 3، ص 268.

8- . احمد بن علی طبرسی، ج 2، ص 27-29.

فاطمه بنتُ الحُسنِ بنِ عليِّ قَبْرِ أبيها، ثُمَّ بَكَتْ بُكَاءً شَدِيداً حَتَّى غَشِيَ عَلَيْهَا؛ (1) فاطمه دختر امام حسین علیه السَّلامُ در روز اربعین، خود را بر روی قبر پدرش انداخت و گریه شدیدی کرد، به طوری که از هوش رفت.

بنا بر نوشته سبط ابن جوزی، فاطمه در سال 117 هـ.ق، در مدینه از دنیا رفت. (2)

فضیلت زیارت اربعین

فضیلت زیارت اربعین

درباره فضیلت زیارت اربعین، تنها یک روایت وجود دارد که توسط شیخ مفید در کتاب المزار آمده و به صورت مرسل، از امام حسن عسکری علیه السَّلام نقل شده است. شیخ طوسی نیز این روایت را در تهذیب الاحکام آورده است. طبق این روایت، زیارت اربعین، یکی از نشانه های پنج گانه مؤمن (شیعه) می باشد.

در این روایت آمده است: «رُويَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ ع أَنَّهُ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (3)

در این روایت، امام حسن عسکری علیه السَّلام می فرماید: نشانه های مؤمن (شیعه) پنج چیز است:

1. خواندن 51 رکعت نماز در طول شبانه روز؛

2. زیارت اربعین؛

ص: 163

1- . المازندرانی، معالی السبطين، ص 198؛ الزنجاني، وسيلة الدارين، ص 405.

2- . سبط ابن جوزي، تذکره الخواص، ص 280.

3- . تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، ج 6، ص 52؛ کتاب المزار، ص 53.

3. انگشتر در دست راست کردن؛

4. سجده کردن بر خاک؛

5. بلند گفتن بسم الله در همه نمازها.

نکته حائز اهمیت در این روایت، این است که از بین تمامی زیارت های مخصوصه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام - همانند زیارت رجبیه و شعبانیه یا حتی زیارت عاشورا - تنها زیارتی که علامت و نشانه شیعه معرفی شده است، زیارت اربعین می باشد. این مطلب، گویای آن است که حیات تشیع، در گرو زیارت اربعین سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام می باشد.

ص: 164

کتاب بشاره المصطفی

کتاب بشارة المصطفی لشیعة المرّتضی، نوشته ابو جعفر محمد بن علی بن رستم طبري، معروف به عمادالدین طبري است که از علمای قرن ششم هجری و متوفای 553 ه.ق می باشد. این کتاب، در بیان منزلت و درجات شیعیان علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ و کرامات اولیای الهی و پیروان ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به نگارش در آمده است.

این کتاب، مورد اعتماد علمای شیعه می باشد و از منابع مهم علامه حلی، علامه مجلسی، محقق بحرانی، شیخ حر عاملی و دیگر علمای شیعه، در تدوین و تألیف کتاب های فقهی، کلامی، حدیثی و ادعیه به شمار می رود. همچنین به دلیل این که اسناد دست اول را در بر دارد و از علمای شیعی و ایرانی مربوط به قرن پنجم و ششم هجری نام می برد، اهمیت بسیار بالایی دارد و از این نقطه نظر نیز، همواره مورد عنایت و توجه علما بوده است.

بِشَارَةِ الْمُصَافِي، کتابی روایی است که نویسنده، همه روایات خود را با اسناد کامل ثبت کرده و هیچ سندی را حذف ننموده است. ابواب این کتاب، بدون عنوان می باشد، اما همه احادیث مربوط به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَا حضرت مهدي عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ را گرد آورده است.

اهمیت این کتاب دربارهٔ اربعین، به این دلیل است که روایت تشرف جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی در روز اربعین را به طور جامع و مفصل، نقل کرده است. تشرف جابر بن عبدالله، در جلد دوم این کتاب (1) و با عنوان «مجيء جابر الأنصاري لزيارة الحسين»، یعنی «آمدن جابر انصاری برای زیارت حسین عَلِيهِ السَّلَامُ» نقل گردیده است. (2)

کتاب تحقیق دربارهٔ اول اربعین سیدالشهدا عَلِيهِ السَّلَامُ

کتاب تحقیق دربارهٔ اول اربعین سیدالشهدا عَلِيهِ السَّلَامُ

یکی از کتاب های مهم دربارهٔ اربعین، کتاب ارزشمند «تحقیق دربارهٔ اول اربعین سیدالشهدا عَلِيهِ السَّلَامُ» است. این کتاب که افزون بر هشتصد صفحه دارد و به بررسی بیش از پانصد و هفتاد کتاب می پردازد، تحقیقی مفصل و دقیق دربارهٔ نخستین اربعین امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ می باشد و در صدد اثبات این نکته است که کاروان عاشورا، به هنگام بازگشت از سرزمین شام، در تاریخ بیستم صفر سال 61 ه.ق، بر سر تربت مطهر امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ حاضر شد. به نظر نویسنده کتاب، هیچ مانعی ندارد که کاروان امام عَلِيهِ السَّلَامُ توانسته باشد این مسیر را در مدت یاد شده طی کند. او 16 دلیل اقامه می کند تا ثابت نماید که ورود اهل بیت به کربلا در روز اربعین، ممکن بوده است.

ص: 166

1- . بشارة المصطفى لشيعة المرتضي، ج 2، ص 74.

2- . شناخت سيرة معصومان، مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي نور.

نویسنده کتاب، علامه محقق سید محمد علی قاضی طباطبایی است که در محراب مصلاي جمعه تبریز به شهادت رسید. وی به علت حمایت از انقلاب، به مدت سه سال، از سوی رژیم پهلوی، به یکی از روستاهای اطراف خلخال تبعید شده بود و در این مدت، توانست چنین کتاب ارزشمندی را به نگارش در آورد. این کتاب در سال 1368 ه.ش، توسط بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبایی تجدید چاپ شد.

کتاب تهذیب الاحکام

تهذیب الاحکام، عنوان مجموعه ای حدیثی است که ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ الطائفه (درگذشته 460 ه.ق) آن را نگاشته است. این کتاب، نخستین تألیف شیخ طوسی است که قبل از کتاب

ص: 167

الاستبصار، به نگارش درآمده و شرح و توضیحی بر کتاب المقنعة شیخ مفید است. این کتاب، مجموعه ای از روایات فقهی و احکام شرعی است که از اهل بیت روایت شده است و شامل 393 باب و 13590 حدیث می باشد. تهذیب الاحکام، سومین کتاب از کتب اربعه امامیه به حساب می آید و در مقایسه با سایر کتب چهارگانه، بیشترین احادیث فقهی را در بر دارد. از مهم ترین منابع استنباطی فقهای شیعه می باشد و مورد قبول همه علماء و فقهای امامیه است. اهمیت این کتاب درباره اربعین، از آن رو است که زیارت اربعین - که صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده - نخستین بار در این کتاب آمده است.

کتاب المزار

این کتاب که مجموعه ای روایی درباره زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیه السلام می باشد و نام دیگرش «المزار الصغیر» یا «مناسک المزار» می باشد، از نوشته های شیخ مفید است. روایت فضیلت زیارت اربعین، برای نخستین بار، در این کتاب نقل شده است.

شیخ مفید در آغاز کتاب، درباره انگیزه خود از نگارش آن می نویسد: «با توجه به این که علماء، کتابی مستقل در زیارت ائمه علیهم السلام ننگاشته اند، تصمیم گرفتم کتابی در زمینه شیوه زیارت دو امام بزرگوار، حضرت علی و امام حسین علیهما السلام به نگارش در آوردم». البته شیخ مفید در بخش دوم کتاب، زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر ائمه علیهم السلام را نیز آورده است. او این کتاب را به سبک کتاب های روایی تدوین نموده و قبل از هر روایت، سند آن را آورده و سپس دعا

و زیارت را از امام معصوم عَلَیْهِ السَّلَام نقل کرده است.

این کتاب، از معتبرترین منابع در باب دعا و زیارت به شمار می رود و علما و دانشمندان بزرگ شیعه نیز بر آن اعتماد و استناد نموده اند؛ از جمله:

1. شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، یکی از شاگردان برجسته شیخ مفید، در کتاب «تهذیب الأحکام»، بخش گسترده ای از این کتاب را نقل کرده است.

2. سید غیاث الدین عبد الکریم بن طاووس، در کتاب ارزشمند «فرحة الغری»، به نقل از این کتاب، مطالب بسیاری را آورده است.

3. شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن حسن عاملی کفعمی، در کتاب های «البلد الامین» و «المصباح»، مطالبی را با استناد به این کتاب، بیان کرده است. (1)

کتاب مصباح الزائر

کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر»، از نوشته های سید رضی الدین أبو القاسم علی بن موسی بن طاووس حسینی حلی است. این کتاب، از نخستین نوشته های سید بن طاووس است که 20 فصل دارد و به مقدمات سفر زیارتی و آداب زیارت ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام و امام زادگان و مؤمنان می پردازد. (2)

اهمیت این کتاب درباره اربعین، از آن رو است که زیارت نامه جابر از زبان عطیة عوفی، برای نخستین بار، در این کتاب آمده است.

ص: 169

1- . نرم افزاری جامع الاحادیث، موسسه علوم کامپیوتری نور.

2- . الذریعه، جلد 21، صفحه 107.

بسیاری از نویسندگان، دربارهٔ زیارت اربعین، روز اربعین و رخدادهاي مربوط به اربعین، کتاب هایی را نوشته اند که در این بخش، به نام برخی از این کتاب ها اشاره می شود:

1. «آه از غروب فراق: نجوای خاموش جابر با مولایش حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، سعید مقدس، تهران، مکیال، 1381، 64 صفحه.
2. «الاربعین الحسینیه»، محمد اشراقی معروف به ارباب، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، 1379، 350 صفحه.
1. «اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، حسن نمازی شاهرودی، تهران، دانشوران، 1378، 16 صفحه.
4. «اربعین حسینی: پژوهشی در بازگشت اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ از شام به کربلا»، محمدمین پورامینی، با مقدمه معرفت، قم، حسین، 1382، 124 صفحه.
5. «اربعین در فرهنگ اسلامی»، تهیه و تنظیم و ترجمه رضا تقوی دامغانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، 1368.
6. «اربعین در فرهنگ شیعه»، محمد محسن حسینی طهرانی، قم، عرش اندیشه، 1426 هـ.ق = 1384 هـ.ش؛ قم، مکتب وحی، 1432 هـ.ق = 1390 هـ.ش، 117 صفحه.
7. «اربعین سید شهیدان کربلا»، اصغر محمدی همدانی، تهران، گلزار کتاب، 1386، 81 صفحه.
8. «الاربعین فی التراث الشیعی»، محمد محسن حسینی طهرانی، بیروت، دار المحججه البیضاء؛ تهران، مکتب وحی، 1431 ق، 151 صفحه.

9. «اربعین و چهل درس از کاروان آزادی آفرین کربلا»، مرتضی مهدوی یگانه، تهران، جمهوری، 1387، 123 صفحه. 10. «اربعین»، رسول جعفریان، تهیه شده در معاونت امور فرهنگی، مدیریت آموزش، تهران، نشر مشعر، 1390، 33 صفحه.
11. «اربعینان»، سید محمود هاشمی دهرخی، قم، انتشارات آشیانه برتر، 1393، 96 صفحه.
12. «اربعینیه الامام الحسین فی وجدان الاسلام»، عدنان عبدالنبی البلداوی، بغداد، 2009م، 23 صفحه.
13. «از عاشورا تا اربعین»، محمد سرخوش، بوشهر، انتشارات بوشهر، 1388، 131 صفحه.
14. «از کربلا تا مدینه محرق القلوب»، احمد بحرینی دشتی، اقتباس از کتاب محرق القلوب مهدی نراقی، قم، موسسه انتشارات عصر ظهور، 1384، 352 صفحه.
15. «با خاندان وحی: از عاشورا تا اربعین»، حشمت الله قنبری همدانی، تهران، امیر کبیر، 1379، 173 صفحه.
16. «تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ». محمد علی قاضی طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبائی، 1368، 963 صفحه؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، 1383، 488 صفحه.
17. «ثار الله خون حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در رگ های اسلام» به ضمیمه تحقیقی درباره اربعین حسینی، حسین عندلیب همدانی، قم، مسجد مقدس جمکران، 1392، 519 صفحه.

18. «چله وصل، اسرار اربعين»، سيد علي رضا موسوي، اصفهان، انتشارات ذكري القلوب ' 1393، 110 صفحه.
19. «چهل روز عاشقانه»، محمدرضا سنگري، تهران، كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان، 1381، 143 صفحه.
20. «الخبر اليقين في رجوع السبايا لزياره الاربعين: تاريخيا و فقهيًا»، حسن البدوي، بيروت، دار الولا، 295 صفحه.
21. «خطوات المتقين في ثمار زياره الاربعين»، هادي الشيخ طه، كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، 1431ق، 30 صفحه.
22. «دانستني هاي اربعين حسيني»، رضا اكرمي.
23. «درسنامه اربعين»، مجيد جعفر پور، قم، بيت الاحزان، 1390 ه.ش، 256 صفحه.
24. «ديوان اربعين الامام الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، ام سرور، قم، انتشارات حضرت عباس عَلَيْهِ السَّلَامُ، 1432 ه.ق = 1390 ه.ش، 200 صفحه.
25. «راز بكاء: مصائب حضرت زينب از واقعه كربلا تا اربعين»، مقصود باقري، تبريز، سالار، 1379، 224 صفحه.
26. «رسم دلدادگي: روايتي ادبي از اربعين حسيني از نگاه جابر ابن عبدالله انصاري»، عليرضا مرتضوي، تهران، ستاد عالي هماهنگي و نظارت بر كانونهاي فرهنگي و هنري مساجد، 1390، 40 صفحه.
27. «رياض العارفين في زياره الاربعين»، عادل علوي، قم، موسسه اسلامي تبليغ و ارشاد، 1431ق = 1389، 150 صفحه.
28. «زيارت اربعين: آينه عرفان و آيت ايمان»، با تبياني از محمد حسن احمدي فقيه، قم، دار التفسير، 1423ق / 1381؛ قم، آيات

29. «زیارت اربعین»، ترجمه حسین انصاریان، جهاد دانشگاهی واحد قزوین، چاپ 1، سال 1392، 24 صفحه.
30. «زیارت اربعین»، کامران فتوحی قیام، گرافیس: ناصر گلستانی داریانی، مجنون، چاپ 1، سال 1391، 80 صفحه.
31. «زیارت در اربعین: فضیلت زیارت اربعین حسینی در کربلا»، محمد علی نورانی یگانه قمی، قم، اثر قلم، 1392، 87 صفحه.
32. «زیارت عشق»، سید حشمت الله علوی، اقیانوس معرفت، چاپ 1، سال 1393، 124 صفحه.
33. «زیاره الاربعین: درسه موضوعیه فی اثبات مشروعیتها». کمال زهر، بیروت، امجاد، 1422ق، 70 صفحه.
34. «زینب در حساس ترین و درخشان ترین دوران زندگی خود یعنی: از عاشورا تا اربعین»، بدرالدین نصیری، به کوشش اسدالله مرادی بروجردی، کاشان، حسینیه آیت الله امامت کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد علیهم السّلام، 1383، 349 صفحه.
35. «سریر اشک: ماتم نامه حسینی از محرم تا اربعین»، به کوشش محمدعارف موسوی نژاد، با مقدمه ای از صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، 1387=1430 ه.ق، 182 صفحه.
36. «سفري از عاشورا تا اربعین: به ضمیمه شرح زیارت های عاشورا و اربعین»، عبدالله مستحسن، سبط النبی، چاپ 1، سال 1389 ه.ش، 392 صفحه.
37. «شرح زیارت اربعین سالار شهیدان همراه با: زیارت عاشورا، دعای توسل،

دعای عهد و دعای فرج»، یدالله زمانی گندمانی، قم، چلچراغ، 1390، 128 صفحه.

38. «شرح زیاره اربعین للامام الحسین»، السید حسون البطاط، بیروت، الفیحاء، 2013م.

39. «شعر اربعین»، دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، زیر نظر نصرالله مردانی، تهران، شاهد، 1377، 164 صفحه.

40. «صحیفه کربلا»، سید امیر معصومی، حدیث مهر، معارف معنوی، هفت، اشکذر، چاپ 1، سال 1390، 128 صفحه.

41. «صفریه از روز اربعین تا آخر ماه صفر»، علی فلسفی خراسانی، تصحیح جواد ارتشداد، مشهد، جعفری، 1406ق = 1364، 3 جلد.

42. «غم نامه نینوا: سروده عاشورایی و برگشت اسرا از شام و اربعین حسینی»، حسن ملا (لاهیج نوری)، تلخیص و انتخاب اشعار از هادی طیبی (مرادعلی)، کرمانشاه.

43. «فاجعه اربعین»، شیخ حسن بلادی

44. «فضل زیاره الامام الحسین یوم اربعین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، محمدعلی نورانی، اثر قلم، چاپ 1 سال 1392، 66 صفحه.

45. «فلسفه زیاره اربعین»، عدنان ساعدی، بزم قلم، چاپ 1 سال 1392، 48 صفحه.

46. «الکاظمیه المقدسه و احیاء ذکری اربعینیه الامام الحسین لعامی 1430 - 1431»، کاظمین، العتبه الکاظمیه المقدسه، 1431ق، 79 صفحه.

47. «الگوهای آسمانی، فاطمه و اربعین حسینی»، مجموعه سخنرانی های خطیب توانا حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمدتقی

حشمت الواعظين طباطبائي قمي. علي تقديري، قطب الدين محمد رستگار، تهران، 1389، 224 صفحه.

48. «مجالس الاربعين في مصيبه راس الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، نورالله ذاكر قاضي عسگر، اصفهان، بينا، 1383ق، 139 صفحه.

49. «مجلة صدي الاربعين»، مجموعة مؤلفين، كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية و الثقافيه، 1434ق.

50. «مجموعه مقالات در زمينه عاشورا، اربعين و نوروز»، محمد فاضل استرآبادي، قم، انتشارات شيعه شناسي، 1392.

51. «مرثيه نامه: اربعين و ورود به مدينه محرم و صفر 1388»، مجيد عيوضي، تهران، آرام دل، صيام، 1388، 48 صفحه.

52. «مسير السبايا ويوم الاربعين و يليه اربعين الحسين في الادب القريض والشعبي»، محمود الشريف، قم، الشريف الرضي، 1373، 64 صفحه؛ قم، باقيات، مكتبه فذك، 1428ق، 176 صفحه.

53. «مسيرة الاربعين الحسينيه»، علي حسين الخباز، كربلاء المقدسه، العتبه العباسيه المقدسه - قسم الشؤون الفكرية، 2012م.

54. «المسيره المليويه في زياره الاربعين»، عبد مناف عبد محمود الخفاجي، بابل، دار الصادق، 2014م، 123 صفحه.

55. «المشي الي الامام الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، محمود الغريفي البحراني، قم، دارالصديقه الشهيد، سماحه المرجع آيه الله العظمي الميرزا جواد التبريزي، 1425ق، 32 صفحه.

56. «مصائب الحسين يوم الاربعين»، الملايه معصومه حبيب الجريدان.

57. «مصائب حضرت زينب از واقعه كربلا تا اربعين»، مقصود باقري، تبريز،

58. «من آداب زیاره الاربعین»، الشیخ مهدی تاج الدین، کربلاء المقدسه، مکتبه العلامه ابن فهد الحلبي، 2013م.
59. «نخستین اربعین در کربلا»، آیه الله قاضی طباطبایی، مقدمه آیه الله جعفر سبحانی، تلخیص و نگارش مهدی شمس الدین، تهران، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، 1375، 71 صفحه.
60. «النور المبین فی شرح زیاره الاربعین»، مهدی تاج الدین، قم، دارالانصار، 1426ق، 248 صفحه.
61. «هشتاد هزار متر عشق»، مهدی نیلی پور، قم، 1393ش.
62. «همراه با آل علی، از عاشورا تا اربعین»، حشمت الله قنبری همدانی، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد برگزاری برنامه های فرهنگی - تبلیغی سال حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران، امیرکبیر، 1379، 145 صفحه.
63. «یا اهل العالم: پیاده روی میلیون‌ها اربعین حسینی از دریچه دوربین»، عکس سید احسان باقری، علی حیاتی؛ گردآوری و بازنویسی متن محمد کرم زاده، تهران، بیان معنوی، 1391، 108 صفحه.
64. «یوم الاربعین عند الحسین علیه السلام»، عبدالرزاق الموسوی المقرم، نجف، مطبعة القضاء، 1377ق، 40 صفحه.

مبدا پیدایش پیادی روی اربعین

قاضی طباطبایی می نویسد: «حرکت به سوی کربلا در روز اربعین، از زمان ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ در بین شیعیان رایج بوده است و شیعیان حتی در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به این حرکت، مقید بوده اند». او این حرکت را سیره مستمر شیعه در طول تاریخ می داند. (1)

محسن امین عاملی

شتر کرایه کرد نه روزه از شام آمد کربلا، که ثابت کند اهلیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به کربلا آمده اند.

مخالفان اربعین

کسانی که با اصل اعتقادات شیعه مخالف هستند، دشمن همایش بزرگ

ص: 177

1- . تحقیقی درباره اربعین اول سید الشهداء، ص 2.

شیعی و پیاده روی در اربعین حسینی می باشند. البته منظور از دشمنان، اهل سنت نیستند؛ چرا که این برادران مان هم در این همایش بزرگ، حضور دارند. دشمن اصلی این سفر مقدس، استکبار جهانی است. چون حس می کنند که اگر این همایش، جهانی گردد و شوق و محبت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ عالم گیر شود، دیگر کسی نمی تواند جلوی آن را بگیرد. از این رو، از برادران جاهل مان - در میان شیعه و اهل سنت - استفاده می کند و به دنبال خاموش کردن این چراغ در حال روشن شدن و فراگیر شدن برای عالم می باشند. تنها وظیفه ما در مقابله با آنان، ایجاد محبت و دوستی است. هر چند بر خلاف تلاش دشمنان، سال به سال بر جمعیت زائران اربعین افزوده می شود، اما باید هوشیار باشیم و هوشمندانه عمل کنیم.

تلاش دشمنان برای مخالفت با حرکت اربعین، مربوط به امروز و دیروز نیست. در زمان خلافت بنی العباس، هر کس به زیارت اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ می رفت، یک دستش را قطع می کردند؛ اما باز هم زائران امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ راهی کربلا می شدند. روز به روز، شرایط را سخت تر کردند تا جایی که از هر دو زائر، یک نفر را می کشتند؛ اما باز هم زائران، به زیارت حضرت می رفتند. (1) در زمان صدام و حکومت حزب بعث نیز، هر کس برای زیارت اربعین، پیاده به کربلا می رفت، حکمش اعدام بود؛ ولی باز هم حرکت زائرین ادامه داشت.

امروز هم علی رغم این که مراسم اربعین حسینی در کربلا، بزرگترین تجمع مسالمت آمیز تاریخ بشر به شمار می آید، اما مدام مورد شدیدترین حملات تروریستی تکفیری ها قرار می گیرد و با وجود اقدامات پیش گیرانه امنیتی، زائران را هر ساله در اربعین حسینی، به خاک و خون می کشند.

ص: 178

1- . اخبار الدول، به نقل از مشیر الاحزان.

در یکی از این سال ها، ابوبکر البغدادي، سرکرده گروه تکفيري عراق، در يك فايل صوتي، زائران اربعين را تهديد به قتل کرد و گفت: «چند سالي است که حضور شيعيان در اربعين، رشد کرده است. ما امسال با تمام قوا، وارد عمل خواهيم شد و در اربعين امسال، همانند عاشوراي 61 هجري، تمامي شيعيان را به خاک و خون مي کشيم!» وي در ادامه گفت: «زيارت حسين در اربعين، به نماد اتحاد شيعيان معروف شده است و ما بايد به اين اتحاد و همدلي، ضربه اساسي وارد كنيم». (1)

آل سعود نیز مي خواهد به هر نحوي که شده و با خرج ميليون ها دلار، کاری کند که زائران اربعين، به زیارت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام نروند؛ اما مي بينيم که عاشقان اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام از همه جاي دنيا، به زیارتش مي شتابند و سال به سال، بر جمعيت زائران اربعين افزوده می شود.

مدت اقامت اهل بيت عليهم السلام در اربعين

مدت اقامت اهل بيت عَلَيْهِ السَّلَام در اربعين

از برخي روايات به دست مي آيد که اهل بيت امام حسين عَلَيْهِ السَّلَام، تا سه روز بعد از اربعين، در کربلا ماندند. مرحوم عبدالرزاق مكرم مي نويسد: «پس از سه روز اقامت در کربلا، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام احساس کرد که چاره اي جز رفتن به سوي مدینه نيست؛ زیرا عمه ها و ديگر بانوان و کودکان را مي ديد که شب و روز گريه مي کنند و از قبري به سوي قبر ديگر مي روند و وضعيتي به وجود آمده که قابل تحمل نيست». (2)

ص: 179

1- . شيعه نيوز، 25 دی 1390.

2- . مقتل الحسين مكرم، ص 470.

استاد شهید مرتضی مطهری، در 13 بهمن 1298 هـ.ش در فریمان استان خراسان به دنیا آمد و در 11 اردیبهشت 1358 هـ.ش در تهران به شهادت رسید. (1) او یک روحانی شیعه، استاد کلام و فلسفه و تفسیر قرآن، عضو هیئت مؤتلفه اسلامی و از نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. پیش از انقلاب 57، در دانشگاه تهران تدریس می کرد و پس از انقلاب، به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. امام خمینی «ره» علاقه فراوانی به او داشت؛ به طوری که بعد از شهادت استاد مطهری فرمود: «مطهری، پاره تن اسلام و حاصل عمر من بود». در ادبیات جمهوری اسلامی ایران، از وی با عنوان «معلم شهید» یاد می شود.

در میان اندیشمندان معاصر، ایشان با تأثرپذیری از کتاب «لؤلؤ و مرجان» نوشته محدث نوری، ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا در اربعین اول و ملاقات آنان با جابر را قبول نداشت. (2)

مرد الرأس

به روز بازگرداندن سر امام حسین علیهم السلام به کربلا، «مَرْدُ الرَّأْسِ» گفته می شود. عده ای بر این باورند که در اربعین حسینی، سرها از شام به کربلا بازگردانده شد و یکی از رخداد های مهم در روز

اربعین، الحاق سر مطهر امام حسین علیهم السلام به بدن آن حضرت بود که توسط امام سجاد علیهم السلام صورت گرفت. (3)

ص: 180

1- . عرفان مطهری، روزنامه ایران، 13 اردیبهشت 86، صفحه آینه.

2- . مطهری، حق و باطل، ص 89.

3- . قاضی طباطبایی، تحقیقی درباره اول اربعین، ص 2.

از نویسندگان پیشین، تنها ابوریحان بیرونی، اشاره کلی به این ماجرا کرده و گفته است که در بیستم صفر سال 61 هـ.ق، خاندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ که از شام به کربلا آمدند، سر آن حضرت را بر تنش ملحق کردند: «وَفِي الْعِشْرِينَ رُذِّ رَأْسُ الْحُسَيْنِ إِلَى مَجْتَمِعِهِ حَتَّى دُفِنَ مَعَ جُثَّتِهِ وَفِيهِ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ» (1) او اشاره ای به جزئیات این ماجرا نکرده است.

به گفته شیخ طوسی، اهمیت زیارت اربعین، به این دلیل است که اربعین، روز الحاق سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به بدن ایشان می باشد. علامه مجلسی می نویسد: «ذَكَرَ الْمُؤْتَصِّفِيُّ فِي بَعْضِ مَسَائِلِهِ أَنَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ رُدَّ إِلَى بَدَنِهِ بِكَرْبَلَاءَ مِنَ الشَّامِ وَضُمَّ إِلَيْهِ وَقَالَ الطُّوسِيُّ وَ مِنْهُ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ» (2) سید مرتضی ذکر کرده است که سر مبارک امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، به کربلا بازگردانده شد و به بدن مبارک آن حضرت، الحاق گردید. به گفته شیخ طوسی، زیارت اربعین از همین رو صورت می گیرد».

سید بن طاووس می نویسد: «فَأَمَّا رَأْسُ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فَرُوي أَنَّهُ أُعِيدَ فَدُفِنَ بِكَرْبَلَاءَ مَعَ جَسَدِهِ الشَّرِيفِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ عَمَلُ الطَّائِفَةِ عَلَيَّ هَذَا الْمَعْنَى الْمُشَارِ إِلَيْهِ» (3) «روایت شده است که سر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بازگردانده شد و به بدن شریفش ملحق گردید و عمل شیعیان نیز، بر همین عقیده استوار است».

البته درباره سر مطهر سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ، روایاتی هست که این سخن را رد می کند و تصریح دارد که سر مطهر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به بدن بازگردانده نشد و بالای سر امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ دفن گردید. از این رو، مستحب است که سر

ص: 181

1- . الاثار الباقیه، ص 331.

2- . بحار الأنوار، ج 44، ص 199.

3- . اللهوف علي قتلي الطفوف، ص 195.

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در این مکان زیارت شود. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه و محدث نوری در کتاب مستدرک، بابی را به همین عنوان اختصاص داده اند؛ یعنی: «بَابُ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (1) روایات مذکور در این باب، چند دسته است:

1. در سه روایت - به نقل از ابان بن تغلب و مبارک خباز و ابوالفرج سندی - آمده است که امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در کنار قبری که محل دفن سر بریده امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بود و بالای سر امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ قرار داشت، دو رکعت نماز خواند.
2. در دو روایت - به نقل از طلحه نهدي و یزید بن عمر بن طلحه - آمده است که حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به فرزندش اسماعیل فرمود: «در نجف، کنار قبر سر بریده، نماز بخوان». اسماعیل سؤال کرد: «مگر سر بریده امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به شام نرفت؟». حضرت فرمود: «بله؛ اما یکی از شیعیان ما، آن سر را ربود و در بالای سر امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ دفن کرد».
3. صفوان بن مهران، به سیف بن عمیره عبدي گفته است که با امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به نجف رفتیم و امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را بالای سر امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ زیارت کردیم.
4. زیارت نامه ای از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل شده است که با «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ» آغاز می گردد. این زیارت نامه، زیارت مخصوص سر بریده امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ است و در بالای سر امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ خوانده می شود. (2)
5. در روایت یونس بن ظبیان آمده است که امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در نجف اشرف،

ص: 182

1- . وسائل الشیعه، ج 14، ص 398؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 10، ص 225.

2- . ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص 517.

در کنار قبري کوچک نماز خواند و تصريح کرد که محل دفن سر بریده سيدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ است. و در ادامه فرمود: «فَصَيَّرَهُ اللَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدُفِنَ؛ با اراده الهي، سر بریده امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ در نزد امير مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ دفن شد». (1) در اين روايت، تصريح شده است که سر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ و بدن امير مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در کنار يکديگر قرار دارند: «فَالرَّأْسُ مَعَ الْجَسَدِ وَ الْجَسَدُ مَعَ الرَّأْسِ». (2)

6. در برخي روايات، تصريح شده است که محل دفن سر بریده در نجف اشرف، همانند قبري کوچک، قابل مشاهده بوده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به يکي از اصحاب خود فرمود: «رَأَيْتَ قَبْرَيْنِ قَبْرًا كَبِيرًا وَقَبْرًا صَغِيرًا فَأَمَّا الْكَبِيرُ فَقَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمَّا الصَّغِيرُ فَقَبْرُ الْحُسَيْنِ؛ (3) وقتي به نجف رفتي، دو قبر در آنجا مي بيني: قبري کوچک و قبري بزرگ. قبر بزرگ، قبر امير مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و قبر کوچک، محل دفن سر بریده امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ است».

کساني که معتقدند سر بریده امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ به بدن مبارك آن حضرت ملحق شده است، بدون نقل هيچ روايت مستندي، آن را در روز اربعين و توسط امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ مي دانند؛ در حالي که از روايان متعدد، نقل شده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با تعابير گوناگون، تصريح مي فرمايد که سر مطهر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ در نجف اشرف مدفون است. البته اقوال ضعيفي نيز مبني بر دفن سر امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ در مصر و حلب و شام و مدينه وجود دارد که قابل اعتنا نيست.

ص: 183

1- . وسائل الشيعه، ج 14، ص 403.

2- . همان.

3- . وسائل الشيعه، ج 14، ص 402.

در کشور عراق، مسافران می توانند از طریق همه مسیرها، راهی کربلا شوند؛ ولی در حال حاضر، دو راه امن و بدون خطر، برای رفتن به کربلا وجود دارد:

1. از بغداد به کربلا که فعلاً به خاطر گروه تکفیری، از امنیت بسیار کمی برخوردار است.

2. از شهر نجف به کربلا که دو مسیر دارد: یکی راه مستقیم و اتوبانی که از خروجی شهر نجف تا ابتدای شهر کربلا، حدود 80 کیلومتر است؛ راه دوم، راه قدیمی است که حدود بیست یا سی کیلومتر دورتر است و برای رسیدن به کربلا، باید مسافت بیشتری پیمود، ولی مسیر خلوتی دارد.

مسیر نجف تا کربلا را می توان در سه روز طی کرد. در تمام این مسیر، تیرهای چراغ برقی وجود دارد که از 1 تا 1452 شماره گذاری شده اند و هر کدام از این تیرک ها، دقیقاً 50 متر با هم فاصله دارند و به نوعی، کیلومتر شمار به حساب می آیند. به وسیله آنها می توان تشخیص داد که چقدر از مسیر طی شده و چقدر باقی مانده است.

از حرم امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام تا مقداری از مسیر، تیرها از 1 تا 200

شماره گذاري شده اند و بعد از تير برق شماره 200، مجدداً با تير برق شماره 1 مواجه مي شويم. تا اين قسمت از مسير، مربوط به شهر نجف است و از اینجا به بعد، محدوده کربلا شروع مي شود و شماره هاي جديد، تا مرقد مطهر اباالفضل العباس عَلَيهِ السَّلَامُ ادامه دارد.

تا تيرک شماره 1295، تنها يك مسير وجود دارد. از آنجا به بعد، مسير دو تا مي شود: يکي همان مسير تيرک ها است که به صورت شماره گذاري شده، ادامه پيدا مي کند؛ و ديگري، جاده کناري است که تيرک ندارد، اما به حرم نزديک تر است.

تيرک هاي شماره گذاري شده، کمک بزرگی به زائران می کند. علاوه بر این که فاصله را تا کربلا نشان مي دهد، وعده گاه زائران نیز به حساب مي آيد و معمولاً وقتي مي خواهند با هم وعده بگذارند، در کنار تيرک شماره فلان، قرار مي گذارند تا همدیگر را گم نکنند.

مقالات اربعين

بسياري از نویسندگان، درباره زیارت اربعين، روز اربعين و رخدادهاي مربوط به اربعين، مقالاتي را نوشته اند که در اين بخش، به برخي از اين مقالات، اشاره مي شود:

1. «اثر اربعين در فرهنگ شيعه»، علامه جلالی، مجله الكوثر، ش 1394، 5 صفحه.

2. «إحياء الإسلام بإحياء قضیه الوحده»، حسن يحيي، صدي الاربعين، كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكري والثقافيه، 1434ق، صفحه 9-12.

ص: 185

3. «إحياء أمر أهل البيت و تعظيم الشعائر الحسينيه»، السيد أحمد الحسيني، صدي الاربعين، كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، 1434ق، صفحه 15-23.
4. «ارائه ساختار مناسب مستند ديني - آيني با مطالعه موردی اربعين حسيني در عراق»، حسن امامي، پايان نامه کارشناسي ارشد، به راهنمايي علي اصغر غلامرضايي و مشاوره محمود اربابي، دانشکده صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران، 1392.
5. «اربعين ابوالشهداء عليه آلاف التحية و الثناء»، نصرت الله نورياني، آيين اسلام، ش 251، 18 آذر 1328، صفحه 1-2.
6. «اربعين از دیدگاه رهبر»، ماهنامه سرباز، شماره 208، دي 1392، صفحه 24.
7. «اربعين امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، حسن نمازي شاهرودي، تهران، دانشوران، 1378، صفحه 16.
8. «اربعين امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ، يك گزارش اجمالي»، رسول جعفريان، مقالات تاريخي، صفحه 171-178.
9. «اربعين امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، حسين ظفري نژاد، ماهنامه پرسمان، شماره 108، دي 1390، صفحه 17-18.
10. «اربعين حسين بن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ، چهلمين روز پيكار سپاه حق با لشگر كفر و ننگ»، دانشوران، شماره 3، تير 1343، صفحه 7-10.
11. «اربعين حسيني و روز زيارتي حضرت اباعبدالله الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، محمود سوري، گلبرگ معرفت، شماره 73، فروردين 1385 ه.ش، صفحه 36-40.
12. «اربعين حسيني و روز زيارتي حضرت اباعبدالله الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، محمود سوري، گلبرگ معرفت، شماره 73، فروردين 1385 ه.ش، صفحه 36-40.

13. «اربعین حسینی، درس ها و پیام ها»، پیام انقلاب، شماره 31، بهمن 1388، صفحه 2.
14. «اربعین حسینی»، سید رضا طاهری، اشارات، شماره 149، زمستان 1391، صفحه 49-66.
15. «اربعین حسینی»، طه تهامی، پیام زن، شماره 238، دی 1390 ه.ش، صفحه 30-35.
16. «اربعین حسینی»، محمد ابراهیم محمدی، فرهنگ کوثر، شماره 64، زمستان 1384، صفحه 29-35.
17. «اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ»، نصرت الله نوربانی، آیین اسلام، شماره 271، آذر 1328، صفحه 1-2.
18. «اربعین سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ»، خیمه، شماره 40 و 41، خرداد و تیر 1387، صفحه 36-37.
19. «اربعین سید شهیدان کربلا»، اصغر محمدی همدانی، تهران، گلزار کتاب، 1384، صفحه 96.
20. «اربعین نور: اربعین حسینی»، عبداللطیف نظری، گلبرگ معرفت، شماره 61، فرودین 1384، صفحه 49-50.
21. «اربعین نور: اربعین حسینی»، گلبرگ معرفت، شماره 61، فروردین 1384، صفحه 49-53.
22. «اربعین و بازگشت کاروان کربلا»، عطاءالله مهاجرانی، اطلاعات، 2 اردیبهشت 1382، صفحه 7.
23. «اربعین و بازگشت کاروان حسینی به کربلا»، حسین تربتی، مبلغان، شماره 172، آذر و دی 1392، صفحه 28-35.

24. «اربعین و چهل درس از کاروان آزادی آفرین کربلا»، مرتضی مهدوی یگانه، تهران، جمهوری، 1387، صفحه 123.
25. «اربعین، بلوغ عاشورا»، محمدرضا سنگری، رشد معلم، شماره 102، تابستان 1373، صفحه 44 - 45.
26. «اربعین، تداوم عاشورا»، جواد محدثی، پیام زن، شماره 203، بهمن 1387، صفحه 14 - 15.
27. «اربعین، تداوم قیام حسینی»، پیام انقلاب، شماره 96، آبان 62، صفحه 4 - 7.
28. «اربعین، روزی که سرهای مجلسیان درباری فرو افتاد»، نشریه صف، شماره 25، دی 1360، صفحه 10 - 11.
29. «اربعین، نگاهی به نقش تاریخ ساز امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ بعد از فاجعه کربلا»، نشریه جهاد، شماره 59، آذر 1362، صفحه 32 - 33.
30. «اربعین»، دائرة المعارف تشیع، جلد 1، صفحه 84.
31. «اربعینیه الامام الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ في وجدان الاسلام»، عدنان عبدالنبي البلداوي، صدي الاربعین، کربلا، العتبه العباسیه المقدسه، قسم الشؤون الفكریه والثقافیه، 1434ق، صفحه 25 - 32.
32. «اسرار اربعین در تاریخ خلقت»، دیدار آشنا، شماره 135، دی 1390، صفحه 12 - 14.
33. «اسرار معنوی اربعین حسینی»، عبدالله جوادی آملی، اطلاعات، 27 اسفند 1384، صفحه 6.
34. «اگر اربعین نبود عاشورا گم می شد»، حجت الاسلام والمسلمین ارفع، پاسدار اسلام، شماره 361، دی 1390، صفحه 16 - 19.

35. «الاربعون في البحرين: شعائر بدأها المؤمنون منذ واقعه كربلاء»، شعائر، شماره 45، صفر 1435 هـ.ق، صفحه 8-12 . 36.
- «الأربعون في المأثور الإسلامي»، الشيخ عبد الجبار الساعدي، ينايع، شماره 10، محرم الحرام - صفر 1427 هـ.ق، صفحه 18-22.
37. «التأييد الإلهي لزياره الاربعين»، الشيخ مكي فاضل، صدي الاربعين، كربلا، العتبه العباسيه المقدسه، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، 1434ق، صفحه 33-42.
38. «با اربعين حسيني»، دو ماهنامه نيم رخ، ش 26، فروردين و ارديهشت 1385، صفحه 38-39.
39. «با كاروان اربعين»، پگاه حوزه، شماره 318، دي 1390، صفحه 36-37.
40. «پژوهش پيرامون اربعين امام حسين عَلَيْهِ السَّلَام»، رسول جعفریان، قدس، 22 فروردين 1383، 10 صفحه.
41. «پژوهشي در اربعين حسيني»، محسن رنجبر، تاريخ در آيينه پژوهش، شماره 5، بهار 1384، صفحه 157-192.
42. «پژوهشي در اربعين حسيني»، محسن رنجبر، تاريخ در آيينه پژوهش، شماره 5، بهار 1384، صفحه 157-192.
43. «پيام آوران عاشورا، به مناسبت اربعين حسيني»، نشریه جهاد، شماره 43، آذر 1361، صفحه 18-22.
44. «پيام اربعين در زيارت اربعين»، عبدالکریم پاک نیا تبريزي، مبلغان، شماره 124، دي و بهمن 1388، صفحه 14-25.
45. «تأملي پيرامون اربعين»، احساني، آفاق مهر، شماره 48، دي - اسفند

46. «تأملی تاریخی - تحقیقی در نخستین اربعین امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، محمدجواد شمس، سروش، سال 19، شماره 841، خرداد 1376، صفحه 22 - 25.
47. «تجدید الحزن فی اربعین»، رشید السرای، جنه الحسین، شماره 5، محرم الحرام 1435ق، صفحه 62-67.
48. «تجلی اربعین حسینی در دیوان برخی از شعرای عاشورایی اردبیل»، جابر عناصری، آذر مهر، سال 4، شماره 45، تیر 1374، صفحه 3.
49. «تحقیق درباره اولین اربعین»، سید محمد علی قاضی طباطبائی، موعود، شماره 8، خرداد و تیر 1377، صفحه 24-27.
50. «تحقیقی درباره اربعین حسینی»، محمد تقی سبحانی نیا، تاریخ در آینه پژوهش، شماره 6، تابستان 1384، صفحه 147-182.
51. «تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی»، محمد فاضل، رواق اندیشه، شماره 1، خرداد و تیر 1380، صفحه 5-32.
52. «جایگاه اربعین در فرهنگ شیعی و عاشورا»، رسول جعفریان، رسالت، 8 اسفند 1386، صفحه 6.
53. «جلوه های حماسی سیاسی در زیارت اربعین»، علی حائری مجد، اشارات، شماره 153، زمستان 1392، صفحه 38-39.
54. «چگونگی پیدایش و برپایی مراسم اربعین حسینی در زنگبار»، یاسر کنعانی، اخبار شیعیان، شماره 63، بهمن 1389، صفحه 36.
55. «چهل روز اشک و آه مهر و سپهر»، رسول جعفریان، رسالت، 23 اردیبهشت 1380، صفحه 6.

56. «در اربعین چه گذشت»، گلستان قرآن، شماره 63، اردیبهشت 1380، صفحه 27.

57. «درس اربعین»، معارف، شماره 100، آذر و دی 1392، صفحه 22.

58. «دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟»، رسول جعفریان، رسالت، 17 اسفند 1385، صفحه 17.

59. «دیدگاه های مختلف درباره اربعین»، عباسعلی کامرانیان، کیهان، 23 اردیبهشت 1380، صفحه 6.

60. «زیارة الأربعین هكذا تحدث عنها المعصومون... و التزم الحسینیون»، تحقیق احمد الحسینی، شعائر، شماره 9، صفر 1432ق، صفحه 8-12.

61. «زیاره الأربعین، نبض وحده الأمة والمستضعفین». حسین کورانی، شعائر، شماره 46، ربیع ال اول 1435ق، صفحه 6-7.

62. «زیارت: نهضت پیاده روی اربعین»، جواد محدثی، پیام انقلاب، شماره 158، اسفند 1364، صفحه 62-65.

63. «زیاره الأربعین من علامات المؤمن»، کاظم البهادلی، الفرات، شماره 11، صفر 1423ق.

64. «سرقداست اربعین حسینی»، محمد فاضل استرآبادی، اخبار شیعیان، شماره 17، فروردین 1386، صفحه 40-41.

65. «سفر عشق: روایتی از پیاده روی اربعین، از نجف تا کربلا»، سید محمد جعفر محمودی، آفاق مهر، شماره 54، آذر و دی 1392، صفحه 6-13.

66. «سلام بر تو که وارث تمام انبیایی: نگاهی به زیارت مهم اربعین که خواندنش یکی از نشانه های ایمان است»، فاطمه مرشدی، خیمه، شماره

67. «سلام بر کسی که زخم هایش التیام یافت»، رقیه ندیری، اشارات، شماره 153، زمستان 1392، صفحه 24-32.

68. «شیعیان زنگبار و مراسم اربعین»، وقف میراث جاویدان، شماره 39-40، مهر 1381، صفحه 91-93.

69. «صدایی واحد از سینه های عاشق»، همشهری، 21 خرداد 1374، صفحه 10.

70. «ظرافت روح ایرانی در انطباق مذهب و ملیت: گفتاری در باب تقارن نوروز و اربعین»، احمد جلالی، 27 اسفند 1384، صفحه 17.

71. «عاشورا در زیارت اربعین»، نصرالله شریفی، مجموعه عاشورا، صفحه 201-211.

72. «فی اربعین الامام الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، سلمان هادی آل طعمه، المنبر الحسيني، شماره 21-22، ربیع الاول 1428ق، صفحه 238-240.

73. «مستند مذهبی کم داریم: با نیم نگاهی به مستند اربعین...»، مهدی نصیری، قدس، 18 فروردین 1384، صفحه 4.

74. «مطاف دل ها، به مناسبت اربعین حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ»، مهدی پیشوایی، درس هایی از مکتب اسلام، سال 49، شماره 91. دي 1388، ص 5-8.

75. «معراج انسان ها در پیاده روی اربعین»، عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، شماره 172، آذر و دي 1392، صفحه 74-82.

76. «نخستین اربعین»، رسول جعفریان، رسالت، 24 خرداد 1377، صفحه 5-11.

77. «نگاهی به آموزه های دعای اربعین»، سید رضا طاهری، اشارات، شماره 8

، زمستان 1391، صفحه 51-62.

78. «نگاهی به زیارت اربعین سالار شهیدان، مبتنی بر آثار و اندیشه های حکیم الهی آیت الله جوادی آملی»، حسین محمودی، اشارات، شماره 4، زمستان 1390، صفحه 47-57.

79. «نگاهی به کتاب تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ»، کیهان فرهنگی، شماره 8، آبان 1363، صفحه 48.

80. «نوح السبایا و الصحابه يوم الاربعین»، السید صالح الشهرستانی، صدي الاربعین، کربلا، العتبه العباسیه المقدسه، قسم الشؤون الفکریه و الثقافیه، 1434ق، صفحه 147-152.

81. «ویژگی های امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در زیارت اربعین»، عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، شماره 148، بهمن 1390، صفحه 114-125.

مقدس اردبیلی

احمد بن محمد اردبیلی نجفی، معروف به «مقدس اردبیلی»، از علما و فقهای شیعه امامیه در قرن دهم هجری است که در روستای نیار، نزدیک شهر اردبیل به دنیا آمد. وی در زهد و تقوا، به درجه ای رسید که به «مقدس اردبیلی» شهرت یافت و در تحقیق و ژرف نگری علمی، به اندازه ای تبحر داشت که به «محقق اردبیلی» معروف شد.

وي از جمله عالمانی است که در پرتو ارتباط با دربار صفوی، نسبت به گسترش تشیع و حل مشکلات شیعیان، تلاش های فراوانی را به ثمر رساند. اگر چه او به درخواست شاه عباس صفوی برای ترک نجف و مهاجرت به ایران، پاسخ منفی داد، اما برای مصالح شیعیان، همواره تذکریهایی را به دربار صفوی می داد که برخی از آن ها، در تاریخ نقل شده است.

او در رجب سال 993 هـ.ق، در نجف اشرف از دنیا رفت و در حرم حضرت علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ به خاک سپرده شد. تشرف ایشان به خدمت امام زمان عَجَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ در روز اربعین حسینی، زبان زد خاص و عام است. (1)

ملاقات اهل بیت علیهم السلام با جابر در اربعین

ملاقات اهل بیت عَلَیْهِ السَّلَامُ با جابر در اربعین

در کتاب های مختلف، نقل قول های فراوان و گوناگونی درباره رخداد های روز اربعین وجود دارد. یکی از این رخدادها، ملاقات اسرای اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ با جابر بن عبد الله انصاری است. مرحوم سید بن طاووس می نویسد: وقتی کاروان زنان و فرزندان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ، از شام به طرف مدینه حرکت کردند و به عراق رسیدند، به راهنمای خود گفتند: «ما را از راه کربلا ببر». وقتی به کربلا رفتند و به قتلگاه شهیدان رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و گروهی از بنی هاشم و مردانی از خاندان رسالت را دیدند که برای زیارت قبر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ آمده بودند. وقتی همدیگر را دیدند، به شدت گریستند و زاری کردند و بر سر و صورت خود زدند و ناله های جانسوز سر دادند. زنان روستاهای مجاور نیز به آنان پیوستند و چند روزی در آنجا، به عزاداری پرداختند. (2)

ص: 194

1- . گلشن ابرار، ج 1، بخش مربوط به مقدس اردبیلی.

2- . اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهري، ص 196.

موكب - که جمع آن، مواكب است - در لغت، به گروهی گفته می شود که به صورت پیاده یا سواره، به سویی روان باشند. بر همین اساس، به گروهی از سواران یا پیادگان که در التزام رکاب پادشاه هستند، موبک همایونی گفته می شود.

در اصطلاح اعراب و به خصوص اهل عراق، به دسته های عزاداری، موبک گفته می شود؛ یعنی ملازمان رکاب سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ یا امام زمان عَجَلُ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ.

بنا بر این، «موكب» در عربی، معادل «هیئت» در زبان فارسی است. به چادرها یا سازه هایی که برای پذیرایی از هیئت ها فراهم می شود نیز موبک می گویند؛ مانند: موبک انصارالحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، موبک شمس النقی عَلَيْهِ السَّلَامُ، موبک الحسن المجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ، موبک برکات الزهراء سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا، موبک الثقلین، موبک شباب علي عَلَيْهِ السَّلَامُ.

تقریباً از ابتدا تا انتهای مسیر، از این گونه چادرها

و سازه‌ها وجود دارد و هیئت‌هایی از سراسر جهان و با ادیان و مذاهب مختلف، مسئولیت این چادرها را بر عهده دارند و از زائران حسینی، پذیرایی می‌کنند.

البته بیشتر این موکب‌ها، مربوط به مردم خود عراق است و در مسیرهای بین‌راهی کربلا، جایگاهی دارند که در وعده‌های صبحانه و نهار و شام، از زائران پذیرایی می‌کنند. برخی از آن‌ها نیز جایگاهی برای استراحت شبانه و روزانه دارند.

یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین موکب‌ها، «موکب بنی‌عامر» است که متعلق به زائران عشیره بنی‌عامر بصره می‌باشد. اعضای این موکب، به هفتاد هزار تن می‌رسد که هر ساله در ایام اربعین، با لباس‌های سفید و با نظم و شکوه خاص، به عزاداری در حرم مطهر سیدالشهدا عَلَیْهِ السَّلَامُ می‌پردازند.

مقر آن‌ها در کربلا، حسینیّه بنی‌عامر است که در سال 1947 میلادی، توسط فردی به نام سید علی موسوی، از اهالی عشیره بنی‌عامر استان بصره، بنا نهاده شد؛ اما در انتفاضه شعبانیه مردم عراق که در سال 1991 میلادی

روي داد، حزب بعث عراق آن را تخریب کرد. پس از سرنگوني صدام و حزب بعث، عملیات بازسازی آن توسط باني، از سر گرفته شد. این پروژه سنگین، هم اکنون نیز در حال انجام است و هزینه های ساخت و بازسازی این حسینیه، از سوی عشیره بني عامر تأمین می شود.

این حسینیه بزرگ و دو طبقه که 7325 متر مربع مساحت دارد و دارای مصلايي بسیار بزرگ می باشد، نزدیک بلوار شهید صدر، در امتداد شارع قبله امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و در منطقه عباسیه غربی واقع شده است و در ایام اربعین، جمعیتی بالغ بر هفتاد هزار تن از عزاداران حسینی، در آنجا پذیرایی می شوند.⁽¹⁾

موقعیت موكب های ایرانی در مسیر پیاده روی اربعین

□

ص: 197

1- . سایت شیعه نیوز

مهمان نوازی مردم عراق در اربعین

مردم عراق، چه در خانه هایشان که در مسیر پیاده روی اربعین قرار دارد و چه در مُضيف ها (مهمان خانه ها) که بر سر راه زائران قرار گرفته است، همهٔ نیازهای زائران را برآورده می سازند و در نهایت مهمان نوازی، خدماتی از قبیل صبحانه، ناهار، شام، پوشاک، جای استراحت، رختخواب و حتی خدمات درمانی و دارویی نیز ارائه می دهند.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی، در این باره، خاطره ای بسیار جالب و شنیدنی دارد. او که در دوران طلبگی - از سال 1369 تا 1370 ه.ق - ساکن نجف اشرف بوده است، دو بار توفیق می یابد که پیاده به کربلا برود. وی با پای برهنه،

از مسیر رودخانه که 20 کیلومتر، طولانی تر از مسیر کنونی نجف تا کربلا است و حدود 3 روز به طول می انجامد، به زیارت اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ مشرف می شود.

آیت الله مکارم شیرازی، با اشاره به خاطره پیاده روی اش می گوید: وقتی به یکی از مُضیف ها رسیدیم، صاحب مضیف، دعوت کرد که مهمان او شویم و آنجا استراحت کنیم. به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته ایم و باید مسافت زیادی راه برویم، فرصتی برای ماندن نداریم. پس از این که او اصرار کرد و ما امتناع کردیم، ناگهان چاقویش را درآورد و ما را تهدید کرد و گفت: «مدتی است که برایم مهمان نیامده و شما باید مهمان ما شوید!». معلوم شد که پذیرایی از زائر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در نزد آن ها، ارزش و اهمیت بسیار بالایی دارد و چون چند وقتی است که مهمان برایش نرسیده، از این بابت خیلی ناراحت است. بالاخره بعد از این که برایش بیشتر توضیح دادیم و قول دادیم که از طرف او هم زیارت کنیم، اجازه داد ما برویم. (1)

میرزا حسین نوری

میرزا حسین مازندرانی طبرسی، معروف به محدث نوری، از علمای سرشناس شیعه در قرن چهاردهم هجری بود. در 18 شوال 1254 ه.ق، در روستای یال رود، از توابع نور مازندران به دنیا آمد. در 27 جمادی 1320 ه.ق در سامرا درگذشت و در نجف اشرف، به

ص: 199

خاك سپرده شد. علت مرگ وي را مسموميت نوشته اند.

او در فقه و حديث و تفسير، تبحر داشت و شعر نيز مي سرود. از القاب وي مي توان به خاتم المحدثين، علامه نوري، ميرزاي نوري، محدث نوري و حاجي نوري اشاره كرد. وي دابي و پدر همسر شيخ فضل الله نوري بود. (1)

به احتمال قوي، مرحوم نوري نخستين كسي بود كه با آوردن دلايل عقلي و نقلي، مسأله رسيدن اهل بيت عَلَيْهِ السَّلَامُ به كربلا در اربعين اول و ملاقات آن ها با جابر را مورد ترديد قرار داد.

ميرزاي نوري، احياگر سنت پياده روي كربلا

ميرزا نوري، احياگر سنت پياده روي كربلا

بنا بر روايات تاريخي، پياده روي براي زيارت كربلا، تا زمان شيخ انصاري - متوفاي سال 1281 هـ.ق - رسم بوده است؛ اما در برهه اي از زمان كه سوار شدن به اتومبيل باب گرديد، پياده روي اربعين نيز به ورطه فراموشي سپرده شد و بعدها، توسط ميرزا حسين نوري، دوباره احيا گرديد.

اين عالم بزرگوار، نخستين بار در عيد قربان، نجف تا كربلا را با پاي پياده و در مدت سه روز، طي كرد و حدود 30 نفر از دوستان و شاگردانش، وي را همراهي كردند. محدث نوري از آن پس تصميم گرفت هر سال اين كار را تكرر كند. آخرين باري كه ايشان با پاي پياده، به زيارت حرم اباعبدالله الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ مشرف شد، در سال 1319 هـ.ق بود. (2)

ص: 200

1- . رك: خاتم المحدثين حاج ميرزا حسين نوري، مجيد نقدي.

2- www. عجل الله تعالى فرجه الشريف arsnews.com

1. آيتي، محمد ابراهيم: «برسي تاريخ عاشورا»، انتشارات صدوق، 1347ش.
2. ابن ابى يعقوب، احمد: «تاريخ يعقوبى»، ترجمه محمد ابراهيم آيتي، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، دوم، 1347ش.
3. ابن اثير، علي: «اسد الغابة فى معرفة الصحابة»، بيروت، چاپ عادل احمد رفاعى، 1417ق.
4. ابن اثير، علي: «الكامل فى التاريخ»، بيروت، دار صادر، 1965م.
5. ابن اشعث كوفى، محمد: «الاشعثيات» (الجغفريات)، تهران، مكتبة نينوى الحديثه.
6. ابن حجر عسقلانى، احمد: «الاصابة فى تمييز الصحابة»، بيروت، چاپ على محمد بجاوى، 1412ق.
7. ابن حجر عسقلانى، احمد: «تهذيب التهذيب»، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، اول، 1984م.
8. ابن حزم، علي: «جمهرة انساب العرب»، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، 1983م.
9. ابن حيون مغربى، نعمان: «دعائم الاسلام»، تحقيق آصف فيضى، قاهره، دارالمعارف، 1383ق.
10. ابن خلكان، احمد: «وفيات الاعيان و أبناء أبناء الزمان»، تحقيق احسان عباس، لبنان، دارالثقافه.
11. ابن سعد، محمد: «الطبقات الكبرى»، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، 1990م.
12. ابن شهر آشوب، محمد: «مناقب آل ابى طالب»، قم، علامه، 1379ق.
13. ابن طيفور، احمد: «بلاغات النساء»، قم، منشورات مكتبة بصيرتى.
14. ابن عبد البرّ، يوسف: «جامع بيان العلم»، بيروت، دار الفكر.

15. ابن عبد البرّ، يوسف: «الاستيعاب في معرفة الاصحاب»، بيروت، چاپ علی محمد بجاوی، 1412ق.
16. ابن عساکر، علي: «اعلام النساء»، تحقيق محمد عبدالرحيم، بيروت، دار الفكر، 1424ق.
17. ابن عساکر، علي: «تاريخ مدينة دمشق»، بيروت، دارالفکر، 1415ق.
18. ابن عنبه، احمد: «الفصول الفخرية»، به اهتمام سيد جلال الدين محدث ارموى، نشر علمى و فرهنگى، 1363ش.
19. ابن قتيبه، عبدالله: «المعارف»، قاهره، چاپ ثروت عكاشه، 1960م.
20. ابن قولويه محمد: «كامل الزيارات»، تصحيح بهراد جعفرى، تهران، نشر صدوق، اول، 1375ش.
21. ابن قيم جوزيه، محمد: «اعلام الموقعين»، رياض، دار ابن الجوزى، 1423ق.
22. ابن كثير، اسماعيل: «البدايه و النهايه»، بيروت، دارالفکر، 1986م.
23. ابن مشهدى، محمد: «المزار الكبير»، چاپ جواد قيومى اصفهانى، قم، 1419ق.
24. ابن مغازلي، علي: «مناقب الإمام على بن أبى طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ»، بيروت، دار الاضواء، 1424ق.
25. اصفهانى، ابوالفرج: «مقاتل الطالبين»، تحقيق احمد صقر، بيروت، دارالمعرفه.
26. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صحيفه الرضا»، تصحيح جواد قيومى اصفهانى.
27. امين، محسن: «اعيان الشيعة»، تحقيق حسن الامين، بيروت، دارالتعارف.
28. اميني، عبدالحسين: «الغدير فى الكتاب و السنة و الادب»، قم، 1422ق.
29. بلاذرى، احمد: «انساب الاشراف»، دمشق، چاپ محمود فردوس العظم، 1996م.
30. بهايى، محمد: «توضيح المقاصد»، مصر، مطبعه عباسيه، 1313ق.
31. بهبهانى، محمد باقر: «الدمعة الساكبة»، تهران، صيام، 1381ش.
32. بيروني، ابوريحان: «آثار الباقيه عن قرون الخاليه»، فردوس، اول، 1390ش.
33. پيشوايى، مهدي: «سيره پيشوايان»، موسسه تعليماتى و تحقيقاتى امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، 1389ش.

34. تنكابني، سيد محمد مهدي: «رياض المصائب»، تحقيق مؤسسة احياء الكتب الاسلامية، قم، افق فردا، اول، 1423ق.
35. تهراني، آقا بزرگ: «الذريعة الى تصانيف الشيعة»، بيروت، دار الاضواء، 1403ق.
36. تهراني، آقابزرگ: «طبقات اعلام الشيعة»، بيروت، 1972م.
37. ثقفى، ابراهيم: «الغارات»، تحقيق السيد جلال الدين الحسينى الارموى، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملي.
38. جبران مسعود: «الرائد»، ترجمه رضا انزابى، مشهد، آستان قدس رضوى، دوم، 1376ش.
39. جزائرى، سيد نورالدين: «الخصائص الزينية»، قم، انتشارات المكتبة الحيدرية، اول، 1383ش.
40. الجزيري، عبدالرحمن: «الفقه على المذاهب الأربعة»، بيروت، دار الكتب العلمية، دوم، 1424ق.
41. جمعى از پژوهشگران حوزه علميه قم: «گلشن ابرار»، قم، پژوهشكده باقرالعلوم، سازمان تبليغات اسلامى، 1389ش.
42. حر عاملى، محمد: «وسائل الشيعة»، تحقيق عبدالرحيم ريانى، دار احياء التراث العربى، پنجم، 1403ق.
43. حسيني تهراني، محمد محسن: «اربعين در فرهنگ شيعة»، قم، عرش اندیشه، 1384ش.
44. حسيني ليلايى، ابراهيم: «آمال الواعظين»، قم، نسيم كوثر.
45. حلي، ابن نما: «مثير الاحزان»، قم، انتشارات مدرسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1406ق.
46. حلي، حسن: «تحرير الاحكام»، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، 1378ش.
47. حلي، حسن: «خلاصة الاقوال»، مؤسسة نشر الفقاهة، 1417ق.
48. خطيب بغدادى، احمد: «الرحلة فى طلب الحديث»، بيروت، چاپ نورالدين عتر، 1395ق.
49. خطيب بغدادى، احمد: «الكفاية فى علم الرواية»، بيروت، دار الكتب العلمية، 1409ق.
50. خطيب بغدادى، احمد: «تقييد العلم»، بيروت: چاپ يوسف عش، 1974م.

51. خواندمير، غياث الدين: «حبيب السير في اخبار افراد بشر»، تهران، نشر خيام، 1362ش.
52. دربندي، ملاآقا: «اسرار الشهادة»، طوباي محبت، اول، 1392ش.
53. ديباجي، ابوالقاسم: «زينب الكبرى بطلّة الحرّية»، بيروت، البلاغ، دوم، 1417ق.
54. ذهبي، محمد: «سير اعلام النبلاء»، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول، 1401ق.
55. رمضانى پور، موسى: «كرامات حسينيّه و عباسيه»، قم، صالحان، 1388ش.
56. روحاني، محمد: «زندگاني حضرت زهرا سلام الله عليها»، تهران، مهام، 1377ش.
57. ري شهري، محمد: «دانشنامه امام حسين عَلَيْهِ السَّلَام»، ترجمه محمد مرادى، قم، دارالحدیث، 1388ش.
58. ري شهري، محمد: «میزان الحكمة»، قم، دارالحدیث، اول، 1375ش.
59. زيدي، مرتضى: «اتحاف الساده المتقين بشرح احياء علوم الدين»، بيروت، دار الكتب العلميه.
60. سبط بن جوزى، يوسف: «تذكرة الخواص» تحقيق حسين تقى زاده، المجمع العالمى لاهل البيت، اول، 1426ق.
61. سبكي، تقى الدين: «شفاء السقام في زيارة خير الانام»، تهران، نشر مشعر.
62. سزگين، فؤاد: «تاريخ التراث العربى»، محمود فهمى حجازى، رياض، 1403ق.
63. سيد بن طاووس، عبدالكريم: «فرحة الغري»، مركز الغدير للدراسات الإسلامية، 1419ق.
64. سيد بن طاووس، علي: «إقبال الأعمال»، چاپ جواد قيومى اصفهانى، قم 1414.
65. سيد بن طاووس، علي: «اللهوف علي قتلي الطفوف»، تهران، جهان، 1348ش.
66. سيد بن طاووس، علي: «كشف المحجّه»، ترجمه اسد الله مبشرى، تهران، نشر فرهنگ اسلامى، اول، 1368ش.
67. سيد بن طاووس، علي: «مصباح الزائر»، تحقيق مؤسسة آل البيت لاهياء التراث، قم، اول، 1416ق.
68. شبر، جواد: «أدب الطّف او شعراء الحسين عَلَيْهِ السَّلَام»، بيروت، دارالمرتضى، 1409ق.

69. شبلنجي، مؤمن: «نور الابصار في مناقب آل بيت النبي المختار» قم، رضی.
70. شريف القرشي، باقر: «السيدة زينب»، بيروت، دارالمحجة البيضاء اول، 1422ق.
71. شعراني، ابوالحسن: «دمع السجوم في ترجمة نفس المهموم»، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، 1381ش.
72. شوشتری، محمد تقی: «قاموس الرجال»، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، 1431ق.
73. شهیدی، سيد جعفر: «زندگانی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1384ش.
74. شهیدی، سيد جعفر: «زندگانی علي بن الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1385ش.
75. شيخ طبرسي: «اعلام الوري باعلام الهدى»، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، 1417ق.
76. صدوق، محمد بن بابويه: «الامالي»، كتابخانه اسلاميه، 1362ش.
77. صدوق، محمد بن بابويه: «خصال»، تصحيح علي اكبر غفاري، دفتر انتشارات اسلامي، 1362ش.
78. صدوق، محمد بن بابويه: «عيون اخبار الرضا»، بيروت، چاپ حسين اعلمي، 1404ق.
79. صدوق، محمد بن بابويه: «كمال الدين و تمام النعمة»، قم، چاپ علي اكبر غفاري، 1363ش.
80. صدوق، محمد بن بابويه: «كمال الدين و تمام النعمة»، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1359ق.
81. صدوق، محمد بن بابويه: «معاني الاخبار»، قم، چاپ علي اكبر غفاري، 1361ش.
82. صدوق، محمد بن بابويه: «من لا يحضره الفقيه»، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، 1404ق.
83. صفار قمي، محمد: «بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام»، قم، چاپ محسن كوچه باغی تبریزی، 1404ق.

84. صنعاني، عبدالرزاق: «تفسيرالقرآن»، رياض، چاپ مصطفى مسلم محمد، 1410ق.
85. طبري، عمادالدين حسن: «كامل بهائي»، تصحيح اكبر صفدرى قروينى، تهران، انتشارات مرتضوى، دوم، 1386ش.
86. طبري، عمادالدين محمد: «بشارة المصطفى لشيعة المرتضى»، نجف، 1383ق.
87. طبرى، محمد بن جرير: «تاريخ الأمم و الملوك»، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دارالتراث، دوم، 1967م.
88. طريحي، فخرالدين: «مجمع البحرين»، تصحيح سيد احمد حسيني، تهران، المكتبة المرتضوية، دوم، 1362ش.
89. طوسي، محمد: «التبيان فى تفسيرالقرآن»، بيروت، چاپ احمد حبيب قصير عاملى.
90. طوسى، محمد: «الغيبه»، تهران، مكتبه نينوى.
91. طوسى، محمد: «تهذيب الاحكام»، تصحيح سيد حسن خرسان، بيروت، دار الاضواء، دوم، 1406ق.
92. طوسى، محمد: «رجال»، قم، چاپ جواد قيومى اصفهانى، 1415ق.
93. طوسى، محمد: «مصباح المتهدج»، بيروت، موسسه فقه الشيعه، 1411ق.
94. علوى، سيد احمد: «راهنماى مصور سفر زيارتى عراق»، قم، معروف، 1389ش.
95. عياشى، محمد: «تفسير عياشى»، تحقيق سيد هاشم رسول محلاتى، تهران، مكتبة الاسلاميه.
96. قاضى طباطبايى، سيد محمد على: «تحقيق درباره اربعين اول سيد الشهداء»، قم، بنياد علمي و فرهنگي شهيد آية الله قاضى طباطبايى، 1368ش.
97. قاضى نعمان، محمد: «شرح الاخبار»، تحقيق سيد محمد حسيني جلالى، قم، جامعه مدرسين، دوم، 1414ق.
98. قرطبي، محمد: «الجامع لاحكام القرآن»، بيروت، 1405ق.
99. قطب راوندى، سعيد: «الخرائج و الجرائح»، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات

100. قمى، عباس: «الكنى والألقاب»، نجف أشرف، نشر حيدر، 1389ق.
101. قمى، عباس: «تحفة الاحباب فى نوادر آثار الاصحاب»، تهران، 1369ق.
102. قمى، عباس: «سفينة البحار»، دار الاسوة للطباعة و النشر، اول، 1414ق.
103. قمى، عباس: «وقايع الايام»، قم، نور مطاف، 1388ش.
104. قندوزى، سليمان: «ينابيع الموده لذوى القربى»، تحقيق سيد على جمال اشرف حسيني، دارالأسوه، اول، 1416ق.
105. كليني، محمد: «اصول كافي»، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1388ق.
106. كمونه حسيني، عبدالرزاق: «موارد الإتحاف فى نقباء الأشراف»، نجف اشرف، نشر الآداب، 1388ق.
107. كشي، محمد: «اختيار معرفة الرجال»، چاپ حسن مصطفوى، مشهد، 1348ش.
108. گرجى، ابوالقاسم: «تاريخ فقه و فقها»، تهران، سمت، 1385ش.
109. مازندراني، محمد مهدي: «معالي السبطين»، تبريز، راه آسمان، 1381ش.
110. مامقاني، عبدالله: «تنقيح المقال»، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، 1423ق.
111. مجلسى، محمد باقر: «بحار الانوار»، تهران، اسلاميه.
112. محلاتى، ذبيح الله: «رياحين الشريعة»، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
113. مدرس، محمد علي: «ريحانه الادب»، انتشارات خيام، سوم، 1369ش.
114. مزى، يوسف: «تهذيب الكمال فى اسماء الرجال»، بيروت، چاپ بشار عواد معروف، 1422ق.
115. مفيد، محمد: «الارشاد»، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413ق.
116. مفيد، محمد: «مسار الشيعه»، تحقيق مهدى نجف، بيروت، دار المفيد، اول، 1414ق.
117. مكرم، عبد الرزاق: «مقتل الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ»، بيروت، دارالكتاب الاسلاميه، پنجم، 1979م.

118. مكارم شيرازي، ناصر: «مفاتيح نوين»، قم، مدرسه امام علي عَلَيْهِ السَّلَامُ، 1389ش.
119. ملكي تبريزي، جواد: «المراقبات»، ترجمه كريم فيضي، قائم آل محمد، 1392ش.
120. موسوي زنجاني، ابراهيم: «وسيلة الدارين»، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، 1395ق.
121. مولايي، احمد: «الاربعينيات»، مشهد، چاپ نهضت، اول، 1369ش.
122. نجاشي، احمد: «رجال»، تصحيح سيد موسى شبيري زنجاني، قم، دفتر انتشارات اسلامي، 1407ق.
123. نوري، حسين: «مستدرک الوسائل»، قم، آل البيت، 1407ق.
124. واثقي، حسين: «جابر بن عبدالله الانصاري: حياته و مسنده»، قم، 1378ش.
125. يزدي حائري، علي: «الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب»، بيروت، مؤسسة الأعلمي، اول، 1422ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

